

نمره - ۱۷۵

مخلص مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئیه)

قلهک، ۱۷ ژون ۱۹۰۸

[۲۷ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۷ج ۱-۱۳۲۶]

توضیح کلیه علل و اسباب و شاید صحیح تر باشد گفته شود تعیین مناسبت اهمیت آنها با علل و اسباب مختلفه بحرانی که باعث انقلاب ایران و مخصوصاً انقلاب پایتخت چند روزی در انتهای ماه مه و اوایل ژون شده سهل و آسان نمی باشد.

از ۱۶ شهر گذشته [۲۶ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۲۴ع ۱۵ - ۱۳۲۶] تاکنون مملکت کابینه وزراء نداشته . هیچکس از خارج شدن مشیرالدوله از وزارت خارجه متأسف نیست. ضعف حقارت آمیز او باعث تجدید خشم اهالی علیه شاه شده، انقلاب شدیدی شروع گردیده. از اعلیحضرت تقاضا شد که امیر بهادر جنگ و سایر درباریان معتمد خود را که بواسطه همان اعتمادی که شاه بر آنها داشت مورد تنفر ملیین شده بودند اخراج نماید.

روز سه شنبه طرف عصر (دوم شهر جاری) [۱۲ خرداد ۱۲۸۷؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۲۶] شاه به قبول تقاضای آنها تن در داده و حاضر شد که شش نفر از اطرافیان خود را اخراج نماید. مابین ساعت دو و سه بعد از نصف شب امیر بهادر جنگ با اتفاق بیست نفر از غلامان مسلح خود به سفارت روس در زرگنده رسید .

روز بعد که سوم شهر جاری باشد من از سفیر روس که به دیدن من آمده بودند پذیرائی کردم. مسیو دوهارت و یک اظهار داشت شاه خود را در واقع از دست رفته و مشرف به هلاکت می داند و من خیلی مایل به حفظ جان او هستم و به گمان او موقع آنقدر سخت بود که سفارتین لازم است اقدامی بنمایند. بنابراین او اینطور ارائه طریق نمود که ما متفقاً از مشیرالدوله که اگر چه پنج روز قبل از کار استعفا نموده بود هنوز به مقام وزارت امور خارجه برقرار بود ملاقات نموده و او را از نتایج و عواقب مهمی که از حدوث اتفاقی برای شاه ممکن است برای ایران بوقوع آید متذکر سازیم. من گفتم بسیار مشتاقم که در این امر با او اتفاق نمایم ولی گمان نمی کنم از مذاکره این مطلب با مشیرالدوله فقط چندان نتیجه بدست آید چه که او ممکن است شرح اظهارات و عنوانات ما را بطور بسیار ناقصی بیان کند و اینطور ارائه طریق نمودم که ممکن است از مشیرالدوله درخواست نمایم که رئیس مجلس را هم برای ملاقات ما دعوت کند. مسیو دوهارت و یک باین مطلب رضا داده و پیشنهاد نمود که چون به ممتازالدوله هم زیاده تر از وزیر امور خارجه نمی توان اعتماد نمود بهتر است که عضدالمک هم حضور داشته باشد.

بنابر این ترتیب ما به مشیرالدوله تلگراف کرده از او درخواست نمودیم که ترتیب ملاقاتی برای ساعت سه و نیم همان روز بعد از ظهر بدهد .

همینکه به خانه مشیرالدوله رسیدم مسیو دوهارت و یک را آنجا یافتیم ولی هم ممتازالدوله و هم عضدالمک به معاذیر سست متعذر شده از حضور در آنجا خود را معاف نموده بودند. مسیو دوهارت و یک ابتدا شروع به مذاکره نموده به وزیر امور خارجه اشعار

نمود که ما به سمت نمایندگی دو دولت که بی‌اندازه مشتاق سعادت ایران هستند آمده‌ایم طریق خطرناکی را که ایران را گذارده‌اند در آن مشی نموده و روبه هرج و مرج برود به شما بنماییم.

این مسئله آتیۀ بسیار وخیمی در پیش دارد و امیدوار است که مشیرالدوله این را جزو مشاغل خود فرض نموده همکاران خود و مجلس را با جدیت تمام از اهمیت مواقع متنبه سازد.

پس از اختتام نطق مسیو دوهارت ویک من اظهار داشتم که با عقاید اودرباب اوضاع حالیه ایران موافقت تامه دارم و گمان می‌کنم که بهترین علاج این است که مابین شاه و اهالی احساس بهتری تولید شده و عدم اعتماد عامه نسبت به آن اعلیحضرت مرفوع گردد. بدبختانه ظاهراً هیچکس جرئت نمی‌کرد که برای دفاع شاه یک کلمه حرفی بزند. اعضای مجلس هیئت تربیت شده بااطلاعی نیستند و عقاید آنها در مسائل مالی مثلاً مثل عقاید بچه‌ها است ولی با اینحال هیچکس در صدد تصحیح عقاید آنها برنیامده و نسبت انجمنها با شاه بعینه شبیه به نسبت مردم با مجلس است. اخبار و شایعات که غیرمحمول بودن آنها بر همه واضح است علیه شاه منتشر گردیده یک‌مشت مردم جاهل مخالف بواسطه آنکه هیچیک از اولیاء امور زحمت تکذیب آن را بر خود هموار نمودند با اشتیاق تمام آن را قبول و تصدیق نمودند.

مشیرالدوله وعده داد که بیانات ما را از روی صداقت و امانت به همکاران خود و مجلس برساند.

همینکه اجازه مرخصی گرفتیم مسیو دوهارت ویک گفت گمان می‌کند مشیرالدوله بیانات ما را بطور صحت، آنطوری که دلخواه باشد، برساند و عقلاً اینطور صلاح دید که هر دو از عضدالملک ملاقات نموده و مطالب را به همان نهج به او عنوان نماییم. چون وعده ملاقاتی به مستر رابینو داده بودم نتوانستم فوراً به خانه عضدالملک بروم ولی پس از حرکت مسیو دوهارت ویک من هم زود خود را به آنجا رسانیده و همانطوریکه به مشیرالدوله اظهارات مطالب خود را نمودیم با ایشان هم مذاکره کردیم.

عقیده من اینست، و برای آن دلیل دارم، که مشیرالدوله مطالب ما را بطور صحت به رئیس مجلس اظهار داشت. من اقدام نمودم که یک نفر وکیل متدین بی‌ترس را که شرح مطالب ما را بطور صحت اظهار می‌داشت از بیانات و مقاصد خود مستحضر دارم. نمی‌توانم بگویم که از این اقدام نتیجه مطلوبه در راه تولید موافقت و مؤالفت مابین دو طرف بدست آمد یا نه.

صبح روز بعد (۴ شهر جاری) [۱۴ خرداد ۱۲۸۷؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۶] همینکه پس از مراجعت از طهران که برای کارهای شخصی آنجا رفته بودم به قلهک رسیدم قریب ساعت یازده از مجلس با تلفون به من خبر داده شد که شاه قریب ساعت ده از ارك خارج شده معلوم نیست به کجا رفته است. از قرار معلوم قریب ساعت نه و نیم قبل از ظهر مابین بعضی از قراولان قصر نزدیک دروازه حوالی اداره گمرک نزاعی به وقوع رسیده و فریاد زدند که شهر را باید غارت کرد. دسته‌جات سرباز آمده به این طرف و آن طرف شهر تاخت و تاز

نموده و در حین بهم‌خوردگی که از این کار بهم رسید شاه با عده معتبری از عساکر که دور او را محافظت می‌نمودند و با کلنل لیاخوف و مسیو شاپشال که این طرف و آن طرف کالسکه بودند بطرف باغشاه که در مغرب‌شهر واقع است رفت. همینکه معلوم شد شاه کجا رفته نظم اعاده گردید ولی مردم بسیار مشوش و مضطرب بودند.

بمجرد آنکه این اخبار به من رسید در زرگنده به سفارت روس رفته و چون مسیو دوهارت ویک به سفارت آلمان رفته بود من منتظر مراجعت او شدم. همینکه وارد شد اظهار داشت که این اخبار کمی بعد از ساعت ده بوسیله تلفون به او رسیده و از ترتیبی که پیش آمده بود اظهار خشنودی نمود چرا که تصور می‌کرد در باغشاه برای شاه وسایل امنیست بهتر از مرکز شهر موجود بود و امید داشت که شاه بزودی به نیاوران که در دامنه کوه واقع است عزیمت خواهد نمود.

شهر طهران بکلی آرام بود. قزاقان در کوچه گردش کرده و بازارها که از موقعیکه خروج شاه معلوم شد بسته بودند طرف ظهر باز گردیدند. اهالی بسیار مشوش بودند از اینکه شاه پس از آن چه اقدامی خواهد نمود و غیر معلومی جریان مسئله سرحدی به اشکالات و خوفهای حکومت موقتی افزوده در بین دو روز بعد مابین درباریان و وزراء و شاهزادگان و اعیان سرعت و متعاقب هم گفتگوها و مذاکرات بعمل آمده و روز شنبه بعد از ظهر (۶ شهر جاری) [۱۶ خرداد ۱۲۸۷؛ ۶ ج ۱ - ۱۳۲۶] وزیر امور خارجه از سفیر روس ملاقات نموده پس از مذاکره طولانی راجع به مسئله سرحدی با امیر بهادر جنگ صحبتی نموده نتیجه این شد که او فردا صبح آن روز از سفارت خارج گردید.

مسیو دوهارت ویک مرا اطلاع داد که مشیرالدوله اطمینانات کافی از بابت امنیت امیر بهادر جنگ به او داده و بنابراین دلیل دیگر نبود برای آنکه او زیاده بر این در تحت بیرق روس خود را محفوظ دارد. امیر بهادر جنگ فوراً بطرف قصر مراجعت نمود.

بعد از ظهر ۷ ژون [۱۷ خرداد ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۱ - ۱۳۲۶] کابینه آخر الامر تشکیل گردیده وزرای جدید به مجلس آمدند ولی چون مراسم معرفی آنها بطور محرمانه بعمل آمد مسئله تشکیل آنها بطور عموم بر همه معلوم نگردید.

طرف مغرب هرمز میرزا به قلهک آمده مرا اطلاع داد که برادرش جلال‌الدوله و علاءالدوله و سردار منصور و عضدالملک را شاه دستگیر نموده و نیم‌ساعت پس از آن شخص دیگری آمد و همان خبر را داده علاوه نمود که سه نفر از حبسیهای اولی را در زیر غل و زنجیر کرده با کمال بی شرافتی با آنها رفتار شده است. هردو از من تحقیق نمودند که آیا برای استخلاص جلال‌الدوله چنانچه برای ناصرالملک اقدام نمودم کاری خواهم کرد یا نه.

من اظهار داشتم که موارد مختلف می‌باشد و برای آنکه از بابت جلال‌الدوله مداخله بنمایم هیچ سبب و علتی نداشته و چون اینطور شهرت داشت که او در انقلاب اخیر شرکت مهمی نموده بود این مسئله ممکن نبود و در هر صورت دلیلی برای اینکه جان او در معرض خطر باشد در دست نیست و در حقیقت هرمز میرزا مسئله دستگیری برادر خود را ابتدا بطور شوخی بیان کرد. هردو اینها اشاره نمودند که امکان دارد متحصنین قهراً داخل سفارتخانه

شهر شوند و از من تحقیق نمودند در اینصورت چه قسم عمل خواهم کرد. صبح روز بعد دونفر غلامان معتمد به شهر فرستادم که درهای سفارت را بسته همانجا مواظب باشند و هر گاه کسی بخواهد بست اختیار نماید با تلفون به من خبر رسانند. سپس معلوم گردید که شاه علاءالدوله و جلالالدوله و سردار منصور و سایرین را به قصر احضار نموده ابتداء اینها میل به اطاعت امر او را ننموده لیکن عضدالملک گفته است که او حفظجان آنها را نظر به مراسله اطمینان بخشی که شاه به عنوان او فرستاده ضمانت نمی نماید و علیهذا آنها قبول رفتن به حضور شاه را نمودند و دسته‌ای از عساکر تا باغشاه به همراهی آنها رفته به آنجا رسیدند. شاه آن سه نفری را که تصور می نمود محرکین عمده انقلاب برای اخراج درباریان بوده اند توقیف نموده است. شفاعت عضدالملک در حق آنها بی نتیجه بود و اظهار داشت که خود را شریک بخت محبوسین خواهد نمود و علیهذا در قصر توقف نمود.

اینکه می گویند در باغشاه و در موقع مسافرت بطرف مازندران با محبوسین مذکور بطور سخت رفتار شده ظاهراً بکلی کذب است.

هیچ گفتگوئی نیست که شاه کاملاً حق داشت در مورد علاءالدوله و جلالالدوله سوءظن برد ولی دستگیری سردار منصور اسباب تعجب عموم واقع گردید. این شخص سال گذشته مدیر کل تلگرافات بود و از قراری که تصور می شد در پلتیک مملکتی دخالت نداشت. مسیو دوهارت ویک مرا اطلاع داد نمی تواند حدس بزند دلیل دستگیری او با آن دونفر چه بوده. من به سفیر موسوم اظهار داشتم که چون سردار منصور دارای نشان انگلیس است من خود را مجبور می بینم به اینکه از بابت بی احترامی که به او وارد آمده تحقیق نمایم ولی فعلاً پیشنهاد نمی کنم که برای تحقیق به یک طریقی فشار بیاورم که حمل به مداخله از طرف من در مورد او شود. تا آن اندازه که از علاءالسلطنه به من مفهوم شده از قرار معلوم او در اتاقهای بالاخانه عضدالملک در اقدامات مهمه شرکت نموده و مسئله آمدن او قبل از ورود سایرین بر شاه اینطور ثابت نموده که محرك عمده نقشه بر ضد او بوده است. در انتظار ایرانیان داشتن نشان... البته به من حق می دهد که برای تحقیق تقصیر او فشار آورم ولی چون اینکار به اقدام برای استخلاص او تعبیر خواهد شد صلاح دانسته ام که از هر اقدامی که صورتاً شبیه به مداخله در امور داخلی باشد احتراز نماید [نمایم]. من پیشنهاد می کنم که به علاءالسلطنه بفهمانم که من انتظار دارم از بابت تقصیر سردار اقناع شوم.

متعاقباً این اوضاع دو مرتبه تجدید شده و اخبار بسیار متضاد شیوع یافت. انجمنها ظاهراً از صلاحیت مداومت در کشش و کوشش خود تردید داشته و مجلس و هیئت وزراء ظاهراً مایل نبودند که اوضاع کسب شدت فوق العاده نماید. روز چهارشنبه صبح (۱۰ شهر جاری) [۲۰ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۰ ج ۱ - ۱۳۲۶] اعضای انجمنها بطرف محل اجتماع سابق خود که مسجد سپهسالار باشد هجوم آورده و دسته‌ای قراول قوی در میدان توپخانه چادر زده شب و روز در کشیک بودند و تا مدتی اینطور بنظر می آمد که

مناظر و وقایع ماه دسامبر می‌خواهد دومرتبه تجدید شود ولی شهر بطور آرامی باقی بود و بازارها یکی دو دفعه بطور موقت بسته شد و اقدامی که شاه برای خلع اسلحه و تفنگ مردم نموده بود موقوف شد و چنان می‌نمود که شاه در باغشاه که دسته قراولان آن را محافظت نموده و عده قوی عساکر با نوعراده توپهای صحرائی آنجا بودند بهمین طور در عزم خود ثابت نبود. از قرار مذکور او دستگیری و محاکمه رؤسای عمده ملی از قبیل تقی‌زاده و ملک‌المتکلمین و مستشارالدوله و سید جمال را مطالبه نموده بود و از طرف دیگر انجمنها در نظر داشتند که از او درخواست نمایند بگذارند علاءالدوله و دونفر از همراهان او که در تحت عده زیاد مستحفظین به مازندران فرستاده شده بود به طهران عودت داده شده و از آنها محاکمه شود.

طرف‌ظهر جمعه (۱۲ شهر جاری) [۲۲ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۲ ج ۱۳۲۶] شاه دستخطی به دست یکی از صاحب منصبان داده بهمراهی سی نفر سر باز به مجلس و نزد وزراء رفتند اعلام نمودند که هر گاه اجتماع مسجد از هم متفرق نشوند به قوه قهریه آنها را متفرق خواهد کرد. اگر چه این تهدید [و] اعمال و اجرای آن بهیچوجه صورت وقوع نمی‌یافت کافی بود. پس از مذاکرات محرمانه مختصری، در حالیکه درهای مجلس مسدود بود، دسته کوچکی از اعضاء با رئیس مجلس در جلو آنها بطرف مسجد شتافته از مردم استدعا نمودند به‌خانه‌های خود بروند. پس از اتمام نطق رئیس مجلس تقی‌زاده نطقی نموده این سرکرده بزرگ از مردم ملتمس شد که بدون اینکه از جهات و اسباب اینکه چرا او موافقت آنها را لازم می‌داند درخواست رئیس را قبول نمایند. مردم این درخواست را بطور آرامی اطاعت نموده و اعضای انجمنها شروع به خروج از مسجد کرده و اعلان بزرگی را که بموجب آن در دوازده مورد شاه را به نقض اتیان قسم در حفظ مشروطیت معرفی کرده و به دیوار چسبانیده بودند همراه بردند. علاءالسلطنه که بعد از ظهر به ملاقات من آمد از نتایج مطلوبه خشنود می‌نمود و تصور می‌کرد که تا مدتی امورات به یک طوری فیصله شده است. طرفداران مشروطیت چون تصور می‌کردند که مجلس به آمال آنها خیانت کرده بی‌اندازه افسرده حال بودند. یحتمل نصایح مجلس بجا بود چرا که شاه بخوبی می‌توانست یقین نماید که اجتماع عده کثیری از مردم مسلح برای امنیت عمومی و یا برای شخص او خطرناک بوده و حق آنرا داشت که به قوه قهریه آنها را متفرق نماید و حال آنکه حالا که مردم به خانه‌های خود مراجعت نموده‌اند عذری برای او باقی نخواهد ماند که چنین اقدامی را بنماید. با این تفصیل بزودی مفهوم گردید که مظفریت ظاهری شاه عمقی نداشته و روز یکشنبه صبح (۱۴ شهر جاری) [۲۴ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۱] [۱۳۲۶] بازارها و دکانین دوباره مسدود گردیده معلوم شد که مخالفت هنوز به انتها نرسیده و سرکردگان هیجان ملی در فکر آن بودند چطور کشمکش را به وسایل موافق قوانین مشروطیت و بطور مسالمت‌خاتمه دهند. از قرار معلوم شاه با قلبی سخت حاضر و مہیای اقدامات شدید شده بود و از منبرالدوله مبلغ گزافی (۱۰,۰۰۰ لیرا [لیره]) گرفته و بواسطه آن سعی داشت که از دادن اضافه حقوق به تابعین و صاحب‌منصبان آنها حسن خدمت و وفاداری آنها را بطرف خود جلب نماید. روزی چهار قران به تائبینا و

پنج قران الی یک تومان به صاحب منصبان و بعلاوه شروع نمود که از طبقه پست اهالی شهر تشکیل استعداد دیگری داده و باغ شاه رامبدل به یک اردوگاه منظم و مساحی نمود ولی تا ظهر روز دوشنبه (۱۵ شهر جاری) [۲۵ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۶] کسی را دستگیر ننمودند. آنوقت سلیمان میرزا رئیس انجمن برادران دروازه قزوین و سایر اعضای مهم آن گرفتار شدند. شخص اولی که یکی از مأمورین وزارت جنگ است متهم شد به اینکه از قورخانه تفنگ و اسلحه دیگر بیرون داده و از قرار مذکور قرار بود برای محاکمه تسلیم دولت شود.

در این منوال سرکردگان ملی تصمیم اتحاد رویه مسلک برای خود کرده و از شاه استدعا نمودند که هیئتی مرکب از ۶ نفر از اعضای مجلس را بپذیرد و این هیئت قرار بود یادداشتی که حاکی اتیان قسم‌های مختلفه شاه برای مشروطیت باشد به او عرضه داشته از وی خواهش نمایند که با مجلس موافقت نماید چرا که اگر غیر از این باشد نمایندگان ملت به وظایف ملی و مملکتی خود نمی‌توانند عمل نمایند. شاه از پذیرفتن این هیئت سرباز زده تا بعد از ظهر سه شنبه (۱۶ ژون) [۲۶ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۶ ج ۱ - ۱۳۲۶] پس از آنکه مطالب یادداشت مذکور را با صدای بلند خودش خواند جواب داد همین حالا نمی‌تواند جواب قطعی بدهد ولی مستمعین را متذکر نمود که قاجاریه ایران را به قوه شمشیر بدست آورده و قصد او این است که آن را به قوه شمشیر حفظ نماید.

وزیر امور خارجه را که بعد از ظهر ۱۶ ژون ملاقات نمودم و بطور واضح و ساده برخلاف عادت معمول خود صحبت می‌نمود اظهار داشت که او موقع را خیلی مهم می‌داند و مذکور داشت که از تمام نقاط مملکت تلگرافات تهدیدآمیز علیه شاه می‌رسد و آنچه وزراء به قصد انصراف شاه از تعقیب این طریقه و روش خطرناک به او اظهار می‌داشتند بی‌نتیجه بود. من اظهار داشتم که به عقیده من هرگاه پس از دستگیری علاءالدوله و دو نفر همراهان او آنها را برای محاکمه به وزارت عدلیه تسلیم نموده بود مقام شاه از حالیه خیلی محکم‌تر می‌شد و شاید هنوز هم وقت این کار نگذشته است و هرگاه چنین رفتار نموده بود دلیل واضحی بود بر اینکه شاه می‌خواهد موافق قوانین مشروطیت عمل نماید و بواسطه دستگیری آنها به مردم واضح نموده است که دارای قوه کافی است که از خود دفاع نماید. علاءالسلطنه اظهار داشت که وزراء به هر طریقی که به نظرشان رسیده با شاه صحبت نموده‌اند که او را ترغیب به اعمال ارائه طریقی که من نمودم بکنند ولی نتیجه نبخشیده است و از من سؤال نمود آیا می‌توانم به یک وسیله همین نصایح را در قصر به او برسانم. من به او گفتم در این مسئله غور نموده ملاحظه خواهم کرد ببینم می‌توان کاری کرد یا نه.

در عرض هفته گذشته چندین تلگراف از شهرهای ایالات رسیده از سفارت ملتس شده‌اند که به معاونت مشروطیت که ایجاد آن بواسطه همدردی و همراهی بریطانیای عظمی شده اقدام نماید. من مستقیماً به هیچیک از این تلگرافات جوابی نداده‌ام ولی در یکی دو مورد همینکه می‌دیدم جوابی از طرف سفارت ممکن است باعث تسکین گردد به قنصلهای اعلی حضرتی دستورالعمل داده‌ام که اگر از او [ایشان] درخواست مطالبه جواب شود اظهار نمایند که انگلستان در مقام یک دولت مشروطه همیشه لازم است که با هیجانهای برای

مشروطه همدردی داشته باشد ولی مناسب و صحیح نخواهد بود که آن دولت در امورات داخلی ملت آزاد و مستقلی دخالت نماید و در هر صورت ایران مطمئن باشد که مودت انگلستان نسبت به ایران کما فی السابق مستحکم است.

نمره - ۱۷۶

ملخص مکتوب مستر مارلینگک به سرادوردگری (واصله ۶ ژوئیت)

قلهک ، ۱۸ ژون ۱۹۰۸

[۲۸ خرداد ۱۲۸۶ ؛ ۱۸ج ۱۳۲۶]

با وجود اینکه ایران در واقع وزرائی نداشته اوضاع عمومی مملکت بدتر نبوده شیراز بواسطه کفایت ظل السلطان منظم گردیده و شهر و ایالت فارس ظاهراً آرام است. برعکس در کرمانشاه بی نظمی و بی ترتیبی بطور عموم شیوع دارد و در سلطان آباد و نواحی اطراف آنجا قالیباف [های] کمپانی ذیقلر [زیگلر] ابراز میل به برهم زدن کنترانهای خود نموده اند و بهرام میرزا حاکم آنجا ظاهراً بکلی قدرت این را ندارد که حقوق کمپانی ذیقلر را محفوظ دارد. چنانچه کفیل رئیس اداره تلگراف هند و انگلیس اطلاع می دهد در کرمان هم همین اواخر یک روز جنگ بین دو طرف مخالف بوقوع رسید ولی چون قنصل اعلی حضرتی راپورت آن را نداده تصور می کنم واقعه عمده رخ ننموده است.

حضور بستیها در اداره تلگراف هند و انگلیس یزد که قریب سه هفته بطول انجامید اسباب تشویش زیاد خیال من گردید چرا که اجماع مردم متعصب ممکن است چنان تغییر حال داده دیوانه شوند که چنانچه در یزد اتفاق افتاد دوسه نفر مرتکب خودکشی گردیدند و در هر لحظه وقوع یک حادثه بزرگ تأسف انگیزی امکان داشت و بعلاوه برای دولت ایران اشکال داشت در مورد آنها سخت گیری ننماید چرا که رعایا برای منع پرداخت مالیاتی که از هشتاد سال به این طرف می پرداختند مشغول تهییج مردم بودند و البته قصد و مطالبه آنها بکلی ناحق بود.

اگر چه شاه بواسطه بستن ادارات تلگراف طهران کوشش کامل نموده که از شیوع اخبار وقایع اینجا به اطراف جلوگیری نماید در این کار چندان موفقیتی حاصل نموده و اهالی ایالات و ولایات با دقت تمام مواظب وقایع پایتخت می باشند و در میان مردم هیجان زیادی پیدا شده و از شهرهای بزرگ اطراف تلگرافات رسیده و عده همراهی مسلح با مشروطیین داده اند. خیلی مشکل است بگوئیم تا چه اندازه می توان به این تلگراف اهمیت داد یا تا چه اندازه این تلگرافات نماینده عقاید عامه اهالی مملکت می باشد. من شخصاً شك زیاد دارم از این که زیادتر از چهار شهر، که قزوین ورشت و تبریز و اصفهان باشد، حقیقتاً دستجاتی اعزام نمایند مگر اینکه شاه بکلی برخلاف عقل رفتار نموده و واقماً به مجلس حمله نماید و محتمل است که اکثر تلگرافاتی که زیاده بر شاه اثر کرده از طرف وطن پرستان اسمی بی مغز که نام خود را انجمنهای محلی گذارده اند مخابره گردیده. مقصود من این نیست که برای شاه خطری از این

تهدیدات متصور نمی‌شود. این مسئله بسته به تناسب است چرا که هرگاه عده آنهایی که برای خلع شاه داد و بیداد می‌کنند کم باشد عده اشخاصی که از روی میل برای نجات و استخلاص او کمکی به او خواهند نمود خیلی کمتر می‌باشد. اکثریت اهالی مملکت گمان می‌کنم بیطرف هستند و فقط می‌خواهند حکومتی که اسباب امنیت معتدلی فراهم آورد تشکیل شود ولی اگر به آنها فهمانیده شود که در تحت شاه حالیه تشکیل چنین حکومتی امکان ندارد به سهولت ممکن است آنها را بهیجان آورد که با سایرین در داد و فریاد برای خلع او شریک گردند. این مسئله در پایتخت فرق دارد. در طهران عده کثیری از مردم هستند که از مشروطیت آنقدر فواید و منافع انتظار دارند که خودشان هم اندازه آن را نمی‌دانند و بطور حتم برای آنها ثابت است که در تحت سلطنت محمدعلی به آرزوها و آمال خویش بهیچوجه نائل نخواهند گردید. این دسته مردم با آنکه جاهل هستند دارای صمیمیت کافی می‌باشند و سرکردگان انجمنهای عمده در میان آنها یافت می‌شود و این انجمنها نفوذ کامل در جریان اوضاع داشته انجمنهای بزرگ بقدر کفایت متدین هستند ولی بسیاری از کوچکترهای آنها فقط برای پیشرفت مقاصد و اغراض شخصی تشکیل گردیده‌اند. یدبختانه تمام انجمنها از این صفت مذموم مداخلات فضولانه در امورات در صدمه هستند و چون عموماً بطور تهدید هم مداخله می‌نمایند و در حقیقت اگر آنهایی که تهدید به ایشان می‌شود قدری جرأت بخرج می‌دادند به تهدیدات آنها اعتنائی می‌شد. حکومت کرمان اصلاً غیر ممکن شده ولی وزرای ایران، یا لاقلاً آنهایی که در این هشت ماه اخیر سر کار بودند، یدبختانه حتی آنقدر جرأت کم لازم را نداشته‌اند و نتیجه این شده که تندروی انجمنها تا نقطه‌ای تشویق شده که در واقع اختیارات نمایندگی اعضای مجلس را غصب نموده‌اند. در واقع انجمنهای نیم‌سری و پلتیکی بکلی غیر مسئول طهران یک نوع حکومت می‌کنند نه اینست که نفوذ انجمنها بکلی بدباشد و برعکس تاکنون این انجمنها یک پشتیبان و حامی پارلمان برضد مستبدین بوده‌اند ولی همینکه اقتدارات خود را درک نمودند اغلب اوقات آن را سوءاستعمال نمودند و بعضی اوقات، ولی نه غالباً، در مسائل مهمه آن را از روی میل سوء استعمال می‌کردند ولی اکثراً و اغلباً از روی جهالت صرف بود.

نمره - ۱۷۷

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۶ ژوئیت)

قلهك ، ۱۹ ژون ۱۹۰۸

[۲۹ خرداد ۱۲۸۷ : ۱۹ ج ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را بطریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) ارست گای

ملفوف ندره ۱۷۷

خلاصه وقایع ماهیانه - طهران

وقایعی که در عرض چهار هفته گذشته در ایران روی داده در مکتوب ۱۷ ژون مستر مارلینگ مشروحاً مذکور گردیده است. کابینه جدید که در ۷ ژون [۱۷ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۳۲۶ - ۱۳۲۶] به مجلس معرفی شد مرکب از اشخاص ذیل است:

مشیر السلطنه	وزیر داخله و رئیس الوزراء
صنیع الدوله	وزیر مالیه
علاء السلطنه	وزیر امور خارجه
محتشم السلطنه	وزیر عدلیه
مستوفی الممالک	وزیر جنگ
مشیر الدوله	وزیر معارف
مؤتمن الملك	وزیر تجارت و فواید عامه
امضاء چرچیل، منشی السنه شرقی	

اصفهان

در ۱۷ مه [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۶] نمایندگان انجمنهای پلیکی مختلفه در محل اجلاس انجمن محلی برای رفورم انتخاب اعضای آن هیئت و تحصیل امنیت طرق و شوارع و تنبیه اشخاصی که علیه مشروطیت صحبتها کرده بودند و تأسیس محکمه عدلیه و مرفوع داشتن عادت بست اختیار نمودن به مساجد و خانههای علماء رفته پناهنده شدند. پس از قدری مذاکره حاکم و انجمن محلی باتقاضاهای آنها موافقت نموده و در ۲۲ مه [اول خرداد؛ ۲۱ ع ۲] متحصنین مذکور از عمارت انجمن خارج گردیدند. این هیجان در نفس الامر علیه آقاجفی که یکی از مستبدین است بعمل آمد و از او نوشته گرفته شد که با اصلاحات مذکور موافقت نماید.

در ۲۸ مه [۷ خرداد؛ ۲۷ ع ۲] پانصد نفر از دهاتیان رینان که در تردیکی اصفهان واقع است در قنصلخانه انگلیس بعلت مالیات گراف که از آنها مطالبه می شد متحصن شدند. آقاجفی آنها را به ترک قنصلخانه تحریض نمود ولی از آنطرف آنها را تشویق نمود که تازمانی که حکومت آنها را به فرستادن توپ به دهاتشان تهدید می کند از پرداخت مالیات امتناع ورزند.

پست اصفهان را سارقین در ۱۹ مه [۲۹ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۲۶] نزدیک طرق زدند. در غره هم چهارصد رأس گوسفند را در تردیکی قمشه بسرقت بردند.

یزد

در ۲۲ مه [یکم خرداد؛ ۲۱ ع ۲] دهاتیان به اداره تلگرافخانه آمده خواستند در آنجا بست اختیار نمایند. در ۲۰ مه [۳۰ اردیبهشت؛ ۱۹ ع ۲] دونفر از آنها بر خود نفت

ریخته و خود را آتش زده بودند و سه نفر خود را از بالای يك مناری به زمین انداخته یکی از آنها تلف شد.

تلگرافی از وزیر مالیه رسید که يك قسمتی از مالیاتی که مطالبه شده مرفوع شود ولی قبول نگردیده رد شد. در ۲۴ مه [۳ خرداد؛ ۲۴۲۳] چون از طرف مجلس جوابی نرسید با ازدحام به تلگرافخانه ریختند. در ۲۶ مه [۵ خرداد؛ ۲۴۲۵] رئیس انجمن به تمام علمای یزد تلگراف نموده آنها را برای آنکه گذارده بودند مردم به اجانب متوسل شوند سرزنش نموده به آنها تعلیم دادند که مردم را وادارند از تلگرافخانه خارج شوند ولی مردم به جای خود باقی مانده در ۲۹ مه [۸ خرداد؛ ۲۴۲۸] بعضی از آنها از آن محل خارج شدند ولی سرکردگان و اکثریت آنها در آنجا ماندند. در ۳۰ مه [۹ خرداد؛ ۲۴۲۹] باز هم دهاتیان روبه شهر آورده سه چادر برپا کردند. در ۳ ژون [۱۳ خرداد؛ ۱۳۳] دسته‌ای از این مردم خواستند رئیس بانک شاهنشاهی را که در کوچه با او ملاقی شدند به عنوان گروگان توقیف نمایند ولی آنها را از این خیال منصرف نمودند. سپس تلگرافی از شارژ دافر اعلیحضرتی واصل شد مشعر بر اینکه وزراء مشغول اقدامات می‌باشند و مردم در استماع آن خاموش بودند و از انجمن مطالبه جواب می‌نمودند. در ۴ ژون [۱۴ خرداد؛ ۱۲۸۷؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۶] تلگرافی از شارژ دافر رسید مشعر بر اینکه انجمن تصمیم نموده بودند مالیات مذکور را وصول نمایند و این اسباب تسکین مردم گردید. در ۶ ژون [۱۶ خرداد؛ ۱۳۶] سرکردگان آنها با اشکال آنها را وادار نمودند بگذارند در اداره تلگرافخانه باز شود و گبرها مجبور شدند خود را در هیجان شریک نمایند و همینطور اتصالاً به آنها ملحق می‌شدند. حاکم بی‌قدرت بود ولی می‌خواست عده‌ای محرکین را که [صاحبان] بعضی از داکاینی را که او امر به باز کردن داده بود و آنها بسته بودند دستگیر نماید چون اینها در تلگرافخانه بودند مستر بلک من برای آنکه مبادا خونریزی شود او را از این اقدام منصرف نمود. بانک شاهنشاهی بسته بود چرا که اگر باز می‌شد شاید اسباب اغتشاش فراهم می‌آمد. در ۱۰ ژون [۲۰ خرداد؛ ۱۰ ج ۱] از رئیس مجلس و وزیر مالیه تلگراف رسید که وصول این مالیات تا ورود کمیسیون تفتیش به تعویق انداخته شود. سرکرده این جمعیت به شارژ دافر اظهار تشکر نموده روز بعد جمعیت کمتر شده ولی از آنجائی که از صحت و سقم تلگرافات واصله مشکوک بودند [بعضی] از آنها آنجا ماندند. در ۱۲ ژون [۲۲ خرداد؛ ۱۲ ج ۱] با وجود آنکه تمام آن جمعیت از اداره تلگرافخانه خارج شده بودند سرکرده آنها آنجا ماند.

کرمانشاه

تمام نقاط کرمانشاه در عرض ماه مه به علت کارهای ایلات که یا مشغول غارت مسافرین و یا جنگ‌مایین خود بودند خیلی مغشوش بود. ظفرالسلطنه حاکم جدید نرسیده بود و شهر به حال اغتشاش باقی و تجارت متروک گردیده بود.

نمره - ۱۷۸

مکتوب مستر اوبرن به سرادواری (واصله ۶ ژوئیت)

سنت پترزبورغ، ۲ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۳ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

درباب تلگراف ۳ شهر جاری من افتخاراً عرض می‌کنم دیروز با وزیر امور خارجه ملاقات نموده و در باب امور طهران مذاکره نمودم.

جناب محظّم له یادداشتی را قرائت نموده و به من دادند. این یادداشت مشعر بود بر اینکه بمجرد آنکه من درخواست نمودم که دولت امپراطوری روسیه در مطالباتی که دولت ایران می‌نمایند همراهی نمایند به سفیر روس فوراً تلگرافی تعلیم داده شد که با تقاضاهای مستر مارلینگ تقویت جدی نمایند. دولت روس چنانچه در آن یادداشت نگارش یافته از اطمیناناتی که شما درباب پلنیکی که دولت اعلیحضرتی در بحران ایران تعقیب می‌نمایند داده‌اید امتنان دارد و دولت روس اظهار می‌دارند که آن دولت کما فی السابق خود را پای‌بند قرار و مداری که مابین دولتین در مسئله ایران و عدم مداخله در امورات داخلی آن داده شده می‌دانند و مجدداً به مسیو دوهارت ویک امر داده‌اند که به کار گذاران روس مقیم طهران دستورالعمل داده شود که نسبت به سفارت انگلیس بطور دوستانه سلوک نمایند.

(امضا) هیو اوبرن

نمره - ۱۷۹

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۶ ژوئیت)

طهران، ۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

شاه تمام تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول می‌کند ولی در باب تقاضائی که برحسب ماده ۴ شده آن اعلیحضرت می‌خواهد چند نفر از بستیها از مملکت اخراج شوند. عده آنها از سه یا چهار متجاوز نخواهند بود.

گمان می‌کنم موافقت بامیل شاه باعث رفع علل محتمله اشکالات آتیه خواهد گردید. مدت غیاب این اشخاص از ایران گمان می‌کنم به یک سال باید محدود شود و اینطور باید شرط شود که هر یک از اینها تا زمانی که از هرگونه اقدامی علیه شاه احتراز کنند در مراجعت پس از انقضای مدت مرقوم کسی مزاحم و نخواهد شد. آنهایی که قبل از انقضای این مدت مراجعت کنند البته خود مسؤل خطرات وارده خواهند بود. هرگاه یک مدت معینی برای آن قرارداد نشود متحصنین محکوم به نفی ابدی خواهند شد. ممکن است بعضی از متحصنین از قبول شرایطی که بالاخره مابین دو دولت برقرار

شود امتناع ورزیده محض آنکه سفارت اعلیحضرتی را آلت پیشرفت مقاصد پلتیکی خود قرار دهند به خروج از آنجا مایل نباشند. هرگاه اشخاص مذکور را به دولت ایران تسلیم نماییم تأثیر آن در ایران برای ما غیر مستحسن خواهد بود و از وصول تعلیمات شما در این باب خشنودخواهم گردید.

وزیر امور خارجه سوادی از مضمون ترضیه‌ای را که بنا است بخواهد قبلاً به من ارائه خواهد نمود که تصویب کنم. اگر اعتراضی ندارند من خشنود خواهم بود که با میل جناب معظم له در خصوص اینکه ایشان و نماینده شاه علیحده ترضیه بخواهند موافقت نمایم. جناب معظم له از ابتدا تا انتهای این امر کوشش داشته‌اند که با من همراهی کنند و من می‌خواهم ایشان را باین وسیله ممنون سازم.

نمره - ۱۸۰

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۶ ژویت)

طهران ، ۶ ژویت ۱۹۰۸

[۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

در دویم شهر جاری، مؤید الدوله که قبل از حوادث ۲۳ شهر ماضی [۲ تیر؛ ۱۳۲۳] به حکومت منصوب بود و اسماً تاکنون به عهده خود برقرار بود دو مرتبه به حکومت تعیین گردید.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سرادوارگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۶ ژویت ۱۹۰۸

[۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

متحصنین سفارت

راجع به تلگراف ۵ ژویت شما می‌توانید ترضیه جداگانه را قبول نمایید. دولت اعلیحضرتی پیشنهاد شما را در اینکه در صورتیکه متحصنین از مملکت خارج شوند باید مدت تبعید آنها معین باشد قبول می‌نمایند. همچنین این شرط را که در صورتیکه هر يك از آنها در مراجعت در اقداماتی خود را شريك ننمایند کسی مزاحم آنها نشود تصویب می‌نمایند. هرگاه مدت يك سال کافی نباشد ممکن است به يك مدت زیادتری رضا دهیم.

هر يك از متحصنین را که از ترك سفارت امتناع می‌ورزد اطلاع دهید که نمی‌توان آنها را اجازه توقف داد ولی ترتیبی داده خواهد شد که در خروج از مملکت به آنها بدرفتاری نشود. نمی‌توان در تحصن سفارت تا مدت غیر معینی دوام داد و این کار باعث مداخله در پلتیک و امور داخله مملکت خواهد شد و فقط در مواقعی که خطرات جانی عاجل متصور است می‌توان بطور موقت برای حفاظت اجازه به آن داد.

نمبره - ۱۸۲ [۱۳۲۶ - ۲ج۷ : ۱۲۸۷ تیر ۱۵] وزارت خارجه ، ۶ ژوئیت ۱۹۰۸
تلگراف سرادواری به مستر مارلینگ

مستحفظین نزدیک سفارت
راجع به تلگراف ۵ ژوئیت شما تا زمانی که نزدیک سفارت مستحفظین برقرار می باشد ترضیه قبول نخواهد شد و هرگاه آنها را بفوریت و بالتمامه بر ندارند دیگر تصور نمی کنم تقاضاهایی که از طرف ما شده در این مورد مکفی باشد . وزیر امور خارجه را از این مسئله مستحضر سازید.

نمبره - ۱۸۳

تلگراف سرادواری به مستر اوپرن

وزارت خارجه ، ۶ ژوئیت ۱۹۰۸
[۱۳۲۶ - ۲ج۷ : ۱۲۸۷ تیر ۱۵]
مستحفظین دور سفارت طهران
شما باید مسیو ایزوالسکی را از مضمون تلگرافی که در ۶ ژوئیت به مستر مارلینگ مخابره نموده ام مستحضر داشته و از ایشان درخواست نمایید که تعلیمات جدی به سفیر روس برسانند که با اظهاراتی که مستر مارلینگ باید بکند تقویت نمایند.

نمبره - ۱۸۴

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۷ ژوئیت)

طهران ، ۶ ژوئیت ۱۹۰۸
[۱۳۲۶ - ۲ج۷ : ۱۲۸۷ تیر ۱۵]
آیا امکان دارد که با دولت روس درباب این پیشنهاد که بالاتفاق اظهاری به شاه نموده او را به انعقاد پارلمان به همین زودیها دعوت نمایید مذاکره ای شود؟ با جرأت ارائه طریق می نمایم که چنین اقدامی از طرف ما مستحسن واقع خواهد شد.
در عرض سه ماه قبل از انتخابات ناصحین شاه امیدوارند که بواسطه تشکیل مجلس سنا که در قانون اساسی ذکر شده از آن رفته و اجرای قانون جدید انتخابات تغییر در اساس مشروطیت بدهند. گمان نمی کنم که مجلس حالیه با این قسم نقشه ها که هیئت وزراء پیشنهاد نمایند مخالفت کند و هر قسم نقشه ای که ظاهراً مراعات قوانین مشروطیت را بنماید و حتی یک پارلمان ناقص آن را تصویب کند زیاده باعث اطمینان اهالی مملکت خواهد شد.

نمره - ۱۸۵

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۷ ژوئیت)

طهران ، ۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۸ج ۲-۱۳۲۶]

عساکر دور سفارت اعلیحضرتی

راجع به تلگراف ۵ شهر جاری من ، عساکر دیگر دور سفارت گردش نمی کنند .
مسیو دوهارتویک بطور سخت به دولت ایران اصرار می کند که با تقاضاهای مامواقت
نمایند.

نمره - ۱۸۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۷ ژوئیت)

طهران ، ۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۸ج ۲-۱۳۲۶]

وزیر امور خارجه دیشب محض اطلاع شخص من مسوده جواب مراسله ای که درباب
تقاضاهای دولت اعلیحضرتی به ایشان نوشته بودم برای من فرستادند.
مضامین مسوده مذکور بکلی موافق دلخواه نبود و من ارائه طریق نموده ام که بسیاری
از آنها را تغییر داده عبارت دیگر به جای آنها بنویسند.
ابتدای نوت حالیه اظهار تأسفی است که از وقوع اعمال ناشایسته شده و نسبت آنرا
به مأمورین جزو داده اند و بعد از آن بطور ساده بیان می کند که دولت علیه پنج فتره
تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده اند و از طرف شاه اظهار میل می کند به این که
بعضی از متحصنین باید از ایران اخراج شوند.
تلگراف ۶ ژوئیت شما متعاقب آن برای من رسید.

نمره - ۱۸۷

تلگراف مستر اویرن به سرادواردگری (واصله ۷ ژوئیت)

سنت پترز بورغ ، ۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۸ج ۲-۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۶ شهر جاری شما مسیو ایزوالسکی مرا اطلاع می دهد که فوراً بطریقی
که میل شما است تلگرافی به سفیر روس مقیم طهران دستورالعمل خواهد داد.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگک

وزارت خارجه ، ۹ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۸ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۶]

بی‌احترامی به سفارت

در باب تلگراف ۸ شهر جاری شما لطف نموده راپورت دهید که تا چه وقت شاه و دولت ایران محتمل است با تقاضاهای ما موافقت نمایند و ترضیه‌ای که از طرف دولت اعلیحضرتی مطالبه شده بخواهند (رجوع به تلگراف غره شهر جاری من نمائید). دیگر برای ما ممکن نیست که بیش از این تأخیر در قطع عمل این شرط را جایز بدانیم.

نمره - ۱۸۹

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۹ ژوئیت)

طهران، ۹ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۸ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۶]

تقاضاهای دولت اعلیحضرتی

راجع به تلگراف ۷ شهر جاری من، وزیر امور خارجه یادداشتی برای من فرستاده تغییرات لازمه را بنابر ارائه طریق من داده و تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده است.

مضمون عبارت ترضیه و وثیقه که شاه برای جان و مال و شخص پناهندگان داده به نظر من موافق دلخواه است. روز شنبه مقرر شده است که ترضیه بطور رسمی خواسته شود.

نمره - ۱۹۰

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۱۱ ژوئیت)

طهران ، ۱۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۰ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۶]

امروز صبح وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران و وزیر دربار از جانب شاه بر طبق شرایطی که من تصویب نموده بودم رسماً معذرت خواستند. امید من این است که اکثر پناهندگان تا یک روز دیگر از سفارت خارج خواهند شد. وزیر دربار نیز از طرف شاه به من پیغام شفاهی او را درباب اینکه شرایط مقرر رابدون کم‌وزیاد مراعات خواهد نمود برای من نوشت.

نمره - ۱۹۱

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۱۱ ژوئیت)

طهران ، ۱۱ ژوئیت ۱۹۰۸ [۲۰ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۶]

بستیهای سفارت شاه همین الان پیغامی برای من فرستاده اند درضمن آن اعلیحضرت اظهار میل می کنند که اولاً در مورد شش نفر از بستیها مدت تبعید آنها از پنج الی ده سال مقرر شود . ثانیاً چهار نفر دیگر باید به وطن خود رفته و دیگر به طهران نیایند. ثالثاً آن اعلیحضرت بطور دقت مواظب خواهد بود که کلیه اشخاصی که از سفارت خارج می شوند در اقدام هیجان آمیزی علیه شاه شرکت ننمایند.

این پیغام شاه به عقیده من بسیار مخالف دلخواه است. درباب قسمت اول آن من تا دیروز از دادن صورت اسامی متحصنین سفارت امتناع داشته می ترسیدم هر گاه اسامی آنها معلوم شود طرفداران شاه از خانواده و اموال آنها انتقام خواهند کشید . در ۸ شهر جاری [۱۷ تیر ؛ ۹ ج ۲] يك نفر از وکلای اصفهان که به میل خود از سفارت خارج شد شاه او را پذیرفته و او اسامی تمامی بستیهای معتبر را به آن اعلیحضرت داد. شاه الحال پیشنهاد نموده که در مورد شش نفر از آنها مدت تبعید طویل باشد و در ضمن تمام مذاکرات اینطور فهمیده ام که سه نفر یا چهار نفر فقط بایستی به مدت شش یا هشت ماه از مملکت خارج باشند.

اما درباب قسمت دوم پیغام آن اعلیحضرت که تقاضای جدیدی است دو نفر که مذکور گردیده خانه آنها در قراچه داغ که ولایت امیر بهادر جنگ می باشد هست و حکم فرمایی و اقتدار او در آنجا مسلم است.

بستیها از ترك سفارت ابراز بی میلی می کنند و هر گاه آنها از قسمت سوم این پیغام باخبر شوند همه از رفتن امتناع خواهند نمود.

من از مفتاح السلطنه که پیغام آن اعلیحضرت را برای من آورد خواهش نمودم که به شاه اطلاع دهد عفو تام بستیها یکی از تقاضاهای دولت اعلیحضرتی بوده و فقط محض آنکه فرصتی برای رفع این هیجان فعلی باشد آن دولت به خواهش اعلیحضرت رضا داده که سه یا چهار نفر برای مدت معینی از مملکت خارج شوند. بعلاوه من اظهار یتیم نمودم که این شرایطی را که شاه علاوه پیشنهاد نموده که در جزو آنها یکی تنبیه بعضیهاست که در حقشان عفو اعطاء شده و باید تبعید شوند دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول نخواهند نمود و پیغام شاه مخصوصاً قسمت سوم آن که بنابر اطمینانات وزیر دربار امروز صبح به من رسید و بنابر تذکارتی که من در قبول طریقه ترضیه نمودم که سایر تقاضاهای ما باید بدون کم و زیاد قبول شود تأثیر بسیار نامساعدی بروز خواهد داد.

اما درباب قسمت اول با جرأت ارائه طریق می نمایم که به من اجازه داده شود که توسط وزیر امور خارجه شاه را مستحضر دارم که حد مدت تبعید از ایران يك سال باشد و این که دولت اعلیحضرتی قسمت دوم را نمی توانند قبول کنند و قسمت دوم و سوم رویهم رفته بهانه ای است برای عاقل ساختن اثر عفو .

نمره - ۱۹۲

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۱۳ ژوئیت)

طهران، ۱۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۶]

پیغامی از شاه برای من رسیده مشعر بر اینکه آن اعلیحضرت شرایط خود را درباب بستیهها تغییر خواهد داد.

مدت تبعیدتقی زاده و یکی از نطاقین مشروطه خواه به يك سال و يك سال ونیم تخفیف یافته و در مورد سه نفر دیگر تا يك سال . اسم بستی ششمی حالا از صورت حذف شده و او حاضر است که به میل خود به اروپا برود.

در شرایط دومی تغییری داده نشده اما درباب سومی شاه مجدداً اطمینان می دهد که به عهد خود وفا خواهد نمود.

گمان می کنم در تحت این اوضاع می توانم به پناهندگان اصرار نمایم که از سفارت خارج شوند ولی بسیار اظهار بی میلی در رفتن می کنند. محتمل است بعضی بکلی امتناع ورزند. آیا صحیح است من آنها را بیرون کنم؟

بموجب تقاضای سوم ما، سه نفر را مستخلص نموده اند. اینطور مقرر شده که سردار منصور به خراسان فرستاده شود و جلال الدوله و علاء الدوله به اروپا بروند. اشخاصی که در سفارت پناه گرفته بودند رفته اند.

با وجود این آثار و علامت اطمینان بخش، خوف عموم مردم را فرا گرفته و آنهایی که تصور می کنند جانشان در خطر است اتصالاً می گویند می خواهند به قلهک بیایند. امیدوارم آنها را از این کار بازدارم.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۶]

پناهندگان سفارت

راجع به تلگرافات ۱۱ و ۱۳ [۲۰ و ۲۲ تیر؛ ۱۲ و ۱۴ ج ۲] شهر جاری شما، مسئله اول از قراری که فهمیده ام مدت تبعید بروفق دلخواه مقرر شده. درباب مسئله دوم ممکن نیست. در مورد درخواست اینکه چهار نفر از پناهندگان به ولایات خود روند اعتراض شود و در مورد مسئله سوم هم که راجع به اقداماتی است برای آنکه بستیهایی که حفظ جانشان در ایران تعهد شده در موقع توقف خود علیه دولت حاضره کاری نکنند نمی توان اعتراضی نمود.

برای ما امکان ندارد که شرایط بهتر از این درخواست نماییم. ما نمی خواهیم در

امورات داخلی ایران دخالت نماییم و بنابراین مسئله باید مرکوز خاطر عموم گردد که در سفارت فقط برای حفظ جان پناه داده‌ایم و نه برای آنکه برای یک اقدام مهم پلتیکی کمکی داده باشیم و حفظ جان و مال آنها که برایشان تحصیل نموده‌ایم بسته به رفتار و کردار منالمت‌جویانه آتی آنها می‌باشد.

به شاه هم باید اطلاع داده شود که تا زمانی که پناهندگان رفتار و کردارشان مسالمت‌جویانه است بایستی کسی مزاحم آنها نشود.

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲-۱۳۲۶]

پناهندگان سفارت

در باب تلگراف ۱۳ شهر جاری شما، وقتی که کسی بخواهد به ما پناه برد برای ما ممکن نیست که متعاقب آن چیز دیگری را به عهده بگیریم مگر آنکه تا سرحد مملکت با پناهندگان بد رفتاری نشود و فقط در وقتی که جان کسی مورد خطر باشد می‌توانیم از او حفاظت نماییم. عمده این مسئله باید بطور وضوح مفهوم گردد. اگر ما از حدود مذکور تجاوز نماییم سرکردگان هریک از احزاب پلتیکی ممکن است در اوقاتی که کار بر ایشان سخت شود سفارت را پناهگاه خود قرار داده محض آنکه همینکه موقع مساعدتری بدست آوردند بتوانند تجدید اقدامات بنمایند و آنوقت پلتیک عدم مداخله مادر امورات داخلی ایران با وضعیتی که پیدا خواهیم نمود بکلی موافقت نخواهد داشت.

نمره - ۱۹۵

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله ۱۴ ژوئیت)

طهران، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ ج ۲-۱۳۲۶]

دیروز شاه سرکردگان رجاله را که در ماه دسامبر گذشته در میدان توپخانه متصدی اقدامات نموده و بطور حبس به خراسان فرستاده شده بودند مراجعت داد و بر حسب امر آن اعلیحضرت کالسکه‌های متعدد به استقبال آنها فرستاده شدند.

نمره - ۱۹۶

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله ۱۴ ژوئیت)

طهران، ۱۴ ژوئیت ۱۹۰۸ [۲۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۵ ج ۲-۱۳۲۶]

دیروز قریب سی نفر از پناهندگان سفارت اعلیحضرتی از آنجا خارج شدند.

نمره - ۱۹۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۱۵ ژوئیت)

طهران ، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ج ۲-۱۳۲۶]

دیشب ظل السلطان به اصفهان ورود نمود . کفیل جنرال قنصلگری راپورت می دهد که برای تفریغ محاسبات حکومت فارس و امورات شخصی خود حضرت اقدس ایشان می خواهند چند هفته ای در آن شهر بگذرانند و پس از آن بدون اینکه به طهران روند بطرف شمال مسافرت نموده و از همان طریق از مملکت خارج خواهند شد.

گمان نمی کنم اگر ظل السلطان در اصفهان توقف نماید اعاده انتظامات در مملکت مشکل تر خواهد شد و سفیر روس هم با این عقیده شریک است. به کفیل جنرال قنصلگری بنا بر این دستور العمل داده شده که حضرت اقدس ایشان را متذکر سازد که دولت اعلی حضرتی در صورتی که ایشان در توقف خود ادامه دهند خودشان را بهیچوجه مجبور نخواهند دانست که وثیقه برای او تحصیل نمایند و برای ایشان بهتر است که هرچه زودتر ترتیبات حرکت خود را بدهند.

نمره - ۱۹۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۱۶ ژوئیت)

طهران ، ۱۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۷ج ۲-۱۳۲۶]

بعلت سازش یکی از سربازان که دم درب بزرگ مشغول قراولی بود غیاب موقتی غلام مذکور شش نفر در شب ۱۵ شهر جاری [۲۳ تیر؛ ۱۵ج ۲] به ورود در سفارت موفق شدند و با اشکال زیاد فردا صبح آن روز آنها را وادار به خروج از آنجا نمودیم.

مجدداً دیشب ساعت هشت يك دستة دو بیست نفری کوشش مجدانه نمودند که از درب يك طرف سفارت داخل آنجا شوند. قبل از آنکه از این درب داخل شوند سایر درها را هم دیده بودند و بالاخره آنها تهدید نمودند که قهراً داخل شوند با آنکه غلامها در وادار نمودن آنها به ترك این اقدام کوشش زیاد نمودند. این جمعیت پس از ورود قدری عساکر متفرق شدند ولی عساکر مذکور مجبور به استعمال اسلحه نشدند. در حالیکه جمعیت متفرق می شدند ویس قونسول وارد و به او التماس نمودند آنها را اجازه تحصن دهد.

نمره - ۱۹۹

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۱۶ ژوئیت)

طهران ، ۱۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۵ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف امروز من پنجاه و چهار نفر از سفارت خارج شده‌اند. دوازده نفر حالا باقی هستند و چهار نفری که بایستی به اوطان خود معاودت کنند و شش نفری که باید از مملکت خارج شوند جزو اینها می‌باشند.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۵ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

درباب ظل السلطان تعلیماتی را که به کفیل جنرال قنصلگری اصفهان برحسب راپورت مندرجه تلگراف ۱۵ شهر جاری خود داده‌اید تصویب می‌کنم.

نمره - ۲۰۱

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۱۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۶ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگرافات ۱۶ شهر جاری [۲۵ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۶] شما در خصوص اوضاع عمومی ایران:

از تلگرافات شما بخوبی ظاهر می‌شود که از بست اختیار نمودن در سفارت اعلیحضرتی نه فقط به ملاحظه حفاظت از خطر جانی استفاده می‌شود بلکه برای مقاصد پلتیکی هم چون مداومت در این کار یا تجدید آن در آینده خیلی غیر مطلوب خواهد بود شما باید عموم را از این مسئله متذکر سازید که در آینده به کسی که جانش در مخاطره نباشد اجازه تحصن در سفارت داده نخواهد شد. بدون آنکه بستیهایی را که در بست اختیار نمودن، مقاصدشان صرف پلتیکی بوده و از خروج امتناع می‌ورزند جبراً خارج نمایید، شما باید کوشش نموده آنها را ملزم نمایید که از توقف بیش از این نتیجه نبرده و برای آنها بهتر است بروند.

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۸ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۷ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۶]

در صورتی که دلیلی دارید که از بست اختیار نمودن زیاد مردم خوفی داشته باشید شما باید در بهای سفارت را ببندید.

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۲۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[یکم امرداد ۱۲۸۷؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۶]

مستحفظین قنصلخانه شیراز

در باب تلگراف پنجم شهر جاری شما مستحفظین قنصلخانه را به همین عده که هستند می‌توانید تا مدت شش ماه دیگر بطور اقدام موقتی نگاهدارید. موعده آن از ۱۹ شهر گذشته خواهد بود.

نمره - ۲۰۴

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژوئیت)

طهران، ۲۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۳ امرداد ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

مردم هنوز هم برای اقامت در قلهک می‌آیند و عده آنها به صد نفر می‌رسد. یکی از اعضای محکمه که برای محاکمه محبوسین باغشاه تشکیل شده اظهار می‌دارد که مقصود عده تحقیقات آن است که اشخاص مربوط به سوء قصد نسبت به شاه را پیدا کنند و در ضمن جریان این امر عده زیادی را دستگیر نموده‌اند. اکثر آنها بی‌گناه بوده‌اند پس از شهادت دادن یحتمل مرخص خواهند شد ولی تفتیش دائمی پلیس در خانه‌های مردم تولید حس ناامنی نموده و آنها را برای ترس خود تصور می‌کنند بطور آرام در قلهک پناهنده می‌شوند. من هیچ طریقی برای منع آمدن آنها ندارم و تا زمانی که بی‌نظمی و [بی] ترتیبی از آنها مشهود نشده جهتی برای اخراج آنها به نظر نمی‌رسد. عده کثیری در باغ بزرگی که به آنها واگذار شده چادر زده‌اند یا با رفقای خود بسر می‌برند. از قرار معلوم از آمدن به اینجا مقاصد پلٹیکی در مدنظر ندارند ولی فقط از ترس دستگیر شدن پناه برده‌اند و این مسئله با آنکه تا اندازه زیادی بی‌اساس است حقیقت دارد. محتمل است که بر عده آنها افزوده خواهد شد و آخر الامر بر ما فشار وارد می‌آورند

ولی فعلاً اثری از آن نیست و محتمل نمی‌نماید که عده کثیری از اهل بازار پناهنده شوند هرگاه زیاد شدن عده آنها اوضاع حفظ‌الصحة این ده را تهدید نماید تصور می‌کنم من حق دارم از قبول آنهايي که بعد وارد می‌شوند امتناع نمایم و [اگر] آنهايي که درده هستند سعی به دخول در اراضی سفارت اعلیحضرتی نمایند بطور اشخاص تجاوز کار جبراً اخراج خواهم نمود.

دولت ایران هیچ اقدامی برای منع ورود مردم به قلعه نکرده است.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سرادوردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۲۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۵ امرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۸ج۲ - ۱۳۲۶]

پناهندگان قلعه

دولت اعلیحضرتی وضع سلوک و اقدامی را که پیشنهاد نموده‌اید در مورد اشخاصی که بخواهند داخل اراضی سفارت شوند معمول دارید (که در تلگراف ۲۵ شهر جاری شما تشریح شده) تصویب می‌کنند.

در صورتیکه ببینید پناهندگانی که در ده هستند عده‌شان زیاد شده اسباب زحمت می‌شود علل حفظ‌الصحة را برای منع اجازه دخول سایر واردین قرار دهید.

نمره - ۲۰۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ، ۲۹ ژوئیت ۱۹۰۸

[۷ امرداد ۱۲۸۷ ؛ ۳۰ج۲ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۵ شهر جاری من ، فعلاً قریب ۱۵۰ نفر بستی در قلعه هستند و باز هم می‌آیند. امروز صبح توانستم دوازده نفر را وادار به خروج نمایم و امیدوارم از ورود سایر واردین امتناع شود. ممکن است بواسطه شایعات تجدید انعقاد پارلمان عثمانی اینجا در مردم هیجانی پیدا شود.

نمره - ۲۰۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ، ۳۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۹ امرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۸ج۲ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۹ شهر جاری من ، روز سه‌شنبه ۲۵ نفر دیگر را وادار به خروج

از قلهك نمودم ولی دیشب و امروز صبح ۱۸۰ نفر وارد شدند و فعلا قریب سیصد نفر در ده هستند. عده‌ای در مقابل فشار سختی که به آنها وارد آورده‌ام راضی به خروج شده‌اند ولی محتمل نیست که بتوانم قسمت عمده را راغب نمایم مثل سایرین بیرون روند.

چنانچه خودشان اعتراف می‌کنند مقاصد پلتیکی در نظر دارند و قصدشان فعلا این است در ده قلهك مأمنی بدست آورده از آنجا در اقدامات خود مداومت نمایند.

می‌ترسم که برعهده آنهايي که اینجا هستند افزوده شود و کوشش نمایند که ما را مجبور به اقدامات نمایند اگر چه بر آنها کاملاً معلوم است که سفارت معاوتتی نخواهد نمود. مردم این را یقین دارند که ما آنها را قهراً خارج نخواهیم کرد.

محتمل است که يك قسمت عمده را از آنهايي که فعلا در قلهك هستند بتوان خارج نمود و فقط بطور غیر مستقیم با این امر مقاومت خواهند کرد ولی چنین اقدامی از طرف ما حمل به حمایت واقعی به شاه خواهد گردید. بعلاوه، اگر يك قوه پلیس بزرگی— مثلاً پنجاه نفر— از دولت ایران تحصیل نشود که از دسترسی مردم به قلهك در آتیه جلوگیری نمایند از تجدید وقوع این اوضاع ممانعت نتوان نمود.

از وصول تعلیمات شما که چطور عمل نمایم مسرور خواهیم شد.

نمره ۲۰۸

تلگراف مستر مارلینگک به سرادوردگری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ، ۳۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۹ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲ رجب ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف امروز من، بعد از ظهر قریب یکصد نفر از پناهندگان از ده خارج شدند. من امر داده‌ام که درهای سفارت اعلیحضرتی را ببندند.

نمره ۲۰۹

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگک

وزارت خارجه، ۳۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۹ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲ رجب ۱۳۲۶]

پناهندگان قلهك

در باب تلگراف ۲۹ شهر جاری شما، شما بوسیله اقدامی که در تلگراف ۲۷ شهر جاری خود ارائه طریق نموده‌ام باید سعی کنید هر قدر از پناهندگان را که امکان دارد از ده خارج کنید و باید به آنهايي که اکنون اینجا هستند توضیح نمایید که برای ما غیر ممکن است بگذاریم ده یا سفارت مأمنی برای اجرای مقاصد پلتیکی باشد و علاوه نمایید که برای منع مداومت در این کار اعمال قوه خواهد شد.

بسیار غیر مطلوب خواهد بود که قلهك مأمنی برای اجرای اعمال پلتیکی شود.

نمره - ۲۱۰

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۴ ژوئیت)^۱

قلهك ، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

از ویس قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز چندین تلگراف در باب حوادثی که در عرض چهار هفته اخیر در آن شهر به وقوع رسیده واصل گردیده است. در این راپورتها چند فقره اخبار بسیار عمده ملاحظه شد ولی نظر به اشتهاارات متضاد بسیار که راجع به اغتشاشات آنجا شیوع داشت و اشکال زیادی که در بدست آوردن شرح مربوطی از حقیقت وقایع موجود است من خلاصه مختصری از تمام راپورتهایی که مستر استونز [استیونس] برای فرستاده و به عقیده من شما می‌توانید از روی آن از اوضاع حالیه طرح عقیده برای خود نمایید ایفاد می‌دارم.

بطریق معمول این راپورتها باید جزو خلاصه وقایع معمول ماهیانه فرستاده شود ولی اهمیت شهر تبریز از نقطه نظر مرکزیت عقاید پلتیکی و مسئله اینکه در میان شهرهای ایالتی و ولایتی ایران فقط در آنجا بواسطه حوادث اخیر طهران احساسات عامه تا اندازه‌ای به هیجان آمده مرا مصمم نموده که در مراسله جداگانه شرح آن را بنگارم.
(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف در نمره ۲۱۰

مجمل راپورت مستر استیونس راجع به تبریز

در ۲۳ ماه گذشته [۲ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۶] تبریز خیلی مغشوش و بازارها بسته شد. اخبار حوادث در طهران در همان روز واصل گردید و جنگ مابین طرفداران شاه به ریاست علماء و مشروطین شروع شد. تا سه روز بعد بازارها بسته و جنگ مداومت داشت تا اینکه در ۲۷ ماه [۶ تیر ؛ ۲۷ ج ۱] طرفین قبول نمودند که قرار ملاقاتی داده و شرایط صلح مذاکره شود. طرفداران شاه به قرارداد معهود عمل نمودند و مشروطین آنها را به قتل دو نفر از مشروطین متهم نموده و جسد یکی از آنها را برای ثبوت رفتار وحشیانه مستبدین به قنصلخانه اعلیحضرتی آورده و بعد در يك مسجدی بردند. مشروطین هم در تلافی برادر یکی از رؤسای علماء را که دستگیر و محبوس نموده بودند به قتل رسانیدند. جنگ مداومت یافت و ارادل از عابرین بی‌گناه سرقه می‌نمودند.

در ۲۸ ماه [۷ تیر ؛ ۲۸ ج ۱] شش نفر از رولوسیونرها در ژنرال قنصلگری روس بست اختیار نمودند و عده زیادی هم تقاضای دخول به قنصلخانه اعلیحضرتی نموده ولی قبول نشد. ژنرال قنصل روس سعی نمود که با مذاکرات با طرفین صلح را برقرار نماید ولی موفقیتی به اقدامات خود حاصل ننموده تا اینکه در ۳۰ ماه [۹ تیر ۱۲۸۷ ؛ یکم ج ۲ - ۱۳۲۶]

(۱) بهمین گونه است دراصل.

استعدادی از سوارهای قراجه‌داغی به امر شاه برای برقراری نظم در بیرون شهر هویدا گردید. در همان روز مخبرالسلطنه و فرمانفرما به قنصلخانه روس متحصن و عین‌الدوله به جای او به حکومت منصوب گردید. در اغلب محلات شهر جنگ مداومت داشت و در اول ماه ژویه چهار نفر از رؤسای رولوسیونر تقاضای حمایت انگلیس را نمودند و تهدید نمودند که اگر تقاضای آنها قبول نشود جنگ را مداومت داده و نخواهند گذاشت که سوارها برای استقرار نظم داخل شهر بشوند.

ویس قنصل اعلیحضرتی در خواست تکلیف نمود. دستورالعمل به او فرستاده شده که بروفق تصمیم دولت اعلیحضرتی که به امورات داخلی ایران مداخله ننماید حمایت به اشخاص مذکور نباید داده شود. در این ضمن ژنرال قنصل روس رولوسیونرها را وادار نمود که بیرق سعید را که علامت تسلیم است برپا نموده و بگذارند که سوارها داخل شهر بشوند. قدری بعد دستۀ طرفداران شاه پیش آمده و در بین راه خانه‌ها و دکاکین را غارت می‌نمودند. بعد از این مشروطیین مصمم شدند که مجدداً بنای زدو خورد را گذاشته و شروع به جمع‌آوری استعداد کردند. کوشش ژنرال قنصل روس برای برقراری نظم بی‌ثمر گردید. طرفین تا ۱۰ این ماه [۱۹ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۱ ج ۲-۱۳۲۶] مشغول جنگ و غارت خانه‌ها و دکاکین بودند. تا اینکه در ۱۰ ماه قشون از طهران وارد گردید و تا دو روز بعد سعی نمودند که مردم را به باز نمودن بازارها وادار نمایند. سعی آنها بی‌نتیجه ماند بجهت اینکه دسته‌ای از مشروطیین مواظب آنها بوده و چون تمام مردم ترس فوق‌العاده از آنها داشته نمی‌گذاشتند که کسی دکان خود را باز کند. در این مدت اغتشاش نان خیالی کمیاب گردید تا اینکه در ۱۲ این ماه [۲۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۳ ج ۲-۱۳۲۶] گندم به شهر داخل شد و عدۀ قلیلی از دکاکین باز بودند.

در صبح ۱۳ این ماه [۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲-۱۳۲۶] رحیم‌خان تقریباً با ۱۰۰۰ سوار و سه عراده توپ وارد شهر گردید. قبل از ورود او عدۀ‌ای از رولوسیونرها يك عراده توپ و چند قبضه تفنگ به او تسلیم نمودند. دسته‌ای از رولوسیونرها که عدۀ آنها صد نفر بود در پشت‌سنگرها از قشون دولتی جلوگیری می‌نمودند و در تمام روز شلیک کرده می‌شود. سوارها تمام راههای به شهر را در دست داشته و حکم به آنها داده شده بود که نگذارند کسی خارج یا داخل شهر بشود.

در روز بعد ویس قنصل اعلیحضرتی راپورت داد که قشون دولتی نتوانسته‌اند رولوسیونرها را از نقاط خود خارج نمایند و عدۀ آنها زیاد شده است. چهار تیر توپ هم انداخته شده ولی خسارت زیادی نرسانیده است.

نمره - ۲۱۱

مراسله متر مارلینگک به سرادوارگری

مورخه ۱۵ ماه ژویه از قلهک

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ ج ۲-۱۳۲۶]

من افتخار دارم راپورت ذیل را [به‌عنوان] متمم حکایت وقایع راجعه به «کودتا»ی

جدیدی که ابتدای آن در مراسله ۱۸ ماه ژون [۲۸ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۲۶] شروع شد تقدیم نمایم.

در آن روز و در دو روز بعد ظاهراً از انجمنها قدری جدیت بروز نمود در صورتی که مجلس خیلی مایل بود که صلح برقرار بماند و بهانه به دست شاه برای بعضی اقدامات سخت داده نشود و به این جهت سعی می نمود که از طرف انجمنها اقدامی نشود. اتصالاً مذاکرات مابین وزراء و مجلس از يك طرف و دربار از باغ شاه از طرف دیگر در جریان بود.

مذاکرات در خصوص تقاضاهایی که شاه نموده بود خیلی طولانی و جلسه مجلس که تا خیلی دیر منعقد بود بالاخره تقاضاهای مذکور را رد نمود. جای تردیدی باقی نیست که دربار نتیجه رأی مجلس را قبلاً پیش بینی نموده بواسطه اینکه تدارکات لازمه برای اقدامات روز بعد کاملاً دیده شده بود. اخبار سرگذشت واقعه روز سه شنبه ۲۳ ماه ژون [۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۶] بیش از آنچه در ایران معمول بوده متضاد است لیکن در این چند فقره همه متفقند که رؤسای مشروطیین و مخصوصاً سید عبدالله به دسته خود تأکید نموده بود که آنها باید فقط از خود دفاع نمایند و تیر اول رایك سرباز (ممکن است که در روی هوا) در کرده بود و بعد از در رفتن تیر اول آنوقت انجمنها به قشون شلیک نمودند. هرچند که این مسئله فی حد ذاته دارای اهمیتی نیست بواسطه اینکه واضح بود که شاه مصمم به استعمال قوای قهریه شده بود.

من گمان می کنم که بدون شك کسی عمداً به صاحب منصبان روسی تیری نینداخته. تمام ایرانیها می گویند که بدو حکم اکیدی از طرف رؤسا شده بود که همچو اقدامی نشود و مسیو هارتویك بهمن اطلاع داد که عقیده یکی از صاحب منصبان روسی هم همینطور بود. اگر چنانچه برخلاف این میل ملیین بود عتلا باور کردنی نیست که آنها با داشتن سنگرهای خوب و قلت مسافت از کشتن صاحب منصبان مذکور عاجز بوده اند.

بعلاوه تمام صاحب منصبان روسی بدون ترس در نقاط بسیار خطرناك رفت و آمد می نمودند. یکی از وکلای مجلس بهمن گفت که برای ملیین ممکن بود مخصوصاً کلنل لیاخوف را هر دقیقه که می خواستند بکشند.

اگر چنانچه آن صاحب منصبان کشته می شدند یقیناً نتیجه زدو خورد بکلی تغییر می کرد و سلامتی آنها بواسطه این مطلب بود که عقیده مردم عموماً براین بود که اگر آنها کشته بشوند باعث دخالت روسیه خواهد گردید.

صاحب منصبان مذکور بخوبی جلوگیری از اجحافات تائینهای خود و تا يك اندازه هم از فوج سیلاخور و سوارهای امیر بهادر نمودند به دلیل آنکه عده بسیار قلیل از دکاکین و خانهها به استثنای خانههایی که مخصوصاً نشان شده بود (از قبیل خانه ظل الساطان و بانوی عظمی) غارت گردید.

ابتدا خبری که از زدو خورد طهران به من رسید قدری پیش از ساعت هفت صبح بود. چند ساعت بعد من به زرگنده برای ملاقات مسیو هارت ویک رفتم. برای ایشان هم تقریباً خبری مثل خبر من رسیده بود ولی عقیده ایشان براین بود که تا خبر صحیحی برای

مانرسد ما نخواهیم توانست اقدامی نماییم. من دو مرتبه در ساعت دوازده به ملاقات ایشان رفته ایشان قبول نمودند که مترجمین خود را به طهران فرستاده که به شاه خطراتی که برای اروپاییها مترتب است خاطر نشان نمایند.

وقتی که در ساعت سه بعد از ظهر من دومرتبه نزد ایشان رفتم ایشان قبول نمودند که بعلاوه پیغام مذکور فوق به مترجمین دستورالعمل داده شود که شاه را از اطمیناناتی که در خصوص برقراری مشروطیت داده بود یادآوری نمایند.

مسیو هارتویک مسیو بارناوسکی را احضار نموده و دستورالعمل بطوریکه قرار شد به او داد. من به مسیو هارتویک اظهار نمودم که من به مستر چرچیل دستورالعمل کتبی خواهم داد. مسیو هارتویک راضی شدند که مستر چرچیل و مسیو بارناوسکی در ساعت پنج بعد از ظهر در سفارت اعلیحضرتی یکدیگر را ملاقات نموده و از آنجا بطرف طهران حرکت نمایند ولی مسیو بارناوسکی تا ساعت شش حاضر نشد.

در بین راه از سفارت به باغشاه مستر چرچیل دستورالعملی را که من به او داده بودم به مسیو بارناوسکی نشان داد و قرار دادند که مسیو بارناوسکی ترجمه آن را به شاه اظهار دارد.

پس از اظهار ترجمه مذکور اعلیحضرت شاه قول اکیده به آنها داد که غارت و اغتشاش نخواهد روی داد و حکم مخصوصی برای محافظت معلاتی که اداره تلگرافخانه انگلیس و بانک شاهنشاهی در آنجا واقعند صادر گردید و نیز حکم شد که مستحفظین مخصوصی برای اجزای تلگرافخانه در حین رفت و آمد آنها معین گردند. یادداشتی که مستر چرچیل راجع به ملاقات در باغشاه نوشته لفاً فرستاده شد.

بمحض اینکه اخبار حوادث شهر به من رسید من ماژور استوکس را به شهر فرستاده و دستورالعمل به او دادم که نگذارد کسی در سفارت تحصن اختیار نماید مگر اینکه جان او در معرض خطر فوری باشد.

ماژور استوکس هرچند ساعت به ساعت اخبار شهر را بتوسط تلفون به من می‌رسانید. از راپورت‌های او همچو فهمیده می‌شود که غارت زیادی کرده شده است چونکه او مشاهده نموده بود که سرباز هم از بریگاد قزاق و هم از فوج سیلاخور با غنائیم زیاد مختلف بطرف باغشاه حرکت می‌کردند و حتی غنائیم مذکور را روی گاریهای توپ انبار کرده و حرکت می‌دادند و همچنین در موقعی که او در دکانی که چند قدم از سفارت دور بود برای تلفن زدن رفته بود چهار نفر از سوارهای امیر بهادر قصد دخول برای غارت نمودند. نسبتاً کمتر از دکانین و خانه‌های شخصی غارت شده اغلب اموال غارت شده متعلق به عمارت بزرگ ظل‌السلطان و مجلس بود. خسارت فوق‌العاده به خسار عمارت ظل‌السلطان زوی نداد چونکه دکتر هاینکان برای پرستاری مجروحین به طهران رفته و از در عمارت گذشته به من اطلاع داد که هرچند قدری خرابی شده است ولی به اصل عمارت صدمه وارد نیامده است. در عصر عده‌ای از اشخاص از طبقات مختلف دستگیر شدند. اسامی اشخاصی که لازم ذکر کرد از قرار ذیل است: دونفر از مجتهدین مهم سیدعبدالله وسید محمد - شیخ‌الرئیس - مستشارالدوله - یکی از رؤسای مهم تجدد خواهان

و وکیل تبریز - ناطق معروف ملك المتكلمين و جهانگیرخان مدیر روزنامه «صوراسرافیل». این دو شخص آخر مخصوصاً بواسطه حملات مکرر به اعلیحضرت اغلب اوقات که صورت فحاشی را دارا بود مورد تنفر و بغض شاه واقعند.

اغتشاشی در شب روی نداد ولی صبح زود فردا کاغذ فوری از طرف مازور استوکس به من رسید مشعر بر اینکه تقی زاده و شش نفر از رفقای او که دونفر از آنها مدیر روزنامه «حبل المتین» (روزنامه‌ای است که بواسطه حمله‌های سخت نسبت به دولت انگلیس خود را مشهور نموده) و «مساوات» اند شبانه به سفارت متحصن شدند.

در همان موقعی که من کاغذی برای مسیو هارت ویک راجع به این مسئله فرستادم کاغذی از ایشان برای من رسید مشعر بر اینکه چندین نفر از اعضای انجمنها برای تحصن به سفارت می‌روند و همچنین عده‌ای از تجار و سادات هم در درشک‌های گرایه با همراهی غلامهای سفارت عازم‌اند. من فوراً به سفارت روس رفته و به مسیو هارت ویک اظهار نمودم که من هنوز اطلاع ندارم که به چه سبب اجازه دخول به تقی زاده و سایرین داده شده است و من مخصوصاً مازور استوکس را به شهر فرستادم که نگذارد متحصنین داخل سفارت شوند و بر من محقق و ثابت است که او از روی وجدان کلیه دستورالعمل دولت اعلیحضرتی راجع به مسئله بست را بموقع اجرا خواهد گذارد. مفاد دستورالعمل مذکور این بود که حتی المقدور مردم را از آمدن به سفارت منع نماید و هیچکس را جز اشخاصی که جان آنها در خطر فوری است به سفارت راه ندهد. البته ممکن است که برای او سوء تفاهمی حاصل شده باشد ولی در هر صورت من فوراً به طهران خواهم رفت و به ایشان هرچه زودتر ممکن بشود مسئله را اطلاع خواهم داد. من اطمینان کامل دارم که مسئله همراهی غلامهای سفارت با متحصنین بکلی دروغ است و فوراً هم به مازور استوکس تلفن نموده‌ام که ابدأ نگذارد هیچکس داخل سفارت بشود.

پس از مراجعت به سفارت پیغام بتوسط تلفن از شهر برای من رسیده بود مشعر بر اینکه صبح تقریباً ۴۳ یا ۴۴ نفر داخل سفارت شده‌اند. وقتی که در ساعت دو بعد از ظهر من وارد طهران شدم مشاهده نمودم اضطرابی که بواسطه حوادث روز پیش مابین مردم تولید شده بود بواسطه بعضی اغراقاتی که شیوع داشت منتشر شده. بین مردم شهرت داشت که قزاقها برای تجسس اسلحه و اشخاص مظنون به خانه‌های شخصی داخل می‌شوند و همچنین کشتن دونفر از محبوسین را به قتل عام نقل می‌نمودند. هرچند که اغلب داکین باز بود ولی این بواسطه اعلانی بود که شاه منتشر نموده بود که هر دکانی که بسته باشد سربازان آن را غارت خواهند نمود. عابریں در کوچه و خیابانها خیلی قلیل بودند. اغلب مردم درب خانه‌های خود ایستاده و منتظر بودند که شاه دیگر چه اقدامی خواهد نمود.

تقریباً در ساعت سه و نیم بعد از ظهر معین‌الوزاره پسر وزیر امور خارجه و رئیس کابینه پیغامی از شاه به سفارت آورد. مفاد پیغام جواب من و جواب شاه بطور مشروح در تلگراف نمرة ۱۵۵ مورخه ۲۵ ژون (۴ تیر؛ ۲۵ ج ۱) راپورت داده شد.

در موقعی که ما صحبت می‌کردیم صدای تیر و تفنگ ویک تیر توپ از مسافت خیالی قلیلی به سفارت شنیده شد. معین‌الوزاره توضیح نمود که قشون حمله به خانه ظهیرالدوله

که مرکز انجمن موسوم به همان اسم بوده می‌آورند.

آنقدری که من اطلاع دارم مقاومتی از طرف انجمن نشد ولی گمان برده می‌شود که بمب ممکن است انداخته بشود. اقدام قشون حتماً سه ربع ساعت طول کشید بواسطه اینکه بعد از رسیدن من به منزل علاءالسلطنه صدای انفجاری در آنجا شنیدم. در منزل علاءالسلطنه دوبرتبه معین‌الوزاره را ملاقات نموده و در حضور پدرش پیغامی که مایمل بودم به‌شاه ابلاغ گردد به او دو مرتبه اظهار نمودم. چندی نکشید که او بطرف باغشاه حرکت نمود.

در موقعی که به سفارت مراجعت می‌نمودم سه چهار سرباز سواره را مشاهده نمودم که تقریباً به فاصله ۲۵ الی ۳۰ ذرع آنطرف خیابان در دو طرف در سفارت متوقف بودند. ولی من گمان نمودم که شاید اتفاقاً آنها در این نقطه بوده اهمیتی مخصوص باین مسئله ندادم. در مراسله دیگر بطور مشروح حکایت اقدامات نظامی که در اطراف سفارت بعمل آمد نگاشته خواهد شد و به این جهت در این مراسله حتی المقدور ذکری از این مسئله نخواهم نمود. از ترجمه اعلان قانون نظامی که در ۲۶ ماه [۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۶] منتشر گردیده و لفاً فرستاده شده مشاهده می‌شود که کلنل لیاخوف با اختیارات تام به حکومت و ریاست قوای پلیس و نظامی معین گردید. بدون شك کلنل لیاخوف اقتدار خود را با اثرخوشی بکار برد به جهت اینکه در این شش هفت ماه اخیر طهران هیچوقت به این اندازه خاموش نبوده است. ولیکن به يك ملاحظه بواسطه شدت سختی مفاد اعلان مذکور و مخصوصاً ماده پنجم (مشر بر اینکه اگر کسی به مأمورین نظامی بی‌احترامی نماید اجازه استعمال اسلحه به آنها داده شده است) اثر بسیار بدی بخشید و حشمت‌زبانی مردم را احاطه نمود و بواسطه همین ماده پنجم بود که عده زیادی از مردم که خطر واقعی بهیچوجه برای آنها مترتب نبود باوجود این مایمل پناه در سفارت بودند. خاموشی شهر بواسطه جبن مردم بود.

اعلان عفو عمومی در ۲۵ ماه [۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۵ ج ۱-۱۳۲۶] منتشر گردید ولی باوجود این عده‌ای از مردم دستگیر شده و حال هم اتصالاً دستگیر می‌شوند و در واقع مردم تصور می‌کنند که این اعلان فقط برای این بوده که اشخاص مظنون از خفیه‌گاه بیرون بیایند.

در روز دوشنبه ۲۹ ماه [۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۹ ج ۱-۱۳۲۶] اعلانی به امضای خود کلنل لیاخوف در تمام شهر چسبانیده شد ولی در ۶ ماه ژویه [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲-۱۳۲۶] اعلان ثانی که مبطل اعلان کلنل بود از طرف مشیرالسلطنه صدراعظم منتشر گردید. اعلان مذکور توضیح می‌داد که شاهزاده مؤیدالدوله حاکم معمولی شهر است و کلنل لیاخوف حاکم نظامی است (ترجمه هر دو این اسناد ملفوف است).

در ۱۷ ماه ژویه [۲۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۸ ج ۲-۱۳۲۶] اعلان دیگری از طرف شاهزاده مؤیدالدوله منتشر گردید مبنی بر اینکه هر چند مداومت قوانین نظامی در شهر لازم است ولی باوجود این او شخصاً رسیدگی به کارهای معموله خواهد نمود و هر کس که بخواند می‌تواند در ساعت معین حاضر شده تا به تظلمات و دعاوی آنها رسیدگی شود و بعلاوه توضیح می‌نماید

که جمع شدن در مساجد برای نماز جزء اجتماعات ممنوع حساب نمی‌شود. روز بعد دستخطی که از طرف شاه خطاب به صدراعظم صادر شده بود در تمام نقاط شهر چسبانیده شد. دستخط مذکور حکم می‌نماید که وزراء باید در صدد اصلاحات برآمده و مخصوصاً ذکری از معارف تقویت تجارت و کارخانجات برده می‌شود. دستخط بعلاوه تأکید می‌نماید که وزارت مالیه فوراً باید به مطالعات راجع به حقوق معوقه ادارات دولتی و وظایف دیوانی رسیدگی نموده و قراری بدهد.

مقصود از جمله آخر برای این است که عده زیادی از اربابان حقوق را که مجلس حقوق آنها را قطع نموده شاه با خود همراه نماید.

البته معلوم است که وجوهات برای پرداخت مطالبات فوق العاده که به خزانه تعلق دارد وجود خارجی ندارد بغیر از اینکه در ۹ ماه ژویه قهوه‌خانه‌ای که متعلق به یکی از متحصنین سفارت بود و گفته شده بود که در ۲۴ ماه گذشته [۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۴ ج ۱ - ۱۳۲۶] از آنجا بمبی انداخته شده بود سربازان خراب نمودند اقدام دیگری بعمل نیامد هر چند که عده زیادی از مردم دستگیر شده‌اند و اقدامات مجدانه برای تجسس اسلحه در جریان است. خیلی مشکل است که معلوم نمود که چطور با محبوسین باغشاه رفتار شده است. تقریباً بیست و دونفر از آنها را زنجیر نموده بودند و یکی از آنها تلف شد. از قراری که می‌گویند مردن این شخص بواسطه زخمی بوده که بر سرش وارد آمده و از آنوقتی که شخص مذکور دستگیر شده بود رسیدگی به زخم آن نشده بوده است.

در ۱۳ ماه جاری [۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۶] دو نفر را در اطراف قلعه دستگیر نمودند. از قرار معلوم دستگیری مذکور مصنوعی بوده و مقصود این بوده است که بفهمانند حتی در قلعه هم شاه می‌تواند مقصرین را دستگیر نماید.

ملفوف ۱ در نمره ۲۱۱

یادداشت مستر چرچیل

موافق دستورالعمل شما من امروز عصر به شهر رفته و در ساعت شش بعد از ظهر پس از اینکه مسیو بارناوسکی همکار روس من مرا بطوری که شما قرار داده بودید ملاقات نمود ما بطرف باغشاه حرکت نمودیم. مستحفظین مافقط دونفر سوار هندی و دو غلامی بود که من از قلعه همراه آورده بودم.

من دستورالعمل کتبی را که در خصوص مذاکرات با شاه به من داده بودید به مسیو بارناوسکی نشان دادم. گفتند که دستورالعمل ایشان هم از سفیر روس عیناً یا دستورالعمل من مطابق است. من از ایشان تقاضا نمودم که ترجمه‌ای را که من در بین راه نموده بخوانند تا آنکه مفاد آن را حفظ نموده به جهت اینکه ایشان باید نطق نمایند.

ایشان تقاضای مرا قبول نموده و همینکه شاه ما را به حضور طلبید مسیو بارناوسکی پیغام سفارتین را از حفظ به شاه ابلاغ نمود. شاه که از قرار معلوم خود را پیش از وقت حاضر نموده در جواب اظهار نمودند: آنچه را که به مسئله اول راجع است شما می‌توانید که وزیر و شارژ دافر را مطمئن سازید که من آنچه را که می‌توانم برای استقرار نظم

به عمل آورده و خواهم آورد و ایشان می‌توانند که از سلامتی اتباع خود آسوده‌خاطر باشند.

بعد به کلنل لیاخوف که با یک صاحب‌منصب قزاق ایرانی دیگر که مترجم او بود و نزد شاه ایستاده بودند شاه اشاره نموده و گفتند که نظم شهر به عهده کلنل واگذار شده است والان مشغول گذراندن بعضی ترتیبات با او هستند.

و آنچه راجع به مسئله ثانی است اعلیحضرت شاه از ما خواهش نمودند که اطمینانات خود را در این باب بنمایندگان ابلاغ داریم اینکه شاه با مجلس تزاری ندارد اقداماتی که او بعمل آورده است علیه انجمنهای رولوسیونر و مفسدین عموماً بوده است و دیگر اینکه مقصود اعلیحضرت شاه نگاهداری مشروطیتی است که خود آن اعلیحضرت عطا نموده.

سپس من اظهار نمودم که اداره تلگرافخانه هند و اروپا و بانک شاهنشاهی ایران مخصوصاً مایلند که مستحفظین آنها اضافه شود. اعلیحضرت شاه قول دادند که فرستاده خواهد شد. در موقعی که ما خارج شدیم امیر بهادر که در ملاقات حضور داشت به من گفت که خود او شخصاً مستحفظ لازمه خواهد فرستاد و بعد صاحب‌منصبی را طلبیده و بهمن اظهار نمود که هرچه لازم است به او گفته تا بموقع اجرا گذارده شود. صاحب‌منصب مذکور قول به من داد که عده‌ای مستحفظ همان شب برای نقاط مذکور خواهد فرستاد. این قول فوراً به موقع اجرا گذارده شد. ما نزدیک در باغ کوچکی که بیرون باغشاه است خدمت شاه مشرف شدیم. این باغ برای حرم سلطنتی معین شده است.

خود باغشاه محل دربار و تازگی محبس شده که در آن عده زیادی از مقصرین پلتیکی محبوس هستند.

ملفوف ۴ در نمره ۴۱۱

قانون نظامی مورخه ۲۲ ماه ژون ۱۹۰۸

[۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۶]

چونکه از ۲۲ ماه ژون طهران و شهرهای دیگر مملکت در تحت قانون نظامی خواهند بود لهذا برای جلوگیری از افساد و برقراری نظم و آسایش عموم، ما بموجب این فرمان امر و حکم می‌فرماییم که کلیه اجتماعات در خیابانها و محلات و میدانها و بعلاوه جمع شدن عده کثیری از مردم یا بیرون شهر و یا در منزلهای شخصی وقتی قانونی خواهد بود که اجازه از حکومت گرفته بشود و بموجب این فرمان ما امر و حکم می‌فرماییم که اگر برخلاف این ترتیب اجتماعی در خیابانها و محلات و میدانها بشود به قوه نظامی مجتبعین را متفرق خواهند کرد و در صورت عدم اطاعت و مقاومت به قوه قهریه و شلیک تفنگ، آنها را متفرق خواهند نمود. محض اینکه این نوع اتفاقات ناگوار بر رعایای ما وارد نشود ما نیز حکم می‌نماییم که حتی در کوچه‌ها یا مسجدها یا نقاط دیگر برای تماشای جمع نشوند. در صورت عدم اطاعت به این احکام:

(۱) رؤسای این اجتماعات و اشخاص دیگر که مربوط به این اجتماعات بوده به حکم حاکم دستگیر و سه ماه محبوس خواهند شد.

- (۲) فرمانده بریگاد قزاق کلنل لیاخوف به حکومت شهر معین گردیده است. رئیس نظمی و فرماندهی نظامی در تحت اوامر و فرمان او خواهند بود.
- (۳) آن اجتماعاتی که عمومی از قبیل تجارتخانه‌ها - قهوه‌خانه‌ها [و] اصناف که قانونی است پس از سه ساعت از شب گذشته ممنوع است.
- (۴) حمل اسلحه بدون اجازه حاکم ممنوع است و مرتکبین بروفق ماده اول این فرمان مجازات خواهند شد حتی آن اشخاصی که اجازه حمل اسلحه دارند باید بلیت مخصوص از حکومت داشته باشند.
- (۵) اشخاصی که بی‌احترامی به نظام بکنند بطور مذکور تنبیه و همچنین به سربازان اجازه داده خواهد شد که اسلحه خود را بطرف آنها بکشند.
- (۶) تعیین تنبیه برای تقصیراتی که در این مواد ذکر شد در ولایات برعهده مأمورین مسؤل محلی است.
- (۷) اجرای این احکام از [زمان] صدور آن خواهد بود.

(امضا محمد علی شاه قاجار)

ملفوف ۳ در نمره ۲۱۱

اعلان عفو عمومی به تاریخ ۲۵ ژون ۱۹۰۸

[۴ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۶]

جناب صدراعظم

مقصود ما اعاده نظم در مملکت است و اقداماتی که برای دستگیری خائنین و مفسدین بعمل آمد محض آسایش و راحتی مردم است و برای اینکه اهالی بی‌تقصیر و مصلح بیش از این دیگر دچار زحمات و صدمات نباشند بموجب این دستخط مسروریم که اعلان عفو عمومی نموده و صریحاً اظهار می‌داریم که ما عفو می‌نماییم تمام اشخاصی که نسبت به آنها سوء ظن برده شده است. اما آن اشخاصی که دستگیر شده‌اند مجلسی مرکب از اشخاص سالم و بی‌طرف تشکیل داده خواهد شد و آنها بدقت رسیدگی خواهند نمود و هر کس که بی‌تقصیر باشد مرخص خواهد شد ولی مشروط بر اینکه مردم از حدود قانونی که حکومت نظامی ترتیب و منتشر نموده تجاوز نکرده و اقداماتی برخلاف قاعده و قانون ننمایند.

(امضا محمد علی شاه قاجار) ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۶

ملفوف ۴ در نمره ۲۱۱

اعلان کلنل لیاخوف که به تاریخ ۲۹ ماه ژون

[۸ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۹ ج ۱ - ۱۳۲۶] منتشر گردید

حسب الامر اعلیحضرت همایونی محض آسایش مردم و اجرای قوانین و قوای شهری و همچنین برای اطلاع عموم مطالب ذیل شمرده می‌شود.

(۱) استقرار نظم در شهر مخصوصاً به بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی و ژاندارمری

- وافواج خلیج وزرند محول گردیده است.
- (۲) اشخاصی که برخلاف این قوانین رفتار نمایند مورد مؤاخذة سخت واقع خواهند گردید. اشخاصی که مظلوم واقع گردیده می‌توانند شکایات خود را به اداره من ویا به خود من شخصاً ابراز دارند.
- (۳) هرکس که به کس دیگر تعدی و ظلم نماید با حضور شخص مظلوم و اطلاع نماینده حکومتی تنبیه خواهد گردید. در صورتی که به کسی اذیت یا دزدی شود آن شخص می‌تواند مراتب را به قزاقی که مأمور قراولخانه است اطلاع بدهد.
- (۴) قیمت نان و گوشت به نرخ حالیه باقی خواهد بود. اگر از میزان قیمت گران‌تر فروخته شود جریمه از فروشنده گرفته خواهد شد.
- (۵) اگر در کوچه بیش از پنج نفر جمع شوند به قوه قهریه آنها را متفرق خواهند ساخت.
- (۶) اشخاصی که مشغول فروش اسلحه و فشنگ هستند بعد از این بدون اجازه من مجاز فروش نخواهند بود و اجازه فقط از طرف من داده خواهد شد.
- (۷) اگر تیری در شهر در برود قزاق به آن نقطه فرستاده خواهد شد. در صورتی که تیر بلااراده در رفته باشد مرتکب برای یک مدتی محبوس خواهد گردید. اگر کسی در شب به دزدی درخانه تیر بیندازد قزاق باید وارد خانه شده و کسب اطلاع نماید. اگر تیر قصدی دررفته باشد مرتکب سخت مجازات خواهد شد.
- (۸) اگر از خانه‌ای به قراول کوچه تیری انداخته شود آن خانه بتوسط توپ خراب خواهد شد.
- (۹) به اشخاصی که بار گاه و هیزم یا بارهای دیگر در کوچه‌ها گذارده و مانع از عبور مردم می‌شوند اخطار می‌شود که بعد از این دیگر نکنند.
- (۱۰) کالسکه‌ها باید در دست راست کوچه پشت سرهم بایستند. درشکه‌چیهایی که به این ترتیب رفتار نمایند مورد مؤاخذة سخت واقع خواهند گردید.
- (۱۱) آب پاشی و جاروب کردن کوچه برعهده صاحبان خانه و مستأجرین است.
- (۱۲) من خواهش معاونت از تمام اهالی طهران برای استقرار نظم در شهر می‌نمایم.

(رئیس و فرمانده بریگاد قزاق اعلیحضرت
همایونی کلنل لیاخوف) بدون تاریخ

ملفوف ۵ در نمره ۲۱۱

اعلانی که از طرف صدراعظم در تاریخ

۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۸ [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۷ ج ۲-۱۳۲۶]

صادر گردید

به موجب این ورقه به تمام ساکنین شهر طهران اخطار می‌شود که تا مدتی که پایتخت در تحت قانون نظامی است بریگاد قزاق و افواج ساخلو در قراولخانه‌ها و ژاندارم در

تحت فرمان کلنل لیاخوف مشغول محافظت کوجه‌ها و استقرار نظم در شهر بوده بعد از این هم باید بر وفق احکام و دستورالعملهای مقررره همینطور مشغول استقرار نظم و امنیت در شهر باشند ولی امورات دیگر حکومتی از قبیل رسیدگی به شکایات و رفع تظلمات مربوط به شاهزاده مؤیدالدوله حاکم طهران است و اهالی شهر هم باید بهمین ترتیب رفتار نمایند و بدانند که امنیت و انتظام شهر مخصوصاً مربوط به کلنل است در صورتیکه رسیدگی به شکایات و کارهای دیگر راجع به حضرت والا است.

(امضا صدراعظم) بدون تاریخ

نمره - ۲۱۳

مراسله مستر مارلینگ به سرادوا دگری

مورخه ۱۵ ژویه ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

از قهک

راجع به تلگراف ۲۹ ماه گذشته من ، افتخار دارم از راپرت اینکه در ساعت ۷ شب ۲۳ ماه گذشته [۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۶] ماژور استوکس بتوسط کاغذی به من اطلاع داد که هرچند اثری نیست که ملیین قصد تحصن در سفارت اعلیحضرتی را داشته باشند ولی او تصور می نمود که ممکن است در عرض شب اقدامی از طرف آنها بشود.

چون من می دانستم که بواسطه حفاظت و حراست قشون مأمور اطراف سفارت که از طرف شاه فرستاده شده بود تحصن عده زیاد مردم در سفارت اعلیحضرتی غیر ممکن و بعلاوه ماژور استوکس از دستورالعمل عمومی که در این خصوص سفارت به او داده بود کاملاً مستحضر بود.

مفاد دستورالعمل مذکور این بود که بهیچوجه تحصن عده کثیری از مردم در سفارت اجازه داده نشود ولی فقط به اشخاصی که ممکن است پناهگاه داده شود اشخاصی خواهند بود که حقیقتاً جان آنها در معرض خطر فوری است .

لهذا من گمان نمودم که غیر لازم است احکام مخصوص برای او بفرستم.

تقریباً در ساعت ۹ پیغامی از طرف تقی زاده (وکیل شهیر آذربایجان که بواسطه نطقهای بی پرده و ترس او ، مورد غضب و خشم شاه واقع گردیده) برای ماژور استوکس رسیده که او و سه نفر از رفقاییش مایلند که به سفارت متحصن بشوند چونکه قشون در تجسس آنها است و هر دقیقه ممکن است که آنها دستگیر شوند و در صورتی که در سفارت پذیرفته نشوند حتماً کشته خواهند شد.

ماژور استوکس بر وفق دستورالعمل مقررره جواب داده و چندی نگذشت که تقی زاده و شش نفر دیگر که سه نفر آنها مدیر «جبل المتین» و نایب مدیر روزنامه «مساوات» و «صوراسرافیل» بودند وارد در معموله [=محدوده] سفارت شده و اجازه دخول به آنها داده شد.

هیچ جای تردید نیست که اگر به آنها اجازه تحصن داده نمی‌شد سه و شاید بیشتر از سه نفر آنها با عاقبت جهانگیرخان و ملك المتكلمين (که در صبح زودروز بعد بدون هیچ محاکمه خفه کردند) شرکت می‌نمودند.

تقریباً نزدیک صبح زود روز دوشنبه مرتضی قلیخان و کیل اصفهان و هفت نفر دیگر به همین ترتیب اجازه دخول به آنها داده شد غیر از اینکه آنها بدو از قصد خود به سفارت اطلاعی ندادند.

من نمی‌توانم بگویم که آنها کشته می‌شدند ولی بلاشک با تمام آنها سخت رفتار می‌شد و تا مدتی هم داخل درجرگه محبوسین باغشاه که مابین آنها پنج نفر و کیل بود می‌گردیدند. بعضی از آنها هم ابداً مرتکب هیچگونه تقصیری نشده بودند.

هرچند که شب به آرامی گذشت بغیر از اینکه عده زیادی دستگیر شدند ولی شهر در روز چهارشنبه ۲۴ [۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۳۲۶-۱۳۲۶] در حال وحشت و اضطراب بود و راهپورت دستگیری زیاد و قتل عام یا ثبوت آن در شهر شیوع داشت و اگر ما به یکی از ده آن اخبار واقعی می‌گذاشتیم خود دلیل کاملی بود که هرکس تقاضا می‌نمود او را در سفارت پناه بدهیم. يك بدنامی که شاه از تبریز با خود آورده بود و دیگر معلوم الحال بودن اخلاق ناصح عمده او (امیر بهادر) اساساً باعث اضطراب و وحشت مردم گردیده.

در هر حال آن روز صبح هیچکس باور نمی‌کرد که اگر او به باغشاه برود دیگر از آنجا زنده مراجعت خواهد نمود.

ثبوت این ترور به همین واقعه کافی است که ممتازالدوله رئیس مجلس و دو نفر دیگر پس از اینکه دوروز وقت خود را در محله یهودیها در خفا گذرانیدند بالاخره با لباس کثیف درویشی خود را به سفارت فرانسه که نزدیک به زرگنده است رسانیده و در آنجا متحصن شدند.

در اینطور مواقع اسباب حیرت نیست اگر عده زیادی از مردم مایل به تحصن در سفارت بشوند.

در این موقع من گمان نمی‌کنم که کسی خیال این را داشت که عده کثیری مردم را در سفارت برای مقصود سیاسی جمع نماید. هرکس ترس خود را داشت و خواستند که به يك وسیله‌ای از دسترسی شاه خارج شوند و احتمال کلی برده می‌شود که اگر قشون از طرف شاه در اطراف سفارت گذارده نمی‌شد اغلب بستیه‌ها در یکی دو روز خود به منزلهای خود مراجعت می‌نمودند.

در ۲۶ ماه [۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۱ - ۱۳۲۶] اعلان قانون نظامی که یکی از مواد آن اشعار می‌داشت که در صورت بی‌احترامی به نظام اجازه به سربازان داده شده است که اسلحه خود را بکار برند منتشر گردیده و بیشتر باعث اضطراب مردم گردید.

محض تشریح اضطراب و وحشت شایعه یکی دو مثل بی‌موقع نخواهد بود: مفتاح السلطنه رئیس اداره انگلیس در وزارت خارجه که مثل اشخاص دیگر عضو انجمنی بود تا مدت دو روز از منزل خود خارج نمی‌شد و حسینقلی خان نواب برادر عباسقلی خان نواب سفارت اعلیحضرتی پس از اینکه به خانه خود رسید تابه حال

(۱۵ ژوئیه) [۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ج ۲-۱۳۲۶] جرئت نکرده است که به طهران مراجعت نماید.

عده زیادی از مردم تقاضای اجازه دخول به سفارت را می نمودند و با وجود اینکه تقریباً هرکسی که از سفارت خارج می شد دستگیر می نمودند مازوراستوکس به هیچکس اجازه دخول نمی داد مگر به اشخاصی که بر او ثابت می شد که در صورت عدم اجازه دچار خطرات در باغشاه خواهند گردید.

یکی دو نفر از دری که سقاها آب از قنات سفارت انگلیس برای اتباع انگلیس می برند داخل باغ سفارت شدند. این در هم به حکم من بسته شد با وجود اینکه بستن این در اسباب اشکال زیاد گردید.

یکی دو نفر دیگر هم خود را داخل باغ نمودند، به این ترتیب که عقب گاریهایی که اسباب بنائی برای عمارت آتاشه میلیتر می آوردند افتاده و داخل باغ شدند. این واقعه در ۹ این ماه [۱۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۱ج ۲-۱۳۲۶] روی داد ولی این اشخاص داخل مسائل سیاسی نبوده و فقط برای رفع تظلم شخصی به سفارت آمده بودند.

خیلی مشکل است پیش بینی کردن اینکه آیا عده زیادی از مردم قصد تحصن در سفارت اعلیحضرتی را دارند یا نه.

در دوروز اول همانطوریکه سابق گفته شد ابدأ خیال همچو اقدامی برای مقصود سیاسی برده نمی شد و چند روز بعد هم گمان می کنم که به رؤسای ملتیان ثابت شده بود که همچو اقدامی از طرف ما قبول نخواهد شد چونکه ما مکرر چه در ماه دسامبر گذشته و چه در اوقات دیگر همیشه رد همچو اقدامی را نموده ایم. ولی چندی بعد عده ای از مردم از شدت یأس به خیال افتادند که شاید سفارت مثل سال ۱۹۰۶ [۱۲۸۴؛ ۱۳۲۲] آنها را بپذیرد و از طرف دیگر البته عده ای مردم از ترس طلب پناه در سفارت می نمودند و همینکه آنها داخل سفارت شده جزو بستیها محسوب می شدند آنوقت از مقام خود استفاده نموده تقاضای بعضی شرایط سیاسی از شاه می نمودند.

جای تردیدی برای من نیست که شاه از نقطه نظر خود این مسئله را خیلی خطر بزرگی فرض نموده ناصحین او را از این خطر متنبه می ساختند ولی به عقیده من هر نوع احتمالات متصوره را دستة درباریان با اغراق زیاد شیوع می دادند که سفارت اعلیحضرتی میل این را دارد که عده زیادی از اهالی در سفارت متحصن بشوند.

در قلهک تقریباً ۱۵ نفر هستند که ممکن است گفته شود که آنها محض دستگیر شدن به آنجا آمده اند. دو نفر از آنها دو برادرند که در منزل خود متوقف اند و البته اعتراضی به حضور آنها نمی شود کرد. مابقی دیگر یا خانه های کوچک اجاره کرده اند و یا اینکه در منزل رفقای خود میمانند

آنقدری که من توانسته ام معلوم نمایم فقط يك نفر از تمام این اشخاص علت موجهی برای وحشت خود دارد. این شخص قاضی است که در ماه دسامبر گذشته سر دستة ارادل طرفدارهای شاه را محکوم به حبس نموده و از طرف او استدعای عاجلانه از من شد که اسم او را هم در جزو بستیهای سفارت شهر منظور بدارم ولی من به جهات عدیده این کار

را صلاح‌ندانستم قاضی مذکور اینقدر ترس از شاه ندارد که از شخص محکوم شده دارد چونکه شاه به آن شخص اجازه مراجعت از حبس و کلات را داده است. من امیدوارم که موفقیت حاصل نموده مردم را از خیال آمدن به قلهک منصرف نمایم. ولی اتصالاً از من سؤال شده و می‌شود که چه اقداماتی برای حمایت اشخاصی که موقتاً در ده توقف دارند بعمل خواهد آمد و ممکن است که چند نفر دیگر هم وارد بشوند.

ملفوف نمرة ۱۳۱۳

ملخص از خلاصه وقایع ماهیانه

رشت

در روز ۱۹ ژون [۲۹ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۹ ج ۱ ۱۳۲۶] عساکر بر ناطقی که در اجلاسی نطق می‌نمود تیرخالی نمودند. مردم از اینها خلع اسلحه نموده بطور بد با آنها رفتار کرده در حبسشان انداختند. روز بعد بازارها بسته شد. همینکه از طهران خبر رسید که شاه سه نفر از مشروطه‌خواهان عمده را محبوس نموده انجمنها حاکم و کارگذار و مدیر تلگراف را مجبور نمودند که مهرهای رسمی خود را به ایشان بدهند. روز ۲۶ ژون [۵ تیر؛ ۲۶ ج ۱] خبر کودتای شاه رسید و مستحفظین در جلومعابر خانه حاکم قرار داده شد. سه‌عراده توپ هم در چند محل سوار کردند. روز ۲۷ حاکم امر داد مردم بازارها را باز نمایند ولی کسی اطاعت حکم او را ننمود. سپس چند نفر سرباز را فرستادند که مردم را به قبول آن مجبور گردانند. در این بین جنگ واقع شد. سه نفر مقتول و چهارده نفر مجروح گردیدند. روز ۲۹ بازارها باز شده آرامی و سکون اعاده گردید.

بارفروش

به مجرد وصول اخبار حوادث طهران شهر مغشوش شد. مردم با شاه اظهار مخالفت نموده و از یکی از تجاران انگلیسی سؤال نمودند که آیا در صورتی که شاه بخواهد آنها را دستگیر نماید به آنها پناه خواهد داد یا نه. او در جواب گفت که به آنها پناه نخواهد داد. پس یکی از اعضای انجمن محلی بمجرد وصول اخبار قتل پدر خود از طرف شاه مرتکب انتحار شد. در موقع مراسم تشییع جنازه او دسته بزرگی با شاه ابراز مخالفت نمودند.

مشهد

مظفریت شاه از قرار معلوم مورد قبول عموم شده مردم در مساجد مشغول دعا و شکرگزاری برای آن هستند.

(۱) نامه یا تلگرام نمرة ۲۱۳ در متن اصل چاپ نشده و تنها به ملفوف آن اشارت رفته است. م.

اصفهان

در ۱۵ ژون [۲۵ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۶] از اصفهان به تمام نقاط ایران تلگرافات نموده خلع شاه و تعیین ظل السلطان را به مقام نیابت سلطنت اصرار نمودند. گویا این تلگرافات را در جواب تلگرافات رشت و تبریز و شیراز و همدان که استدعای همراهی نموده بودند مخابره کردند. در تمام شهرها برای تشکیل قشون اعزامی به سمت طهران برای خلع شاه اقدام شد. اهالی بازارها و ادارات را بسته و هرروز مجالس برای مذاکره در خصوص اوضاع منعقد می گردید. در بیستم ژون گفتگو بود که مشروطیین هر شهری در قنصلخانه انگلیس متحصن شوند و هیئت اعضای انجمن ملی بنا بود در سفارت انگلیس تحصن اختیار نمایند. شاه تلگرافی فرستاده مشعر بر اینکه به قوه شمشیر تاج و تخت خود را حفظ خواهد نمود. از اصفهان در جواب تلگراف اهالی جواب رسیده شاه را کافر خطاب نمودند. در ۲۳ ژون [۲ تیر؛ ۲۳ ج ۱] اخبار حوادث آن روز طهران واصل گردید. شاه تلگراف نموده حاکم را اطلاع داد که مجبور گردیده بر علیه بعضی اشخاصی که باعث اختلال و اغتشاش بوده اند اعمال قوه نماید و بدان واسطه شهر را در تحت قانون نظامی قرار داده است و هرگاه برای استقرار نظم اصفهان قشون لازم باشد فرستاده شود. از ۲۴ الی ۲۶ ژون [۳-۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۶-۲۴ ج ۱-۱۳۲۶] اجلاس متعدده برای مذاکره اوضاع منعقد گردید و نتیجه گرفته نشد مگر يك تلگرافی که به مجتهدین کربلا مخابره نموده از آنها طلب تقویت نمودند. شهر از آنوقت تاکنون آرام است. در ۳ ژوئیت [۱۲ تیر؛ ۴ ج ۲] علاءالملک حاکم آنجا به طهران طلب شد و روز ۷ از اصفهان حرکت نمود و اقبال الدوله به جای او منصوب گردیده است.

یزد

روز ۱۰ ژوئیت [۱۹ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۶] خبر رسید که سرکردگان هیجان اخیر اینجا را دستگیر نموده اند.

شیراز

ظل السلطان فرمانفرمای فارس روز ۶ ژوئیت [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲-۱۳۲۶] از راه سرحد بطرف اصفهان رهسپار گردید. علت حرکت او بواسطه تعیین آصف الدوله بود. در عرض مدت قلیل حکومت خود؛ ظل السلطان بی اندازه در اعاده نظم و استرداد اموال مسروقه از تجارتخانه ها و تبعه خارجه ابراز کفایت نمود.

در اوایل ژون معتمد دیوان را که یکی از اعدای عمده طایفه قوامیان بود مستخلص نموده او را به منشیگری اکبر میرزا پسر خود که ریاست قبایل اعراب به او سپرده شده بود برقرار داشت. اصغر خان یکی از رؤسای اعراب از آمدن به شیراز امتناع ورزیده معتمد دیوان با ششصد نفر پیاده نظام و دو بیست سوار و دو عراده توپ نزد او فرستاده شد که در سیدان با او مذاکره نماید. در حین ورود اصغر خان بطریق دوستانه با او سلام و تعارف نموده او را به يك طرف برده رولور خود را بیرون آورده او را مقتول نمود. همراهان

او سپس برادر کوچکتر معتمد دیوان را مقتول نمودند و هیچکس بهیچوجه به هریک از آنها کمک ننمود. این حادثه محتمل است تأثیر بدی در امنیت فارس بنماید. از زمان وصول اخبار مظفریت شاه در طهران شیراز به حال آرامی باقی است.

خلیج فارس

بوشهر

اخبار کودتای شاه بدون حدوث اغتشاش واصل گردید و انجمن محلی و سایر انجمنها بطور آرام بر حسب امر حاکم منحل گردیدند.

(امضا) مازور استوکس آتاشه میلیر

نمره - ۲۱۴

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۱۴ اوت)

قلهك ، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

افتخار دارم جوفاً سواد یاد داشت مازور استوکس را که در آن شرح وضعی که سفارت اعلیحضرتی از غروب ۲۳ ژون الی ۳۰ [۹ - ۲ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۳ ج ۱ تا ج ۲ - ۱۳۲۶] در تحت نظارت عساکر قرار داده شده بود، مفصلاً نگاشته ایفاد دارم:

شرحی که مازور استوکس نگاشته حاوی آن چیزهایی است که شخص او عیناً مشاهده نموده ولی در حقیقت در دوروز که ۲۸ و ۲۹ باشد بیش از آنچه او آگاهی داشته عساکر بطور سخت آنجا را در تحت نظارت داشته‌اند چرا که در این دو روز در چهار محل (ونه دو محل) که از همدیگر ۲۵۰ الی ۳۰۰ ذرع فاصله داشته قراول در اطراف حیاط سفارت قرار داده شد و ترتیب سیر اینها دور سفارت اینطور مقرر شده بود که هر دسته در یک دور زدن از یکی از جاده‌هایی که اطراف حیاط سفارت است عبور می‌نمودند. گمان می‌کنم این یادداشت بخوبی ظاهر می‌نماید که از غروب ۲۴ تا یک وقتی در شب ۲۵ عساکر بطور دقت مواظب سفارت بودند و روز ۲۶ در مواظبت آنها بسیار تخفیف پیدا شده ولی روز بعد ژاندارمها آمده بطور دقت مواظبت داشتند. روز ۲۸ در چهار محل چاتمه قرار داده شد بطریقی که در مواقع مکرره دور سفارت سیر می‌نمودند. روز ۲۹ عساکر چندان سیری دور آنجا ننموده و روز بعد دیگر دیده نمی‌شدند ولی چند نفر پلیس هنوز این طرف و آن طرف می‌رفتند.

در عرض سه روز بعد چیزی که چندان قابل شکایت باشد به ظهور نرسید ولی شبموم ژوئیت [۱۱ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۳ ج ۲ - ۱۳۲۶] در نقطه‌ای از راه طرف شمال سفارت در گشت و گذار بودند و جهت تجدید مستحفظین را اینطور مذکور داشتند که سفارت در تهیه است که عده کثیری بستی بپذیرد و این مسئله اغراق بود.

وزیر امور خارجه برحسب دستورالعمل شاه کوشش نموده است که به من بقبولاند که راپورت‌هایی که در باب این گزارشات از طهران برای من رسیده اغراق شده . در جواب می‌گویم که در هیچ نقطه شهر حتی در حدود مجلس و مسجد هم اینطور اقداماتی که در مورد سفارت شده بعمل نیامده و مردم بطریق عموم این مسئله را مطرح صحبت و گفتگوی خود نموده و سفارت مرکز جذب تماشاچیان عجیب و غریب گردیده است .

شکی نیست که شاه جداً مایل بوده است که نگذارد دو مرتبه عده کثیری چنانچه در سال ۱۹۰۶ [۱۲۸۴-۵؛ ۱۳۲۳-۴] واقع شد در سفارت بست اختیار نمایند و شکی هم نیست که اخباراتی که به او رسانیده‌اند مشعر براینکه ما سعی داشته‌ایم که اهالی بازارها را ترغیب به پناه گرفتن نزد خود نماییم باعث تسریع توهمات او گردیده . آنچه من فهمیده‌ام در اقدامات که ابتدا در ۲۴ بعمل آمد هیچ این مسئله تصور نشده بود که يك نوع بی‌احترامی سختی نسبت به سفارت خواهد بود .

ساده‌تر و سهل‌تر از همه این بود که بدون تعیین يك نفر سرباز در نزدیکی سفارت از هجوم پناهندگان بازاری جلوگیری شود یا به يك طریقی که مورد ایراد واقع نشود . من روز ۲۶ شهر گذشته این مسئله را خاطر نشان وزیر امور خارجه نمودم و او وعده داد که شاه رامایل به اتحاد و اقدامات بی‌ضررتر نماید ولی از قرار معلوم مساعی او فقط تا اندازه‌ای توانسته است ترتیبی بدهد که عساکر روز ۲۸ و ۲۹ طور دیگر در محلات خود قرار گرفته و دستجات سیر نمایند .

ملفوف نمره ۲۱۴

یادداشت مازور استوکس در باب مستحفظین دور سفارت اعلیحضرتی

در طهران از ۲۴ الی ۳۰ ژون ۱۹۰۸

[۹-۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۴ج۱ تا ۲ج۱-۱۳۲۶]

۲۴ ژون : قریب ساعت ۷ بعداز ظهر شانزده سوار نظام ایرانی در تحت امر يك نفر صاحب‌منصب آمده در جلو درب بزرگ سفارت به فاصله ده ذرع از آن جای گرفتند و در محلات متهمه به فاصله‌های سه ذرع تعیین شدند . اتفاقاً شانزده نفر از سربازان ایرانی که چند دقیقه قبل بواسطه غارتی که دیروز نموده بودند از سفارت خارجشان نموده بودیم نزدیک درب ایستاده عازم حرکت بودند . آن صاحب‌منصب ایرانی اینها را در تحت فرمان خود قرار داده و به فاصله دوسه ذرع از درب جا برای آنها معین نمود . مستر چرچیل و مستر اسمارت که می‌خواستند بطرف قلعهک رهسپار شوند با صاحب‌منصب مذکور درافتاده او در جواب اظهار داشت شاه حق دارد مفسدین را تنبیه نماید و پس از آن عساکر تحت فرمان خود را که هنوز به همان ترتیب باقی بودند به مسافت سی ذرع از درب سفارت دورتر برد . این دسته سرباز از جلو درب سفارت دورتر رفته ولی در شمال درب پهلوی دیوار سفارت صف کشیدند . همینکه مستر چرچیل به قلعهک رسید راپورت واقعات فوق را به مستر مارلینگ داد . کمی بعد از آن سربازان و ژاندارمها هم آمده در سه طرف دیگر سفارت قرار گرفته راه ورود به آنجا را مسدود نمودند و هیچکس

را نمی گذاشتند که بدون آزار از سفارت خارج شده یا بدان وارد شود. در وقتی که کالسکه مستر ها کینز وابسته بانک شاهنشاهی ایران که بطور موقت در خانه شارژ دافر در سفارت منزل گرفته بود بطرف درب می آمد عساکر آنرا توقیف نمودند. ایرانیانی را که بهیچوجه تقصیری نداشته و برای کار به سفارت می آمدند در خروج فوراً آنها را دستگیر کرده می بردند. واقعه ذیل دم درب سفارت روی داد: یکی از آشنایان غلامان ما - پسر یکی از تجار اسلامبول که غلامان ما در موقعی که مراسلات به آنجا می بردند در خانه او منزل می نمودند دم درب سفارت آمده با یکی از غلامان صحبت کرد و رفت. هنوز به اندازه ده ذرع نرفته بود که سرکرده پلیس این نقطه او را دستگیر نموده در کالسکه اش انداخت که بطور محبوس او را ببرد. در حین بردن سرکرده پلیس به او گفت می خواستید به سفارت انگلیس بروید ، خوب رفتید. این شخص به قصد فرار از کالسکه بیرون جست. در این گیرودار سربازی که در حال عبور بود یکمرتبه به او گلوله انداخت و او را مجروح نمود. از این گلوله سرکرده پلیس هم مجروح گردیده دو روز بعد فوت نمود. پسر تاجر را بعد به حبس بردند ولی بعد از آن بنا بر تقاضای دولت اعلیحضرتی مستخلص گردید. سربازان مذکور نوکرهای سفارت را که بیرون می رفتند مزاحم شده و اگر غلامها برای استخلاص آنها می رفتند می گذاردند عبور کنند و با تفنگ سه نفر از نوکرهایی را که در قهوه خانه مقابل درب سفارت نشسته و چای می خوردند تهدید نموده و آنها بطرف سفارت فرار کردند.

۲۵ ژون [۴ تیر ؛ ۲۵ ج ۱] : در عرض تمام روز این اوضاع دوام داشت. در موقعی که مستر گای و مستر چرچیل ساعت يك بعد از ظهر برای ملاقات وزیر امور خارجه وارد شدند هشت نفر به مسافتی از درب سفارت دیده می شدند. چهار نفر آنها به فاصله دودرع از دیوار سفارت دم درب و سه نفر نزدیک قراولخانه مقابل بودند و دیگری که در جلو سفارت بطرف بالا می رفت در حین عبور به آنها بی ادبانه خیره خیره نگاه می کرد. بعلاوه يك دسته سرباز هم - قریب بیست نفر - به مسافت کمی از زاویه شرقی سفارت قرار گرفته بودند. طرف بعد از ظهر عباسقلی خان از قلعه وارد شد. چند نفر از سربازان فوراً بطرف کالسکه او هجوم آورده تفنگهای خود را بطرف او نشانه گرفتند و به همین طریق در موقعی که کالسکه حامل پسته وزارت خارجه توسط يك غلام و يك سوار - هر دو با لباس رسمی - برده می شد در نزدیکی درب بزرگ قزاقان به آن حمله نموده و تفنگهای خود را در کالسکه داخل نمودند. همینکه هوا تاریک شد اینها رفتند.

۲۶ ژون [۵ تیر ؛ ۲۶ ج ۱] : ساعت ده قبل از ظهر مستحفظی دور سفارت نبود ولی يك نفر در قراولخانه مقابل درب بزرگ قرار گرفته بود و هرکس که وارد و خارج سفارت می شد راپوت می داد. چون پس از تحقیق دریافتم که در هریک از قراولخانه های شهر يك نفر سرباز قرار داده اند نمی توانستم از حضور او در اینجا اعتراض نمایم. ساعت هفت بعد از ظهر یکی از پلیسان جلو کالسکه ای را که بطرف سفارت می آمد گرفته ولی همینکه اقناع شد که سوار درشکه از پناهندگان نبود آن را اجازه

عبور داد .

۲۷ ژون [۶تیر ؛ ۲۷ ج ۱] : صبح سرکرده پلیس این نقطه شهر ترد سربازی که در قراولخانه کشیک داشت آمده و شرح آنچه از واردین به سفارت و خارجین آن را دیده بود بدست آورد و مدت کمی پس از آن دونفر ژاندارم در زاویه شمال شرقی سفارت تعیین گردید. پس من دور سفارت گردش کرده جاهای دیگر که قراول گذارده بودند مشاهده نمودم . پنج نفر در زاویه جنوب غربی و چهار نفر در طرف شمال متوقف بودند. من با دودسته قراولان آخری صحبت نمودم. اینها لباس رسمی در بر نداشتند و اظهار داشتند منتظر درشکه هستیم که ما را به نیاوران ببرد و از قراری که مذکور داشتند شاه به آنجا می رفته. ساعت يك بعد از ظهر مستر چرچیل از قلهك وارد شد و پنج نفر ژاندارم را که به فاصله سه ذرع از درب بزرگ ایستاده بودند دید و به او اظهار داشتند ما اینجا مشغول قراولی هستیم . مستر چرچیل راه خود را گرفته رفت ولی در مراجعت چند دقیقه بعد از آن دو نفر آنها به قراولخانه رفته بودند و سایرین بطرف زاویه جنوب شرقی سفارت رفته بودند. او مجدداً با آنها صحبت نموده و گفت هر گاه نزدیک درب سفارت گشت و گذار نمایید شما را دستگیر خواهم نمود. چند دقیقه بعد آنها توسط یکی از غلامان پیغام فرستاده طلب بخشش نموده اظهار داشتند ما فقط مأموریم و چهل نفر هستیم و رئیس نظمیه ما را فرستاده است. سپس مستر چرچیل به ملاقات وزیر امور خارجه رفته پس او بعد از ظهر آمده و از ژاندارمها سؤال نمود کی آنها را دور سفارت گذارده. در ساعت هفت و ربع بعد از ظهر این مستحفظین هنوز در گشت و گذار بودند ولی مثل اوایل روز پدیدار نبودند.

۲۸ ژون [۷تیر ؛ ۲۸ ج ۱] : در ساعت ۹ قبل از ظهر من دور سفارت گردش نموده مستحفظین ذیل را مشاهده نمودم:

(۱) يك دستة سیار در تحت يك نفر صاحب منصب ایرانی در زاویه جنوب شرقی؛
(۲) يك دستة سیار دیگری در زاویه شمال غربی ولی باندازه ۲۰۰ ذرع در پایین جاده.

این دستجات سیار قرار بود در اطراف سفارت حرکت نموده پس از آن قریب نیم ساعت برای مواظبت و مراقبت در یکی از زوایا توقف نموده این کار را تکرار کنند بطوریکه سه طرف سفارت که درب دارد اتصالاً در تحت مراقبت و مواظبت آنها باشد. یکی از صاحب منصبان ایرانی که با او صحبت نمودم به من اظهار داشت که امر دارد دور سفارت حرکت نموده کشیک بکشد.

در زوایای جنوب شرقی و جنوب غربی و شمال غربی هم دستجات ژاندارمهای سه نفری و پنج نفری قرار گرفته بودند. بعلاوه آن در دو محل بعضیها بالای درختها دیده می شدند و ظاهراً برای این رفته بودند که بفهمند از اشخاص عمده کی جزو پناهندگان می باشد.

۲۹ ژون [۸تیر ؛ ۲۹ ج ۱] : اول صبح ۸ ژاندارم مسلح در جاده های دور سفارت دوبه دو گردش می کردند. قریب ساعت ده قبل از ظهر برعهده آنها افزوده شد و شش نفر در زاویه جنوب شرقی سفارت تعیین شدند . غروب پیاده ها آمده جای سواره ها

را گرفتند و دوبه‌دو در زوایا قرار گرفتند.

۳۰ ژون [۹ تیر؛ ۱ ج ۲]: چهار یا پنج ژاندارم دور سفارت بودند. سربازها ناپدید شدند ولی ژاندارمها هرکسی را که می‌دیدند به سفارت می‌آمد یا از آنجا خارج می‌شد به عساکری که در درب شمال سفارت عثمانی مشغول قراولی بودند راپورت می‌دادند. این محل تا زاویه جنوب شرقی سفارت انگلیس فقط چند ذرعی فاصله دارد ولی از آنجا نمایان نیست. یکی از غلامان که دیده بود یکی از ژاندارمها به تجاری که در سفارت مشغول کار بوده اشاره می‌کند هر دو اینها را مواظب بوده است. کمی بعد از آن ژاندارم مذکور نجار را نزد رئیس نظمیه که آنوقت در زاویه نزدیک سفارت عثمانی بود برد. از نجار مذکور در باب اسامی پناهندگان سفارت تحقیق شد ولی همینکه غلام در رسیدن سه نفر از هم متفرق شده و نجار نزد من آورده شد و گفت که رئیس نظمیه اسامی پناهندگان را از او پرسیده است. من اقدامات نمودم که از وقوع این قسم حوادث در آتیه جلوگیری شود.

(امضا) مازور استوکس

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۱۵

مکتوب مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۴ اوت)

قلهك ، ۱۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

چنانچه در تلگراف ۱۱ شهر جاری خود راپورت داده‌ام علاءالسلطنه وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران و وزیر افخم وزیر دربار از طرف اعلیحضرت شاه روز شنبه ۱۱ شهر جاری برای جبران بی‌احترامی‌هایی که اخیراً نسبت به سفارت اعلیحضرتی واقع شده بطور رسمی ترضیه خواستند.

مراسم ترضیه بطور بسیار مختصر در اطاق پذیرایی سفارت طهران به عمل آمد. هیئت اجزاء سفارت اعلیحضرتی با لباس رسمی حضور داشتند. وزرا هم با البسه رسمی فاخره خود آمده يك يك مضمون ترضیه را قرائت نموده مستر چرچیل ترجمه می‌نمود. وزیر دربار سپس وثیقه شاه را برای حفظ جان و اموال شخص پناهندگان به من تسلیم نمود.

من در جواب اظهار داشتم که من شرح این اظهار تأسف دولت ایران را به اطلاع دولت متبوعه خود رسانیده و تا اندازه‌ای که به این قسمت تقاضاهای دولت اعلیحضرتی مربوط است این حادثه را ممکن است خاتمه یافته تصور نمود ولی ایشان را متنبه نمودم که هرگاه شاه بخواهد از عهد خود در باب تأمین پناهندگان و اموال آنها تجاوز نماید این مقدمه دوباره از نو شروع خواهد شد.

سپس وزیر دربار اظهار داشت که شاه پیغام شفاهی توسط او برای من فرستاده و بموجب آن شاه مکرراً در باب ایفای به عهد خود اطمینان می‌دهد.

افتخار دارم که سواد مراسله‌ای که بموجب آن تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را از ایران نموده‌ام ارسال دارم بعلاوه سواد مراسله قبول آن دولت وسواد ترجمه عبارت ترضیه وثیقه شاه را لفاً ایفا می‌دارم.

(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف ۱ نمره ۴۱۵

قلهك ، ۲ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۳-۱۳۲۶]

حضرت اشرفا

مضامین تلگراف ۲۹ شهر ماضی را که حضرت اشرف شما بر حسب امر اعلیحضرت شاه مخیره نموده از بی‌احترامی‌هایی که در عرض چند روز نسبت به سفارت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا [بریتانیا]ی عظمی بوقوع رسیده بود اظهار تأسف نموده بودید به دولت متبوعه خود مخیره نمودم.

بموجب تعلیماتی که از وزیر امور خارجه امروز برای من رسیده به حضرت اشرف اطلاع می‌دهم که نظر به بی‌احترامی‌هایی که بدفعات مکرره نسبت به سفارت اعلیحضرتی با وجود پروتستهای رسمی من از طرف پلیس و عساکر بعمل آمده دولت اعلیحضرتی پس از مذاقه در اهمیت مواقعی که تولید گردیده تقاضاهای ذیل را ترتیب داده‌اند:

- ۱) عساکر و پلیس از معابر سفارت برداشته شده و تبعه ونوکرها را مزاحم نشوند.
- ۲) وزیر دربار از طرف اعلیحضرت پادشاه و وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران هر دو با لباس تمام رسمی در سفارت انگلیس طهران آمده در حضور من ترضیه کامل بطور رسمی بخواهند و قبل از وقت اطلاعات لازمه از بابت آمدن خود بدهند.
- ۳) تمام اشخاصی را که اخیراً در موقع ورود به سفارت یا خروج از آن دستگیر نموده‌اند و برای کارهای جاری خود ایاب و ذهاب نموده‌اند فوراً مستخلص سازند.
- ۴) وثیقه ممضی از طرف اعلیحضرت شاه برای جان اشخاص و اموال پناهندگانی که فعلاً در سفارت هستند به من داده شود.

۵) در صورتیکه در جزو پناهندگان کسانی باشند که متهم به جنایتی شده و خطای پلتیکی که برای آن عفو عمومی داده شده نداشته باشند از آنها از زوی انصاف محاکمه خواهد شد و یکی از اعضای سفارت در موقع محاکمه آنها حضور خواهد داشت.

در پیشنهاد نمودن این تقاضاها به حضرت اشرف من بنابر تعلیمی که دارم عرض می‌کنم که در صورتی که این تقاضاها فوراً قبول نشده و با دقت تمام انجام نشود دولت اعلیحضرتی مجبور خواهند گردید که اقدامات لازمه برای تحصیل جبرانی که تصور می‌کنند باید به آنها بشود بنمایند.

بر وفق تعلیماتی که از دولت متبوعه خود بمن رسیده من مواد فوق را به اعلیحضرت شاه پیشنهاد می‌کنم.

(امضاء) چارلز مارلینگ

ترجمه ملفوف ۳ نمره - ۲۱۵

مکتوب علاء السلطنه به مستر مارلینگک

طهران ، ۹ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۸ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

از مضامین مراسله دوم ژوئیت شما مشعر بر شرایط پنجگانه‌ای که از قراری که مرقوم داشته‌اند بر حسب تعلیماتی که از دولت متبوعه خود برای شما رسیده به دولت ایران پیشنهاد می‌فرمایید مستحضر شدم و مسئله را به عرض اعلیحضرت پادشاهی رسانیدم . نظر به نیات مقدسه آن اعلیحضرت در بذل توجه مخصوص به حفظ و استقرار مبانی مودت و اتحاد مابین دولتین و محض اثبات مقاصد خالصانه خود آن اعلیحضرت تقاضای مذکوره را قبول و مرا مأمور نموده‌اند شما را از قبول شرایط مندرجه مراسله خود مستحضر دارم . در خصوص ماده سوم شما البته دولت ایران را از اشخاصی که خواسته‌اید مستخلص شوند مطلع خواهید ساخت تا آنکه اوامر لازمه داده شود . در باب ماده چهارم برای جان و مال و شخص پناهندگان در سفارت تأمینات داده خواهد شد ولی چنانچه شفاهاً اظهار داشته‌ام دولت انگلیس هم آگاه می‌باشند من شما را از این مسئله متذکر می‌مایم که لازم است پناهندگان سفارت انگلیس تا مدتی به خارج مسافرت نمایند زیرا که حضور ایشان باعث مفسده می‌شود و مفارقت آنها باعث آرامی که مملکت آنقدر به آن محتاج است خواهد بود . اوامر لازمه برای اجرای شرایط فوق‌الذکر صادر شده و واضح است که این حادثه را خاتمه یافته و مسکوت تصور خواهید نمود . امید است که همینطوری که دولت ایران ساعی است حتی‌الامکان با اظهارات دولت انگلیس موافقت نماید، آن دولت هم از حسن نیت دولت ایران نسبت به خود قدردانی خواهد نمود .

(امضا و مهر) علاء السلطنه - محمدعلی

ملفوف ۳ نمره - ۲۱۵

مضمون ترضیه شفاهی وزیر دربار و وزیر امور خارجه

برای بی‌احترامی که بواسطه محاصره سفارت اعلیحضرتی شده است.

بر دولت علیه ایران با تأسف زیاد مفهوم گردیده که در موقع اجرای اقداماتی که برای استقرار نظم و حفظ امنیت اهالی پایتخت معمول گردید بعضی از مأمورین جزو، در حین انجام وظایف خود مرتکب بعضی اعمال غیر محترمانه که مخالف با دستورالعمل‌هایی بوده که به ایشان داده شده است نسبت به سفارت محترمه اعلیحضرت پادشاه بریطانیا شده‌اند . اعلیحضرت پادشاهی بنابراین از رفتار مأمورین خود بسیار دلتنگ شده و مرا مأمور نموده‌اند که از طرف خود برای وقوع این حوادث که بهیچوجه من‌الوجه با احساسات دوستانه آن اعلیحضرت نسبت به انگلستان موافقت نداشته اظهار تأسف صمیمانه بنمایم .

طهران ، ماه ژوئیت ۱۹۰۸

[تیر و امرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲ ج و رجب ۱۳۲۶]

ملفوف نمره ۲۱۵

ترجمه دستخط شاه راجع به تأمین جان و اموال
اشخاص پناهندگان سفارت اعلیحضرتی.

وزیر امور خارجه

چون بعضی از تبعه ایران از رفتار و کردار سابق خود ترسیده و در
سفارت انگلیس پناهنده شده‌اند ما محض احترام آن سفارت خطاهای گذشته آنها را
بخشیده و به موجب این دستخط اعلان می‌نماییم که اشخاصی که اسامی آنها در صورتی که
سفارت داده‌اند مذکور است از حیث جان و مال و شخص خود امنیت داشته و خود
را از خطایای گذشته معاف بدانند.

بعضی از آنها که مصدر شرارت هستند با وجود آنکه خطاهای گذشته آنها بخشیده
شده باید لزوماً تا مدتی از مملکت خارج شوند. شما باید آن صورت را به ما ارائه نمایید
تا آنکه مدت غیاب هر یک را تعیین نماییم.

نمره - ۲۱۶

مکتوب مستر او برن به سرادواری (واصله ۴ اوت)

سنت پترزبورغ، ۲۵ ژوئیت ۱۹۰۸
[۳ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۶]

آقا

در ۲۲ شهر جاری وزیر امور خارجه از بابت حوادث تبریز بسیار اظهار تشویش نموده
گفت وضع هرج و مرجی که آنجا در پیش است پراز خطر می‌باشد. هنوز کسی تاکنون
مزاحم جنرال قنسل روس نشده و اجتماع مردم احتیاط داشتند که بر اجانب حمله نشود
ولی وثیقه به دست نیست که چنین اقدامی به وقوع نرسد.

مسیو ایزوالسکی سپس از خسارات عظیمه که به علت دوام اغتشاشات به تجارت روس
وارد آمده مذاکره نمود و اظهار داشت که با آنکه دولت روس نمی‌خواهد، اوضاع ممکن
است طوری شود که آن دولت مجبور به مداخله گردد. مسیو ایزوالسکی تکرار نمود
که دولت روس میل مداخله ندارد و این کار را فقط در صورتی که اوضاع آن را ناچار
نماید خواهد کرد و در هر صورت بدون آنکه قبلاً با دولت اعلیحضرتی مشورت نماید عمل
نخواهد نمود.

دیروز وزیر امور خارجه را مجدداً ملاقات نموده در خصوص این مطلب مذاکره نموده
اظهار داشتیم که آنچه آن جناب در ۱۲ شهر جاری به من عنوان نموده بودند اسباب
تشویش خیال من شده. من اینطور فهمیده بودم که در ضمن مذاکراتی که مابین ایشان و وزیر
مختار اعلیحضرتی واقع گردید طرفین اینطور قرار داده بودند که تا زمانی که حفظ جان
و مال تبعه روس و انگلیس مراعات می‌شود در امور ایران مداخله نخواهند نمود و جناب
ایشان الحال از خساراتی که به تجارت روس وارد آمده صحبت می‌نمایند. هرگاه دولت

روس می‌خواهند هر موقعی که خسارتی به تجارتشان وارد می‌آید از روی اصول مداخله عمل نمایند این کار عاقبت وخیمی خواهد داشت. مسیو ایزوالسکی در جواب مرا اطمینان داد که دولت روس در این خصوص بهیچ وجه در پولتیک خودتغییری نداده‌اند و آخرین چیزی که آن دولت طالب هستند مداخله در امور ایران است و چیزی که باعث این اقدام خواهد شد فقط خسارات بسیار عظیمی است که به تجارت روس وارد آید. من نیابستی از کلماتی که در ۲۲ شهر جاری [۳۱ تیر؛ ۲۳ ج ۲] اظهار داشته‌اند تعبیر کنم که دولت روس صریحاً در خیال مداخله می‌باشند و ایشان فقط می‌خواسته‌اند که مرا از خوف اینکه مبدا اوضاع طوری شود که اقدام به این کار را ناچار و لاعلاج نماید واقف سازند.

(امضا) هیواوبرن

نمره - ۲۱۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۸ اوت)

طهران ، ۸ اوت ۱۹۰۸

[۱۷ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۶]

مهیجین انقلاب که در قلهک بودند به استثنای ۱۲ نفری که امید خارج شدن آنها را يك یا دو روز دیگر دارم، دیروز رفتند.

نمره - ۲۱۸

مکتوب سرادوردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۳ اوت ۱۹۰۸

[۲۲ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۶]

آقا

مراسلات شما که حاوی شرح کلیه حوادث مربوط با کودتای اخیر در ایران بود واصل گردید.

قرائت مراسلات مذکور برای من بسیار سودمند بود و لازم است که شما را مستحضر دارم که دولت اعلیحضرتی اشکالاتی را که در ضمن وقوع حوادث مرقومه شما را دوچار نموده بخوبی شناخته و ثبات و تحملی را که شما در مورد اوضاع بسیار ناگواری که متعاقب هم پیش آمده بخرج داده‌اید صمیمانه می‌پسندند.

(امضاء) گری

نمره - ۲۱۹

مکتوب مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۱۷ اوت)

قلهك ، غرة اوت ۱۹۰۸

[۱۰ مرداد ۱۲۸۷؛ ۳ رجب ۱۳۲۶]

آقا

پیشنهاداتی را که مستشار مالیه روز ۲۶ و مجدداً روز ۲۷ شهر گذشته پس از آنکه با وزیر مالیه مفصلاً مذاکره نموده به سفیر روس و من ارائه نمود هنوز صورت قطعی حاصل ننموده‌اند ولی می‌توانم گمان کنم يك نظر عمومی در آن بیفایده نخواهد بود.

مسیو بیزو مخصوصاً اصرار بر لزوم تزئید اختیارات وزیر مالیه که فعلاً دارای هیچگونه اختیاری نیست دارد. در تحت سیستم موجوده وزیر مالیه بر عایداتی که وصول می‌شود کنترل کمی دارد یا آنکه هیچ ندارد و باستثنای عایدات گمرکی خزانهدار دیگری مستقلاً سایر عایدات را اسماً به وجه نقد تبدیل می‌نماید و حساب وجوهاتی که به این شخص داده می‌شود ظاهراً بهیچوجه گرفته نمی‌شود و این شخص چنانچه می‌نماید مختار است که از مأمورین ایالات و ولایات پرداخت عایداتی را که آنها مسؤل وصول آن می‌باشند طلب نماید و اسماً این یکی از وظایف مستوفیان است مستوفیان چنانچه تصور می‌شود محاسبات دولت را به يك طریق درهم برهمی که مخصوص خودشان است نگاه داشته و يك قسمتی از وظایف آنها اینست که عمل معاملات مالی حکومت مرکزی را با مأمورین محلی تصفیة نمایند. برای انجام این مقصود در هر يك از مراکز ایالات و ولایات يك نفر مستوفی اقامت دارد و او هم مثل یکی از همکاران طهران خود مخصوصاً موظف به تصفیة معاملات مالی آن ایالت است. از قرار معلوم تمام اینها متقلب و بدعمل می‌باشند ولی تازمانی که يك قسم حسابی - که هیچکس نمی‌تواند بغیر از خودشان آن را بفهمد یا از صحت و عدم آن واقف شود - از وجوهاتی که تصوراً وصول می‌نمایند می‌دهند ، از آنها تحقیقی نمی‌شود. در واقع ظاهراً هیچکس قوه این را ندارد که در مقام تحقیق از آنها برآید مگر اشخاصی که داخل کار بوده پرده بر روی اعمال خود کشیده‌اند.

مسیو بیزو می‌خواهد خزانهدار و مستوفیان را بالتامه اخراج نموده و يك کمیته کنترل که اسماً در تحت وزارت مالیه تشکیل دهد در واقع به قصد نظارت اعمال وزیر مالیه این کمیته را تعیین می‌نماید. در حقیقت این کمیته هیئت مشاوره خواهد بود که بدون رضایت آنها وزیر اقدامی نمی‌تواند بکند اما از بابت تشکیل وزارتخانه مسیو بیزو را عقیده بر این است که آن را از روی يك نقشه بسیار ساده تشکیل دهد چرا که هرگاه از روی يك نقشه فی الجمله درهمی باشد ابواب تقلب و مغالطه کاری مفتوح خواهد گردید. مسئله عایدات ایران بسیار ساده است و در واقع منحصر به مالیات واردات گمرکی است اگر چه چند منابع کوچکتر هم موجود است. مبلغ مالیات هرایالتی معلوم است و می‌توان آن را میزان کار در ابتدا قرار داد اگر چه فیما بعد ممکن است جدیداً ممیزی شده بدانواسطه عایدات زیادتر و بزرگتری چنانچه تصور می‌شود بدست آید. بنابراین اینطور

معلوم می‌گردد که در تشکیل يك شعبه عایدات در صورتی که يك نفر مأمور متدین ریاست آنرا به عهده بگیرد اشکالی نخواهد بود اما از حیث مصارف ترمیمات زیادتری لازم است بشود. تاکنون چیزی که بتوان اسم آنرا بودجه گذارد در کار نبوده. مسیو بیزو سعی داشته است معنی بودجه را بفهماند ولی به مقصود خود نائل نگردیده. مأمورین وزارت مالیه تصدیق دارند که عایدات و مصارف باید مساوی باشند ولی می‌گویند در صورتی که مبلغ عایدات گمرکی غیر معلوم است چطور می‌شود این کار را کرد و بحث آنها این است که عایدات گمرکی را باید خارج از موضوع بودجه قرار داده و از مصارف عادی کم نمود تا به میزان مالیات و سایر منابع عایدات ثابت برسد. از قرار معلوم این کار را تا همین اواخر معمول داشته‌اند و اضافه عایدات گمرکی را پس از وضع مصارفی که به آن تعلق می‌گرفته تصور می‌نموده‌اند يك وجه فوق‌العاده‌ای است که از آن باید همه نوع مصارف غیر مترقبه را بدون اینکه کسی تصویب نماید بپردازند. مسیو بیزو را عقیده بر این است که بتوان از روی آن يك بودجه موقتی تهیه نمود. او بعلاوه پیشنهاد می‌کند که گمرکات و ضرابخانه باید در تحت وزارت مالیه باشند.

واضح است که موفقیت او در اعمال این نقشه چنانچه خود او هم تصدیق دارد کاملاً بسته به اشخاص و اختیارات کمیته کنترل خواهد بود. مسیو بیزو را عقیده بر این است که می‌تواند دویاسه نفر از ایرانیان متدین را برای این کار نامزد نماید ولی از قرار معلوم وجود يك نفر اروپایی در کمیته‌ای که در مدنظر است برای اینکه جدیت لازمه را بخرج داده وسیله اداره امور بطور تدین شود ناگزیر خواهد بود.

ولی حتی اگر تصور کنیم که کمیته‌ای موافق دلخواه تشکیل گردیده و برای دوام آن تأمینات صحیح به دست آید این مسئله مشکل هنوز باقی خواهد ماند که پرسنلی که برای اداره کردن يك اداره مالیه‌ای که نسبتاً بتواند امورات را به کفایت بگذراند از کجا می‌توان پیدا کرد. بر من شخصاً یقین است که این کار تقریباً غیر ممکن خواهد بود مگر آنکه عده‌ای از مأمورین که مسئولیت کارهای عمده داشته باشند اروپایی باشند. گمان من این است که مسیو بیزو هم رویهم رفته با من هم خیال است.

روزی ام مسیو بیزو به حضور شاه مشرف شده نقشه رفورمی را که در مد نظر داشت به آن اعلیحضرت ارائه نمود. شاه بهیچوجه اعتراضی ننموده و بسیار اظهار همراهی و معاونت مخصوصاً برای تشکیل کمیته کنترل به او نمود. مسیو بیزو از روی دقت برای آن اعلیحضرت توضیح نمود که آنها مسئله کمک نمودن به ایران را در این موقع اغتشاش فعلی مالیه آن دولت در تحت ملاحظه نخواهند آورد مگر آنکه وثیقه معینی بدست باشد که عمل رفورم با جدیت تمام تعقیب خواهد شد. مسیو دوهارت ویک را عقیده بر این است که شاه این مسئله را کاملاً درک می‌نماید.

اما از بابت درباریان و وزرا خیلی احتمال می‌رود که حاضرند شاه را نصیحت نمایند هرگونه شرایطی را که برای پرداخت مساعدت دولتی پیشنهاد نمایند قبول نمایند. هیچ گفتگویی نیست که پول جداً لزوم پیدا کرده و مادامی که دولت ایران برای حصول آن متشبث به هر نوع اقدامات گردیده است مثلاً بواسطه مساعدت گرفتن از بابت

عایدات گمرکی یا در آوردن پول از اشخاص معتبر مشروطه‌خواه یا استقراض از اهل بازار در مقابل سودخانه‌خراب کن هیچ اقدامی نمی‌شود که دولت در معاملات بسیار معلومه به حق خود برسد. برای نمونه ممکن است مذکور دارم که اداره ضرابخانه کلیه نقره‌ای [را] که به آن داده می‌شود سکه می‌زند ولی منافع بسیار عمده آن - یحتمل صدی ده - به کیسه دولت نرفته بلکه به جیب مدیر ضرابخانه که حساب اداره خود را پس نمی‌دهد می‌رود. در واقع هیچکس نمی‌داند که آیا ضرابخانه یا تلگرافخانه از زوی قانون اداره می‌شود یا اینکه به اجاره داده می‌شود و فقط به یک چیز می‌توان یقین حاصل نمود و آن تقلبی است که به دولت می‌شود.

اعتبار دولت آنقدر بد شده که بانکهای روسی و انگلیسی مطلقاً بی‌میل هستند که حتی بطور موقت به ضمانت گمرکات وجه مختصری برسانند.

می‌ترسم مسئله رفورم برای آن مقصودی که در بردارد قبول نشود و فقط برای آنکه در مقابل آن پول بدست آورند قبول می‌کنند و ما باید منتظر بوده بینیم چطور تا پول میسر گردد هرگونه تلاش برای تلف کردن آن و احتراز از رفورم بعمل خواهد آمد. هرگاه یک نتیجه مفیدی از این اقدام باید گرفته شود وثیقه‌های بسیار سخت و جدی لازم است و این کار به عهده مسیو بیزو خواهد بود که طرح شرایط لازمه را بریزد. او فعلاً مشغول تحقیق است اقل مبلغ مساعده‌ای که برای رفع اشکالات حالیه دولت لازم است چقدر خواهد بود و به چه نحو بهتری می‌توان آنرا بدست آورد که غیر از برای مقاصد مشروعه طور دیگری به مصرف نرسد.

چارلتر مارلینگ

نمره - ۲۲۰

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۱۷ اوت)

قلهك ، غره اوت ۱۹۰۸

[۱۰ مرداد ۱۲۸۷؛ ۳ رجب ۱۳۲۶]

آقا

در تلگرافات خود بطور اختصار راپورت اشکالاتی را که در ترغیب عده‌ای از بستیه‌های سفارت به ترك آنجا حتی پس از وصول دستخط شاه مبنی بر تأمین جان و مال آنها که به آن برخورده‌ام داده‌ام عده کمی که قبل از این خارج شدند در واقع بستی نبودند بلکه اشخاصی بودند که در موقع تعیین عساکر دور سفارت برای کارآمده قصد دیگری نداشتند و از ترس دستگیری نخواستند بودند از آن مأمن خارج شوند و یکی دو روز پس از برداشتن قراولان رفتند.

همینکه دستخط شاه به من رسید مستر اسمارت آنرا برای بستیه‌ها قزائم نموده اکثر آنها راضی شدند که فوراً خارج شوند ولی قریب بیست نفر آنها بنای اشکال‌تراشی را گذاردند. ابتدا از رفتن اظهار بی‌میلی نمودند به این علت که مگر آنکه سفارت به آنها نوشته

بدهد به این مضمون که این اشخاص از جمله کسانی هستند که این دستخط در مورد آنها صادر شده به قول شاه اعتماد نتوانند کرد. البته برای این عنوان بهانه‌ای داشتند چرا که با وجودی که اعلان عفو عمومی داده شده بود عده‌ای را به جهات صرف پلتیکی دستگیر نموده بودند. من بسیار بی‌میل در دادن چنین نوشتجات بودم چرا که خطر داشت آنها را سوءاستعمال نمایند ولی از آنجایی که راه دیگری برای ترغیب آنها به رفتن از آنجا به نظر نمی‌رسید من بالاخره مصمم شدم که به آن اشخاصی که واقعاً خود را در خطر می‌پنداشتند نوشته مزبور را بدهم.

عبارت این نوشته را بطور دقت نوشتم به این مضمون که حامل به این اسم و شغل و محل سکونت صحیح جزو پناهندگان سفارت می‌باشد. قبل از آنکه این نوشته را بدهم یا وزیر امور خارجه در این باب مشورت نموده و او اظهار داشت که چنین نوشته به این ترتیب مورد اعتراض واقع نخواهد گردید.

با وجود این بستیه‌ها هنوز در رفتن ابراز بی‌میلی زیاد می‌نمودند و آنچه به آنها از طرف مستر اسمارت و مفتاح السلطنه و مستر چرچیل هرروزه و تقریباً ساعت به ساعت اصرار می‌شد و محاجه می‌نمودند تا یکی دو روز تغییر خیالی برای آنها پیدا نشد. کم می‌توان شك داشت از اینکه آنها هنوز می‌ترسیدند ولی پس از آن بر من حتم شد که مقاصد پلتیکی هم در اذهان آنها نفوذی داشته. من بنابر این مستر اسمارت را دستورالعمل دادم که با لسان جدی‌تری با آنها مذاکره نموده حتی تا این اندازه که به آنها اشاره نماید که چون سفارت نمی‌تواند آنها را به جهات پلتیکی اجازه توقف دهد من حسب الامکان لزوماً اقدامات سخت‌تری برای اخراج آنها خواهم نمود. من امیدوارم که از دستورالعملهای خود تجاوز ننموده باشم.

این اعلان اگر چه فوراً نتیجه‌ای از آن بروز ننموده ولی بالاخره منتج ثمری گردیده و روز ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۷ج ۲-۱۳۲۶] فقط از بستیه‌ها ده نفر در سفارت بیشتر نبودند یعنی همان شش نفری که شاه می‌خواست از مملکت خارج شوند و چهار نفر دیگری که می‌بایستی به آذربایجان معاودت نمایند.

اما از بابت شش نفر اولی ابتدا شاه درخواست نمود که تقی‌زاده بایستی به مدت ده سال و بهاء‌الواعظین و اعظ پنج‌سال یکی از مدیران جرائد ۷ سال و دیگری ۸ سال از ایران خارج باشند. ولی چون من به این مدت‌های طویل که يك مجازات بسیار سخت نفسی از مملکت بود و با شرایط دستخط که عفو عمومی به تمام مهیجین پلتیکی و مخصوصاً به پناهنده‌گان سفارت اعلی حضرتی داده بودم مطابقت نداشت اعتراض نموده بودم. این مدت‌ها سپس بقرار ذیل تخفیف داده شد:

۱/۵ سال

۱/۵ سال

۱ سال

۱ سال

۱ سال

تقی‌زاده

بهاء‌الواعظین

میرزا علی اکبرخان

صدیق‌الحرم

سیدحسن

معاضداً السلطنه به بهانه علت مزاج به میل خود از ایران خارج شد و مدتی برای او تعیین نشد. چهار نفر دیگر قرار شد به اوطان خود معاودت نمایند. من لازم نیست از شرح مذاکرات مطول تکدر آمیزی که منتهی به حرکت باقی پناهندگان در تاریخ ۱۸ و ۱۹ ژوئیت [۲۷ و ۲۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۹ و ۲۰ ج ۲-۱۳۲۶] در کالسکه‌های دولتی برای اتزلی شد به شما زحمت دهم. لازم بود که برای مخارج مسافرت و سایر مخارج آنها ترتیب پولی داده شود که شاه به آنها بدهد و ترتیب این کار آخر الامر داده شد. پناهندگان دوباره بسیار از حق خود تجاوز کرده و بعضی از آنها درخواست نمودند که شاه باید در مدت غیاب خود از ایران مبلغی کمک خرج به آنها بدهد. من طبعاً از استماع این عنوانات بی میلی نمودم و به اشکال زیاد آخر الامر بر مقاومت‌های آنها فائق آمدم. اگر در مورد تقی‌زاده از انصاف نگذریم لازم است بنویسیم که این شخص در تمام مدت توقف خود در سفارت با اشتیاق تمام با کوششهای مستر اسمارت در حرکت دادن بستیها همراهی نمود.

بستیها بالاخره دو دسته شده در ۱۸ و ۱۹ ژوئیت حرکت کردند و یک مأمور از طرف وزارت خارجه و یک غلام سفارت با هر دسته همراه بود. همراهی مستر اسمارت در تمام مدت بسیار ذی‌قیمت بوده و سزاوار هرگونه تمجید است.

مفتاح السلطنه که نشان «ک.سی.ام.جی» را داراست و رئیس اداره انگلیس وزارت امور خارجه است واسطه مذاکرات با شاه بود. ترتیب شرایط ترضیه و دستخط توسط او بعمل آمد و مذاکرات ثانوی در خصوص حرکت باقی پناهندگان از ایران بوسیله او انجام گرفت. همراهی او و علاء السلطنه وزیر امور خارجه که در تمام این مدت ابراز حسن نیت کامل نموده و از هرگونه مساعی برای فیصله عاجل امور دریغ نمودند خارج از اندازه مفید می‌باشد.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۴۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری، مورخه ۱۹ ماه اوت [۲۸ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۶] از سن پترزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه امروز در خصوص ایران بامن صحبت داشت و پیشنهاد نمودند که خوب است به شاه متفقاً یادآوری بشود که او باید در تاریخ معینی مجلس را باز نموده و به قولهایی که در دستخط خود داده عمل نماید.

ایشان گمان نمودند که بهتر آن است که این اقدام در موقع ورود سربار کلسی به طهران در اواخر ماه سپتامبر بشود و بعلاوه گفتند که ایشان در این موقع ذکری از این پیشنهاد نمودند برای اینکه شما موقع دقت نظر در آن را داشته باشید. من در جواب گفتم که پیشنهاد مذکور را برای شما خواهم فرستاد در صورتی که شما

پیشنهاد مسیو چریکف را قبول نمایید . من از ایشان خواهش نمودم که مضمون پیشنهاد را بنویسند و بعد برای شما خواهم فرستاد تا اینکه اگر شما مایل به تغییری در آن باشید اظهار نمایید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۲۲

تلگراف سرادواری به مستر مارلینگ ، مورخه ۱۹ اوت

[۲۸ مرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۶]

از وزارت خارجه، لندن

دو سال است که وزیر مختار از این دربار حرکت کرده و يك سال و نیم است که شاه (انگلیس) تمین احتشام السلطنه را به این مقام قبول نموده است . حالا ما می شنویم که شاه (ایران) بدون اینکه کس دیگری را پیشنهاد نماید این انتخاب را تغییر داده است. دولت اعلیحضرتی منتظرند که بیش از این دیگر در انتخاب شخصی تعویق روی ندهد و به نظر ایشان این حرکت شاه به منتهای درجه برخلاف ادب است.

نمره - ۲۲۳

تلگراف سرادواری به سر نیکلسن ، مورخه ۳۰ ماه اوت

[۷ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۲ شعبان ۱۳۲۶]

از وزارت خارجه، لندن

من به پیشنهاد مندرجه در تلگراف ۱۹ این ماه شما موافق و شما مجاز هستید که از کفیل وزارت امور خارجه خواهش نمایید که مراسله متفقانه به شاه رابه همان طریقی که مقرر شده ترتیب دهند.

نمره - ۲۲۴

تلگراف سر نیکلسن به سرادواری ، مورخه ۲۲ ماه اوت

[۳۱ مرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۶]

از پترزبورغ

زاجع به تلگراف ۲۰ این ماه شما : مسیو چریکف به من اطلاع می دهد که او ترتیب مراسله را خواهد داد که نمایندگان دولتین در موقع لزوم برای شاه بفرستند . در جواب من گفتم که بعد از اینکه دولتین روس و انگلیس مضمون مراسله را تصویب نمودند آنوقت دولتین در طهران باهم شور خواهند نمود که در چه موقع در صورت لزوم فرستادن مراسله بهتر خواهد بود.

نمره - ۲۲۵

مراسله مستر مارلینگ به سرادواردگری، ۱۰ ماه اوت

[۱۹ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۶]

از قلهك

آقا

افتخار دارم که لفاً سوادى از يادداشتى که بروفق دستورالعمل شما در خصوص توقيف وجه استهلاك سه ساله قرضه ۱۹۰۳-۴ به وزير امور خارجه نوشته انفاد دارم.
(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف در نمره ۲۲۵

مراسله مستر مارلینگ به علاءالسلطنه به تاريخ ۲۵ ژويه ۱۹۰۸

[۳ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۶]

از قلهك

حضرت اشرفا

بموجب يادداشت ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۷ [۸ شهريور ۱۲۸۶؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۵] سفير اعليحضرتى افتخار داشت که به حضرت اشرف شما اطلاع بدهد شروطى را که، بهموجب آن شروط، دولت اعليحضرتى حاضر است که قبول خواهش دولت عليه ايران را راجع به توقيف وجه استهلاك سه ساله قرضه ۱۹۰۳-۴ بنمايد.

جوابى به يادداشت مذکور داده نشده ولى وجهى هم از اصل قرضه تا به حال پرداخته نشده وبعلاوه در پرداخت فرع هم تعويقى حاصل گرديده است.

دولت اعليحضرتى به جهات مذکوره فوق تصور نمود که شروط مقرره را دولت ايران قبول نموده است. لهنذا بر وفق دستورالعمل از دولت متبوعه خود من وزير امور خارجه سابق را از نظريات دولت متبوعه خود مطلع ساختم.

در جواب يادداشت ۲۴ فوریه که در آن مطلب مذکور مندرج بود جناب مشيرالدوله به من اطلاع داد که جواب يادداشت سراسپرینگ رايس به همين زودبها، فرستاده خواهد شد. هرچند که پنج ماه است که از آن تاريخ گذشته ليکن تا به حال جواب يادداشت مذکور براى من نرسیده است و اکنون از وزير امور خارجه دولت اعليحضرتى براى من تعليماتى رسیده که حضرت اشرف شما را مطلع بسازم که بواسطه نرسيدن جواب معهود ونظر به اين که فرع قرضه به عهده تعويق افتاده و بعلاوه از تاريخ ۴ ماه آوريل ۱۹۰۶ [۱۴ فروردين ۱۲۸۵؛ ۹ صفر ۱۳۲۴] تا به حال ابدأ از وجه استهلاك پرداخته نشده است لهنذا دولت اعليحضرتى بهيچوجه اجازه نخواهند داد که بعد از اين مذاکراتى در شرايط پيشهاديه مندرجه در يادداشت فوق الذکر سر اسپرینگ رايس بشود.

نمره - ۲۳۶

مراسله مستر مارلینگ به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ اوت

از قلحك

[۲۱ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۶]

آقا

من افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته آخر ایران را بطور معمول انفاذ

(چارلز مارلینگ)

دارم .

ملفوف در نمره ۲۳۶

مجمعل حوادث ماهیانه ایران

اوضاع عمومی

شاه در باغشاه متوقف است. در آنجا تدارکات برای توقف طولانی او دیده می شود. امیر بهادر که ملقب به لقب سپهسالاری و به مقام وزیر جنگی معین گردیده است خیلی ظاهراً قادر است هر چند که از اقدامات ملیین از تاریخ ۲۲ ژون [۱ تیر؛ ۲۲ ج ۱] تا بحال جلوگیری شده و فقط مقاومت جدی از طرف اهالی تبریز بعمل آمده و آنها هنوز هم جنگ می نمایند ولی نشانه هایی مشاهده می شود که در آتیه اقدامات ملیین از نو شروع خواهد شد. علمای نجف علیه شاه رأی داده و هر چند که تلگرافات آنها توقیف شده است ولی اخبار آنرا مردم عموماً مطلع اند.

اثر اخبار از عثمانی خیلی زیاد نبوده ولی بعد از این مؤثر واقع خواهد گردید. در این بین از قرار معلوم شاه دچار اشکالات مالی است و مسیو بیزو فعلاً مشغول نقشه ای است که شاید بعد از این اصلاحاتی کرده بشود. سبب عمده خالی شدن خزانه، تدارکات فوق العاده نظامی و فرستادن قشون به آذربایجان است.

(امضا) چرچیل، منشی السنه شرقی

اورمیه

مستر رتیس لو [راتیسلا] راپورت می دهد که کودتای شاه ابدآ اثری در اورمیه نبخشید و اظهار می دارد که با وجود فائقیت موقتی، شاه نمی تواند که در آذربایجان بطور دلخواه خود حکمرانی نماید.

مشهد

حزب ملیین شهر شکست خود را قبول نموده و ابدآ خیال جنگ را ندارند.

تربت حیدری

مردم خبر کودتا را بدون تالم یا خوشحالی پذیرفتند.

اصفهان

ظاهرآ شاه هیج طرفداری در اصفهان ندارد ولی با وصف این رؤسای ملیین خیلی در وحشت هستند.

اقبالالدوله که به جای علاءالملک به حکومت معین گردیده هنوز وارد نشده است. ممکن است اشخاصی که برای خود خطری تصور می نمایند در موقع ورود او به ژنرال قنصلخانه متحصن شوند.

ظاهرآ آقا نجفی برای شاه کار می کند ولی برادر او آقانورالله علناً اظهار داشت که یکی از دستخطهای شاه برخلاف مذهب و آزادی است.

نایبالحکومه اقبال الدوله در ۱۹ ماه ژویه [۲۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ج ۲-۱۳۲۶] به اصفهان وارد شد.

در ۸ ماه اوت [۱۷ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۶] او به رئیس خود در طهران تلگراف مخبره نمود که تلگرافی از رؤسای علمای نجف واصل گردیده و آن تلگراف را به درب یکی از مساجد چسبانیده بودند. مفاد تلگراف مذکور این است که هر کس به راه آزادی و مشروطیت کشته شود مثل شهدای کرب و بلا [کربلا] می باشد. تلگراف را سربازان از درب مسجد پاره نمودند ولی نایبالحکومه تقاضای استرداد نموده بود بواسطه اینکه او می ترسید که شاید بلوای فرام آید.

آقا نورالله از روی منبر مردم را اصرار نمود که دکانهای خود را ببندند ولی نایبالحکومه توسط جارچی به مردم اخطار نمود که هر دکانی که بسته باشد سربازان او را غارت خواهند نمود.

یزد

انتظام الملک از حکومت معزول گردید ولی او دو مرتبه بواسطه استدعای مردم از شاه به حکومت برقرار گردید. از تاریخ اواخر ماه ژون راه یزد به نائین نا امن بوده دزدی از قوافل و پست شده و راه بواسطه عدهای از سارقین سواره مسدود شده است. کلیه رفت و آمد پست بهم خورده است و حکومت هم ظاهرآ هیچ اقدامی نمی کند.

سلطان آباد

ویس قنصل اعلی حضرتی در ۶ ماه ژون [۱۶ خرداد ۱۲۸۷؛ ۶ ج ۱-۱۳۲۶] راپورت داد شش انجمن سیاسی در سلطان آباد است و هر کدام از اینها می خواهند که شهر را اداره نمایند. حکومت قدرتی ندارد و رؤسای این انجمنها علمائی هستند که می خواهند حسیات علیه اروپاییها را مابین مردم تولید نمایند.

برای کمپانی زیگلر خیلی مشکل شده است که مبلغ سی هزار لیره ای را که به کارخانه های قالی باقی به رسم مساعد و پشم داده دریافت نماید.

شیراز

در اول ماه ژویه [۱۰ تیر ۱۲۸۷؛ ۲ ج - ۱۳۲۶] پاتزده نفر توپچی برای دریافت حقوق يك ساله عقب افتاده خود از دولت ایران به قنصلخانه اعلیحضرتی متحصن شدند؛ بعد پس از اینکه قول به آنها داده شد که مواجب آنها پرداخته خواهد شد ما آنها را وادار نمودیم که از قنصلخانه خارج شوند.

سرتیپ فوج چهارم حال هم به قنصل اعلیحضرتی اظهار نمود که ممکن است فوج او هم برای همین مقصود در قنصلخانه تحصن اختیار نمایند.

جنگ مابین ده کمارج و دالکی که در موقع حکومت ظل السلطان موقوف شده بود مجدداً در ۶ ماه ژویه [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۶] شروع گردید.

هیچ امیدنظم در این راه برده نمی شود مگر در تحت فرمانفرمای مقتدری.

هرچند که شیراز خاموش مانده است ولی کلیه ایالت فارس در حال بی نظمی است و از هر طرف راپورت سرقته داده می شود. کازرون در حال محاصره است. نزاع مابین خان کمارج و میرزا کاریزخان نایب الحکومه سابق است. شخص ثانی به قنصلخانه اعلیحضرتی در شیراز متحصن شده است.

در عرض مدت ۴ الی ۲۵ ماه ژویه اعراب پست طهران را چهار مرتبه سرقته نمودند و راه اصفهان هم خیلی ناامن است.

شیرازها تعیین آصف الدوله را به حکومت بواسطه عدم موفقیت او سابقاً در حکومت شیراز استهزاء می نمایند. سردار فیروز نایب الحکومه در ۱۶ ماه ژویه وارد گردید. (امضا مازور استوکس، آتاشه میلیر)

نمره - ۲۴۷

مراسله مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۱۲ اوت ۱۹۰۸

[۲۱ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۶]

از قلهک

آقا

در اتمام مراسله غره این ماه خود افتخار دارم از راپورت اینکه در ۶ این ماه مسیویزو به باغ شاه احضار گردید. محض اینکه طرحی را که او برای اصلاح وزارت مالیه پیشنهاد نموده بود به صدراعظم حالی نماید.

نتیجه ملاقاتی که بیش از دو ساعت طول کشید بی ثمر بود. بغیر از مشیرالسلطنه دوسه وزیر دیگر در این ملاقات حضور داشتند. امیر بهادر جنگ هم که شخص او دارای دوشغل عمده که یکی آن سپهسالاری و دیگری وزارت جنگ بود گاه گاهی حضور بهم می رسانید. او پیش از اینکه تقاضای وجوهات فوری نماید شرکتی در مذاکرات نداشت.

باعث زحمت است که من تمام جزئیات حکایتی را که مسیو بیزو برای من نقل کرده برای شما بنویسم. همینقدر اظهار این مطلب کافی است که باستثنای علاءالسلطنه که در

آخر مذاکرات وارد شد تمام وزرا و درباریهائی که حضور داشتند از صحبت آنها چنین معلوم می‌گردید که آنها فقط از مسیو بیزو انتظار داشته که او به يك وسیله پولی فراهم نموده و به آنها برای حیف و میل بدهد.

بالاخره مسیو بیزو توانست که صورتی از مصارف خیلی لازم فوری دولت ایران را تحصیل نماید.

صورت از قرار ذیل است:

اصلاح قشون ، مخارج قورخانه، خرید چادر، و سایر مخارج ، لوازم نظامی	۵۰۰،۰۰۰ تومان
حقوق پس‌افتاده قشونی و حقوق هذمه‌السنه و قیمت ملبوس قشونی	۵۰۰،۰۰۰ تومان
ساختن قلاع در سرحدات آذربایجان و آستارا و کرمانشاه و سیستان و بلوچستان	۳۰۰،۰۰۰ تومان
پرداخت حقوق دیوانی که بواسطه انقلابات اخیره پرداخته نشده	۲۰۰،۰۰۰ تومان
تتمه پرداخت قیمت تفنگ و غیره که مرحوم مظفرالدین‌شاه خریده و خرید تفنگ و فشنگ جدید	۵۰۰،۰۰۰ تومان
جمع کل	» (۲،۰۰۰،۰۰۰)

این مبلغ که تقریباً ۴۰۰،۰۰۰ لیره می‌شود مطابق است با مساعده‌ای که مادر سال ۱۹۰۶ خیال داشتیم به دولت ایران پردازیم.

بطوریکه مسیو بیزو اظهار داشت این درآمد عجیب بدون شك کار امیر بهادر جنگ است که از این مبلغ دو میلیون تومان، يك میلیون و هشتصد هزار تومان آن به جیب او خواهد رفت.

در حینی که مسیو بیزو نزد من بود خبر آوردند که قوام‌الدوله وزیر مالیه برای ملاقات من آمده‌است. بنابر خواهش من مسیو بیزو هم توقف نمود. پس از قدری صحبت وزیر مالیه به مسیو بیزو اظهار نمود که صورت را ارائه بدهد و از من سؤال نمود که عقیده‌شما در این خصوص چیست. من در جواب از ایشان سؤال نمودم که آیا واقعاً شما منتظرید که من بطور جدی دقت نظری در این صورت بنمایم. دولت ایران از ما تقاضا می‌نماید که مبلغ زیادی به او پردازیم در صورتی که مبلغ کثیری وجه به دست امیر بهادر جنگ بدون هیچ نوع ضمانتی از ترتیب صحیح مصارف آن داده خواهد شد و مابقی آن را هم برای حقوقهای تقلبی بی‌فایده صرف بشود [خواهند کرد]. من کمال اطمینان را دارم که در صورتی که من آن پیشنهاد را برای دولت متبوعه خود ارسال بدارم دولت من بر آن پیشنهاد ابداً وقعی نخواهد گذاشت در صورتیکه من ابداً حاضر فرستادن هم نیستم. به عقیده من مقصود از این پیشنهاد هیچ چیز نیست جز اینکه امیر بهادر جنگ و رفقایش می‌خواهند کیسه خود را مثل زمان سابق پر کنند و جناب وزیر باید آگاه باشند که دولت

اعلیحضرتی هیچوقت دولت ایران را کمک برای تهیه پولی از جهت همچو مقصودی نخواهد کرد.

بعلاوه من اظهار تأسف می نمودم از اینکه دولت ایران از قرار معلوم هیچوجه خیال ندارد که اصلاحی در مالیه خود نماید.

قوامالدوله قدری مضطربالحال گردیده و بعد دلیل آورد که کمیسیونی که مسیو بیزو خیال دارد در وزارت مالیه تشکیل بدهد خود يك نوع ضمانت کافی است که در صورتی که قرض داده شود حیف و میل نخواهد شد.

چون پیش از ورود قوامالدوله مسیو بیزو به من اطلاع داده بود که اعضای کمیسیون مزبور بطوری که جناب وزیر پیشنهاد نموده است مرکب خواهند بود از خود وزیر مالیه و دو پسرش و دونفر دیگر لهذا من به ایشان در جراب اظهار نمودم که بدو من باید از ترکیب این کمیسیون مطلع بشوم تا اینکه بتوانم اعتمادی به آن نمایم و بعلاوه از ایشان سؤال نمودم که در صورتی که دولت ایران واقعا طالب اصلاح است چرا در این صورت مصارف لازمه هیچ وجهی برای اصلاحات منظور نگردیده و بعلاوه چرا ابدآ ذکرى از حقوق عقب افتاده نمایندگان دولت ایران در خارجه که از قراری که به من گفته شده است الزم تمام مخارج است برده نشده است.

مسیو بیزو در این مطالب بامن همراهی تامی نموده و اظهار داشت من که سمت مستشاری مالیه را دارم هیچوقت به وزیر مالیه توصیه نمی نمایم که همچو صورتی را قبول نماید. بدون جزئیات ممکن نمی شود که نظارتی در مصارف نمود آیا وزیر گمان می کند که هیچ اداره ای جز وزارت جنگ پول فوری لازم ندارد.

پرواضح است که ترتیب دهندگان این صورت ابدآ نفع عموم را در نظر نداشته اند اگر دولت ایران می خواهد که مساعدتی از طرف دولتین به او بشود باید با مسیو بیزو کمک نموده تا اینکه او از حالت مالیه کنونی مملکت اطلاع حاصل نموده و بعد صورت مشروحو از وجوهات لازم برای هر اداره ترتیب بدهد.

ظاهراً قوامالدوله خیلی مایوس از نتیجه این ملاقات گردید و مسیو بیزو مرا مطمئن ساخت که قوامالدوله برای گول زدن آمده بود و فقط دلتنگی او از نتیجه این ملاقات برای این است که نزد امیر بهادر و سایر درباریهای دیگر بادست تهی خواهد رفت.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۲۸

مراسله مستر مارلینگ به سرادواردگری، مورخه ۱۳ ماه اوت

[۲۲ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۶]

از قلهک

آقا

در اتمام مراسله ۱۵ ژویه خود افتخار دارم از راپورت اینکه از آن تاریخ به بعد زدو

خورد مابین قشون شاه و متمردين در تبريز تا ۹ اين ماه بدون نتيجه براي هيچ طرف مداومت داشت.

در ۱۵ ماه ژويه [۲۴ تير؛ ۱۶ ج ۲] ساكنين محلى كه به تصرف متمردين بود سعى نمودند كه بتوسط قنسولخانه فرانسه تلگرافى به شاه فرستاده اظهار نمايند كه آنها حاضر تسليم هستند ولى فقط ترس آنها از اين است كه قشون دولتى خانه‌هاى آنها را غارت خواهند كرد.

در صبح روز بعد جنگ متروك شده و ريش سفيدان محلات محصوره شروع به مذاكرات براي صلح مابين مأمورين دولتى و متمردين نمودند.

اين مذاكرات بواسطه حركات مجتهدين معروف شهر منتج نتيجه نگريدند چونكه رؤساي متمردين ماييل بودند كه به شاه تلگراف نموده و طلب عفو نمايند پس از آن خلع سلاح بشوند. هرچند كه رئيس قشون دولتى اعتراض نداشت ولى مجتهدين كه سيم تلگراف به دست آنها بوده قبول ننمودند كه همچو تلگرافى بشود. اين حوادث و حركات ديگر مجتهدين خيلى باعث تغير اهالى گرديده و مصمم شدند كه هيچ نوع عفو و بخشش را از شاه بدون ضمانت قنسولخانه‌هاى خارجه قبول ننمايند.

در ۱۸ ماه ژويه [۲۷ تير؛ ۱۹ ج ۲] مستر استوئس تلگراف نمود كه نظر به اقدامات ژنرال قنسول روس براي برهم زدن انجمن اسلامى مركز مرتجعين و علماء، جنگ متروك و تقريباً تمام شهر در دست اهالى مسلح است و سوارهاى دولتى هم فرار نموده‌اند.

در ۱۸ ماه ژويه يك فوج پياده كه مركب از ۸۰۰ نفر بود بمحض اينكه به تبريز وارد شدند فوراً از هم متفرق شده به خانه‌هاى خود فرار نمودند. در اين ضمن دخالت ژنرال قنسول روس متمر ثمرى نگريدده و متمردين حمله به نقاط قشون دولتى برده و آنها را مقدارى عقب نشانديدند ولى در شب ۲۱ و ۲۲ ماه ژويه [۳۰ و ۳۱ تير؛ ۲۲ و ۲۳ ج ۲] پس از اينكه استعداد به قشون شاه رسيد آنها رولوسيونرها را مجبور نمودند كه به نقاط اوليه خود عودت نمايند.

در صبح ۲۳ [ژويه] [يكم امرداد؛ ۲۴ ج ۲] هم جنگى شد و هرچند كه رولوسيونرها سخت دچار مشكلات شدند ولى باوجود اين نقاط خود را حفظ نمودند. در اين حمله قشون دولتى يك توپ نه سانتيمترى بكار برده و مقدار زيادى خسارت هم رسانيد.

در ۲۸ ماه [۶ امرداد؛ ۲۹ ج ۲] مجلسى از قنسولها و نمايندگان تجار شهر در مى‌شود و چون توپچيان، چندان ماهر نبودند گمان خطر براي محله عيسويها برده مى‌شود. در ۲۸ [۶ امرداد؛ ۲۹ ج ۲] ماه مجلسى از قنسولها و نمايندگان تجار شهر در قنسولخانه روس منعقد گرديد. تجار اظهار نمودند كه اهالى بشرط ذيل حاضرند كه اسلحه خود را زمين بگذارند.

اولا شاه بكلى مردم را از تقصيرات پلتيكى عفو نمايد با ضمانت سفارتخانه‌ها. ثانياً برهم زدن انجمن اسلامى. ثالثاً فقط به رحيم خان اجازه داده شود كه با پنجاه سوار در شهر تبريز اقامت نمايد.

قنصلها پیشنهادات مذاکوره را تصویب نموده و اظهار نمودند که خوب است اجازه به رؤسای رولوسیونر داده بشود که بدون هیچ اذیتی از ایران خارج شوند.

در عرض مدتی که این اقدام و اقدامات دیگر برای صلح طرفین می شد جنگ متروک بود ولی چون هیچ طرف نمی توانست ضمانتی از اجرای مواد قرار داد بدهد لهذا در اول ماه اوت [۱۰ مرداد؛ ۳ رجب] جنگ مجدداً شروع گردید.

دولتیهارگ را که همیشه در دست رولوسیونرها بود بمبارده نموده و چند دانه خمپاره هم در محله عیسویها افتاد. در ۲ ماه، رولوسیونرها تمام سیمهای کمپانی تلگراف هند و اروپا را قطع نمودند.

ویس قنصلگری اعلیحضرتی با زحمات زیاد آنها را وادار نمودند که راضی به مرمت سیمها بشوند. آنها تقاضا می نمودند که هیچ تلگرافات دولتی مخابره نشود.

در ۴ ماه اوت [۱۳ مرداد؛ ۶ رجب]، خبر برقراری مشروطیت عثمانی بتوسط ژنرال قنصل عثمانی منتشر گردید. این مطلب طبعاً باعث قوت قلب ملتیان گردیده و اعلانی مشعر بر اینکه اگر تا زمان ورود حکومت با استعداد ترتیب صحیحی داده نشد بهتر این است که سلطان عثمانی را شاه خود قرار بدهیم، در تمام شهر الصاق گردید.

در ۷ ماه اوت [۱۶ مرداد؛ ۹ رجب] قشون شاه سخت مشغول جنگ شدند. جنگ سختی تا مدت سه روز با تفنگ و توپ مداومت داشت. مستر استونس متذکر می سازد که حرکات قشون شاه در تمام این مدت صالحانه نبوده و بی ملاحظه غارت می نمودند.

در ۲ ماه اوت [۱۱ مرداد؛ ۴ رجب] او راپورت داد که تجارتخانه زیگلر و استونس کاغذی به ژنرال قنصلگری نوشته و اظهار امیدواری نمودند که خوب است دولت اعلیحضرتی دولت ایران را مسؤل هر نوع خسارتی که ممکن است بعد از این وارد بیاید می داند چونکه آنها می ترسیدند از اینکه غارتخانهها ممکن است به بازارها هم سرایت نماید. من به این جهت یادداشتی به دولت ایران فرستاده و تقاضا نمودم که اقدامات کافی برای محافظت منافع اتباع انگلیس بعمل آید و در آن یادداشت اظهار نمودم که دولت اعلیحضرتی مجبور خواهد شد که دولت اعلیحضرت شاه را مسؤل هر نوع خسارتی که بواسطه قشون مستخدم دولت ایران وارد می آید قرار دهد.

در ۹ ماه اوت [۱۸ مرداد؛ ۱۱ رجب] جوابی از وزیر امور خارجه برای من رسید مشعر بر اینکه مفاد یادداشت را به صدراعظم ابلاغ داشتم و از ایشان مخصوصاً خواهش نمودم که احکام لازمه برای محافظت تجارتخانهها و اتباع انگلیس بفرستند.

خیلی معلوم نمودن این مطلب مشکل است که تا چه اندازه حوادث مهمه تبریز که پس از کودتای شاه رخ داده مربوط به مقاصد پلنتیکی است، و اگر هم اینطور باشد تا کی این زد و خورد اساساً شکل زد و خورد سیاسی را دارا خواهد بود. من شخصاً گمان می کنم که جنگ بارجمخان بیشتر بواسطه ضدیت شخصی رؤسای ملیین با اوست و همچنین تصور می نمایم که بدون تردید ملتیان حس می نمایند که برای آنها جز جنگ هیچ راه دیگری باقی نیست و اگر آنها بی شرط یا با شرط تسلیم شوند جان و خانواده و مال آنها از دست قشون دولتی که بواسطه

مقاومت طولانی وطن پرستان آذربایجان خشمگین شده‌اند مأمون نخواهد بود احتمال هم برده می‌شود که ترس آنها بی‌اصل نباشد.

نمره - ۲۲۹

تلگراف سر نیکلسن به سرادواردگری ، مورخه ۳۱ ماه اوت .

[۸ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۳ شعبان ۱۳۲۶]

از پترزبورغ

راجع به تلگراف ۲۲ ماه اوت من

سواد مراسله متحدالمالی که پیشنهاد شده است نمایندگان روس و انگلیس به‌شاه ارسال دارند از قرار ذیل است:

چونکه اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده که به همین زودیها قواعد جدیدی برای انتخابات آتیه منتشر نماید وزیر مختار روس (شارژ دافر انگلیس) را بر وفق تعلیمات واصله از دولت متبوعه خود و بدون اینکه بهیچوجه مایل دخالت در امورات داخلی ایران باشد عقیده بر این است که برای آرامی مملکت و تجارت و آسایش عموم خیلی مستحسن و بجا خواهد بود که اعلیحضرت شاه در همان موقع اعلان نماید که بهیچوجه در عزم خود برای نگاهداری قوانین اساسی که خود آن اعلیحضرت به مملکت خود عطا نموده تغییر نداده است و مجلس شورای ملی انتخاب شده در ۱۴ ماه نوامبر در طهران منعقد خواهد گردید.

مسیو چریکف به‌من اظهار نمود که شاه در همین ایام اخیر به سفیر روس گفته است که او خیال دارد به همین زودیها قانونی برای انتخابات جدید منتشر نماید. عقیده کفیل وزارت امور خارجه بر این است که فعلا بهترین موقعی است که مراسله فوق را نمایندگان انگلیس و روس برای شاه ارسال دارند.

نمره - ۲۳۰

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری ، مورخه ۱ سپتامبر ۱۹۰۸

[۹ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۴ شعبان ۱۳۲۶]

از طهران

ویس قنصل اعلیحضرتی مقیم تبریز تلگرافی را پرت می‌دهد که اولیاء امور در طهران اهمیت اوضاع تبریز را درک ننموده‌اند . رولوسیونرها گوش به هیچ نوع مصالحه نخواهند نمود مگر اینکه مشروطیت برپا ، انتخابات شروع شده ، مجلس دومرتبه منعقد گردد. آنها ابدآ اطمینانی به دولت ندارند.

قوای مشروطیین فعلا ۱۰،۰۰۰ نفر است. دیروز انجمن محلی کمیته‌ای برای تحصیل وجوهات از عیسویان برای کمک در مصارف جاریه انتخاب نمود. به رولوسیونرهای ارمنی

فشار آورده می‌شود که آنها هم اقدامات جدی نمایند. بطور خصوصی به‌مستر استونس اخطار شده است که تنها بیرون نرود چونکه رولوسیونرها تنگ آمده و مصمم شده‌اند که يك خارجی^۱ را مقتول سازند تا اینکه اروپاییها دخالت نمایند.

ویس قنسل اظهار می‌دارد که اگر شاه واقعاً خیال انتخابات را دارد، هرچه زودتر به تبریز مقصد خود را اطلاع بدهد بهتر خواهد بود؛ چونکه طوری رؤسای رولوسیونرها خود را آلوده نموده‌اند که دست برداشتن از زدوخورد حالا خیلی مشکل است. عقیده ویس قنسل بر این است که ممکن است هر دقیقه اروپاییان و عیسویان عموماً خود را در خطر عظیمی مشاهده نمایند چونکه در این دوسه روز اخیر هیجان مردم خیلی بالا گرفته است.

www.adabestanekave.com

نمره ۵ - ۲۳۱

تلگراف سرادواری به سر نیکلسن ، مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۸ [۱۰ شهریور ۱۲۸۷ : ۵ شعبان ۱۳۲۶]

از وزارت خارجه، لندن

راجع به تلگراف غره این ماه مستر مارلینگ و تلگراف ۳۱ ماه گذشته شما . معلوم است که موقع اقدام رسیده است. خواهش می‌کنم که شما دولت روسیه را فشار بیاورید که به نمایندگی خود در طهران تعلیمات در این باب بفرستند. باید به‌شاه اظهار بشود که دولتین اهمیت زیاد به اوضاع تبریز می‌دهند و دولت ایران را مسؤل هر نوع خسارت وارده به اتباع روس و انگلیس خواهند نمود. باید به شاه فشار آورده شود که حکم انتخابات جدیده نموده مجلس مجدداً منعقد گردد و در تبریز اعلانی عمومی شود که شاه قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت. شما خوب است که از دولت روسیه در این خصوص درخواست جواب فوری نمایید.

نمره ۵ - ۲۳۲

تلگراف سر نیکلسن به سرادواری ، مورخه ۴ سپتامبر

[۱۲ شهریور؛ ۷ شعبان]

از پترزبورگ

راجع به تلگراف ۱۲ این ماه شما

کفیل وزارت امور خارجه به سفیر روسیه در طهران تلگراف نمود که باتفاق شارژدافر عالیحضرتی مراسله برای شاه بفرستند و بعلاوه اخطاری از اهمیت اوضاع تبریز به او نموده شامرا دعوت نمایند که در تبریز تصمیم خود را در نگاهداری قوانین اساسی علنی نماید و شروع به انتخاب نموده مجلس را در ۱۴ نوامبر باز نماید.

(۱) اصل : خارجه .م.

نمره - ۲۳۳

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری ، مورخه ۴ سپتامبر [۱۲ شهریور؛ ۷ شعبان]
از وزارت خارجه لندن

خواهش می‌کنم که به تلگراف امروز پترزبورغ مراجعه نمایید.
نظر به تلگراف فوق شما مجاز هستید که باتفاق مسیو هارتویک مراسله‌ای به اعلیحضرت شاه
بفرستید. اقدام مذکور را هرچه زودتر ممکن می‌شود بعمل آرید.

نمره - ۲۳۴

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگک ، مورخه ۵ سپتامبر

[۱۳ شهریور؛ ۸ شعبان]
از وزارت خارجه، لندن

راجع به مراسله غره ماه اوت شما

دولت اعلیحضرتی حاضر است بمحض اینکه مسیو بیزو موقع را مناسب بداند پیشنهادی که
در ۱۹۰۶ شده بود بموقع اجرا بگذارد، باین معنی که برتانیه عظمی و روسیه مبلغ
۴۰۰،۰۰۰ لیره به دولت ایران به رسم مساعده خواهند پرداخت ولیکن پرداخت این قرضه
منوط به شروط ذیل خواهد بود:

(۱) این قرضه برای قلع و قمع مشروطیت بکار برده نشود، بلکه طوری مصرف بشود
که درواقع کمکی برای مشروطیت باشد. این مقصود ممکن است به این ترتیب بعمل
آید که زمان قلیلی معین گردیده شرط بشود که تا آنوقت یا مجلس باید قرضه راتصویب
نماید و یا اینکه اصل وجه از طرف دولت ایران به دولتین مسترد گردد.
(۲) ضمانت مناسبی برای مصارف این قرضه باید داده شود.

دولت اعلیحضرتی ترجیح می‌دهد که قرضه لازم نشود و پیش از اینکه قبول نماید باید
که با دقت تمام شرح شرایطی نماید که مقصود مذکور فوق بعمل آید.
مطالب فوق فقط برای اطلاع شما است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۳۵

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۶ سپتامبر

[۱۴ شهریور؛ ۹ شعبان]
از طهران

راجع به تلگراف ۴ این ماه شما

(۱) اصل : برتانیه و منظور بریتانیا است. - م.

سفیر روس و من خیال داریم که ترجمه ایرانی مراسله را به شکل یادداشتی برای شاه ارسال داریم چونکه آن اعلیحضرت سه چهار روز است، بواسطه تب ناخوش شده‌اند. ترجمانهای ما در روز سه‌شنبه یادداشت مذکور را به اردوی شاه خواهند برد و در صورتی که شاه نتواند آنها را بپذیرد قرار داده خواهد شد که وزیر امور خارجه آنجا حاضر باشد که یادداشت را به او ارائه بدهند.

نمره - ۲۳۶

تلگراف سرادواری به مستر مارلینگ ، مورخه ۷ سپتامبر

[۱۵ شهریور؛ ۱۰ شعبان]

از وزارت خارجه لندن

من ترتیبی را که شما در تلگراف دیروز خود در خصوص مکاتبه متحدالمال راجع به اوضاع داخلی ایران پیشنهاد نموده بودید تصویب می‌نمایم.

نمره - ۲۳۷

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواری، مورخه ۸ سپتامبر

[۱۶ شهریور؛ ۱۰ شعبان]

از طهران

راجع به تلگراف ۶ این ماه من

شاه بواسطه کسالت عارضه نتوانستند که صبح ترجمانهای را بپذیرند. باین جهت مراسله متحدالمالی به وزیر امور خارجه در اردوگاه شاه داده شد که تسلیم آن اعلیحضرت نماید.

نمره - ۲۳۸

مراسله سرنیکلسن به سرادواری، مورخه غره سپتامبر

[۹ شهریور؛ ۴ شعبان]

از پترزبورغ

آقا

افتخار دارم که سوادى از مراسله متحدالمالی را که دولت روسیه پیشنهاد می‌نماید نمایندگان روس و انگلیس در طهران به شاه ارسال دارند انقاد دارم.

مسیو چریکف به من اظهار نمود که چند روز قبل شاه به مسیو هارت ویک اطلاع داده است که قوانینی برای انتخابات جدید به همین زودیها منتشر خواهد گردید. این اظهار شاه موقع مناسبی را به دست دولتین می‌دهد که به او بفهمانند که بهتر آنست اعلیحضرت

شاه به کلیه قول خود رفتار نموده و مجلس را باز نماید و بگمان ایشان بهتر آن است که منتظر ورود سربار کلی نشده ترتیب و موقع فرستادن مراسله مذکور به مسیو هارتویک و مستر مارلینگ و گذار بشود.

من به مسیو چریکف گفتم که مضمون مراسله را به شما تلگراف نموده و ایشان را از عقیده شما مستحضر خواهم نمود.

(امضا) نیکلسن

سواد مراسله متحدالمالی است که نمایندگان انگلیس و روس در طهران به شاه تسلیم خواهند نمود، و در ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۸ [۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۳ شعبان ۱۳۲۶] از طرف مسیو چریکف برای سرنیکلسن ارسال گردیده است.

چون اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده اند که به همین زودی قوانین جدید انتخابات را که به همین نزدیکی بعمل خواهد آمد انتشار دهند سفیر روس (شارژ دافر انگلیس) بروفق تعلیمات دولت متبوعه خود بدون اینکه مایل به دخالت در امور داخله ایران باشیم نظر به مصالح آزادی مملکت و تجارت و آسایش عمومی خیلی مطلوب و بموقع خواهد بود که اعلیحضرت شاه اعلان نمایند که تصمیم خودشان راجع به استقرار این اساس که به مملکت خود داده تغییر ناپذیر بوده و مجلسی که فعلا در صدد انتخاب اعضای آن هستند روز غره ماه نوامبر (۱۴) [۹ آبان؛ ۶ شوال] امسال انعقاد خواهد یافت.

نمره - ۲۳۹

مراسله سرنیکلسن به سرادوردگری، مورخه ۴ سپتامبر

[۱۲ شهریور؛ ۷ شعبان]

از سن پترزبورغ

آقا

من مضمون تلگراف ۲ ماه جاری شما را برای مسیو چریکف ارسال داشته اینک افتخار دارم جوابی که از ایشان برای من رسیده لفا ارسال دارم.

(امضا) نیکلسن

ملفوف در نمره ۲۳۹

مراسله مسیو چریکف به سرنیکلسن

جناب سفیر کبیر، در جواب مراسله امروز شما تعجیل نموده شما را مطلع می سازم که بر وفق نظریات دولت انگلیس من اکنون بتوسط تلگراف از مسیوهارتویک خواهش نمودم که باتفاق مستر مارلینگ مراسله مقرر راجع به افتتاح مجلس را برای شاه ارسال دارند.

بتوسط همین تلگراف به سفیر ما در طهران دستور العمل فرستاده شده که باتفاق مستر

مارلینگک عبارت ذیل را به مراسله مذکور اضافه نمایند:

دولتین روس و انگلیس اهمیت فوق‌العاده به اوضاع تبریز داده و دولت ایران را مسئول هر نوع خسارت وارده بر اتباع روس و انگلیس خواهند شناخت. برای آرام نمودن اهالی شهر مذکور از شاه دعوت می‌شود که اعلانی در تبریز منتشر نموده مبنی بر اینکه مقصود آن اعلیحضرت این است که از قوانین اساسی نگاهداری شده، انتخابات شروع شود و در ۱۴ ماه نوامبر [۲۲ آبان؛ ۱۹ شوال] مجلس را باز خواهد نمود.

(امضا) چریکف

نمره - ۲۴۰

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۱۹ سپتامبر

[۲۷ شهریور؛ ۲۲ شعبان]

از طهران

راجع به تلگراف ۸ این ماه من

مراسله متحدالمال روس و انگلیس به شاه

دیشب وزیر امور خارجه جواب شاه را برای من فرستاد. مضمون آن از قرار ذیل است: من مشغول اقدامات برای تشکیل مجلس هستم که موافق مقتضیات مملکتی و مذهبی بوده و شکلی نباشد که مجدداً باعث انقلابات گردد و به این ترتیب من بقول خود رفتار خواهم نمود.

من امیدوارم که بتوانم اعلانی برای انعقاد مجلس در روزی که دولتین در مراسله خود ذکری نموده بودند صادر نمایم ولی تا زمانی که نظم در تبریز برقرار نگردد تا اینکه دولت ایران بتواند بطور راحت بعضی ترتیبات لازمه را بدهد مجلس یاز نخواهد شد.

مسیو هارتویک به من اطلاع می‌دهد که مذاکرات در تبریز در جریان است و جنگ متروک شده خبر تازه برای خود من هنوز نرسیده است. نظر به اینکه باوجود نصیحت دولتین به شاه که رفتار خود را نسبت به تبریز مصلحانه نماید آن اعلیحضرت باز هم اجازه به اکراد ماکو داده است که حمله به شهر بیاورند، جواب شاه به نظر من مخصوصاً بطور دلخواه نیست. بعلاوه آن اعلیحضرت بهیچوجه اطمینان نمی‌دهد که قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۴۱

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۲۱ سپتامبر

[۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان]

از طهران

راجع به تلگراف ۱۹ این ماه من

شاه و مشروطیت

مسیو هارتویک به من اطلاع می‌دهد که به عقیده ایشان جواب شاه نامساعد بوده و یک اخطار سختی به آن اعلیحضرت خواهد نمود و بعلاوه نصیحت به ایشان خواهد کرد که خوب است فوراً دستخط قانون انتخابات را منتشر نمایند. من نظر به آثار و علائم نارضایتی عامه که روز افزون است در این مسئله با مسیو هارتویک هم‌رأی شدم که اصلح آن است شاه این کار را بکند مشروط بر اینکه این اقدام باعث تعویق انعقاد مجلس برای مدت غیر معینی نشود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به سرنیکلسن ، مورخه ۲۱ سپتامبر

[۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان]

از وزارت خارجه، لندن

شاه و مشروطیت

خواهش می‌کنم که رجوع به تلگراف ۱۹ این ماه از طهران بنمایید. بعقیده من ، جواب شاه ابدأ بطور دلخواه نیست . ابدأ ذکر در آن جواب نشده است که نگاهداری از قوانین اساسی خواهد شد . شما خوب است که اطلاع حاصل نمایید که چه اقدامات دیگری دولت روسیه برای رسیدن به مقصود مطلوبه حاضر است بنماید.

نمره - ۲۴۳

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری، مورخه ۲۲ سپتامبر

[۳۰ شهریور؛ ۲۵ شعبان]

از پترز بورغ

راجع به تلگراف دیروز شما

مشروطیت ایران

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع می‌دهد که سفیر روس در طهران، بعلاوه جواب کتبی شاه ، اطمینانات شفاهی به او داده است که بطوریکه نمایندگان روس و انگلیس به او نصیحت نموده‌اند او به قول خود رفتار خواهد نمود. مسیو چریکف گمان می‌کند که شاه محض حفظ شئونات خود و همچنین محض اینکه مردم تصور نکنند که او به نصیحت و فشار خارجه تسلیم شده است ترجیح داده است که اطمینانات خود را شفاهاً اظهار نموده نوشته ندهد. ایشان (چریکف) پیشنهاد می‌نماید که باین جهت خوب است ما چند روزی به او (شاه) مهلت بدهیم اگر به اطمینانات شفاهی خود عمل نمود آنوقت فشار دیگری خواهیم آورد.

نمره - ۲۴۴

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری ، مورخه ۲۳ سپتامبر

[۳۱ شهریور؛ ۲۶ شعبان]

از طهران

شاه و مشروطیت

شاه به مسیوهارتویک نیمه قولی داده است که فوراً اعلانی صادر خواهد کردید که در ۲۷ ماه اکتبر انتخابات شروع شده و در (۱۴) نوامبر مجلس منعقد گردد. وزیر امور خارجه که امروز برای ملاقات من آمده بوده به همین نحو به من اظهار نموده که آیا این پیشنهاد را من تصویب و همراهی می‌نمایم یا خیر. وزیر امور خارجه به من اظهار نمود که شاه مایل بملاقات من است. به این جهت قرار ملاقات آن اعلیحضرت به فردا گذارده شد.

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن ، مورخه ۲۳ سپتامبر

[۳۱ شهریور؛ ۲۶ شعبان]

از وزارت خارجه لندن

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف دیروز شما

ما به پیشنهاد در تعویق انداختن اقدامات موافق هستیم.

نمره - ۲۴۶

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری ، مورخه ۲۴ سپتامبر

[یکم مهر؛ ۲۷ شعبان]

از طهران

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف دیروز من

ملاقات امروز صبح من با شاه خیلی دوستانه بود. اعلیحضرت شاه خیلی اظهار میل برای اصلاحات در امور و مخصوصاً در مالیه نمودند. آن اعلیحضرت به من قول داد که اعلان قانون انتخابات جدید امروز بطبع خواهد رسید.

نمره - ۲۴۷

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری، مورخه ۲۵ سپتامبر

[۲ مهر؛ ۲۸ شعبان]

از طهران

اوضاع در تبریز

فرمانفرمای آذربایجان ۴۸ ساعت به رولوسیونرهای شهر مهلت داد که اگر بعد از آن تسلیم نشوند شهر را بمبارده خواهد نمود. این مدت مهلت در موقع طلوع آفتاب در روز ۲۴ این ماه [یکم مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۶] منقضی گردید سپس در عصر آن روز بمباردمان شهر شروع گردید.

من یادداشتی به دولت ایران فرستاده‌م شعر براینکه در صورتی که خسارتی به اتباع انگلیس وارد شود دولت مسؤل آن خواهد بود.

نمره - ۲۴۸

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری، مورخه ۲۶ سپتامبر

[۳ مهر؛ ۲۹ شعبان]

از طهران

ویس قنسول تبریز را پورت می‌دهد که دولتیان دیروز با ۵ عراده توپ نقاط ملتیان را بمبارده نموده کلیه سوارهای ماکوئی هم در این حملات شرکت داشته ملتیان نقاط خود را نگاه داشته و با ۴ عراده توپ بشدت جواب آتش دولتیان را دادند.

نمره - ۲۴۹

مراسله مستر مارلینگ به سر ادوارد گری، مورخه ۱۰ سپتامبر

از قلهک ۱۸ شهریور؛ ۲ شعبان]

آقا

افتخار دارم که مجملی از حوادث ماهیانه از ۳۰ ماه اوت لغایت ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ [۱۸ - ۷ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ - ۲ شعبان ۱۳۲۶] بطور معمول ایفاد دارم.

(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف در نمره ۲۴۹

حوادث ماهیانه

اصفهان

در روز آخر ماه ژویه دو پست را در راه شیراز سرقت نمودند. سارقین راههای کرمان به یزد و اصفهان را مسدود نموده و عبور و مرور پست به عهده تعویق می‌افتد.

در ۳۰ ماه ژویه [۸ مرداد؛ یکم رجب] دزدان به نایب‌الحکومه کرمان در بین راه

حمله نموده و او را غارت کردند. چونکه جمعیتی از ایرانیان مزاحم و دخالت به کارهای معلمین مدرسه دعا می نمودند دکتر اکتور چهار نفر از مستحفظین قنصلخانه به مدرسه فرستاده رفع زحمت آنها را نمودند.

هرچند که اخبار مشروطیت در عثمانی و تلگرافات علمای نجف و کربلا در تقویت مشروطیت ایران علمای اینجا را ترغیب نموده که به کارهای نایب الحکومه قدری دخالت نمایند ولی ضدیت جدی به اوضاع کنونی هویدا نیست.

یزد

حکومت مالیات جدیدی که در دوماه قبل باعث هیجان شده بود جمع آوری می نماید. به قوه قهریه از مخالفت مردم جلوگیری شده و سربازهای حکومت چندین نفر از اشخاصی را که می خواستند علیه مالیات مذکور تحصن اختیار نمایند کتک سختی زدند.

کرمان

در بعضی از نقاط ایالت کرمان از قبیل روبار و جیرفت و رودبار هیجانی برای مشروطیت ظاهر شده است. قشون برای جلوگیری فرستاده شده است.

شیراز

پس از حرکت ظل السلطان، شهر شیراز و ایالت فارس فوراً به حال انقلاب عودت نموده سرقت پست مکرر می شود و از قرار معلوم ایلات بهیچوجه اطاعت از کسی ندارند.

خلیج فارس

بوشهر

پس از مراجعت ظل السلطان اغتشاش در فارس شروع شده در بین راه شیراز مابین رؤسای کنار تخت [= کنار تخته] و کمارج و همچنین مابین رؤسای کمارج و کازرون جنگ در گرفته است.

حکومت سربازهای قدیم را که سابقاً در بوشهر و سایر بنادر فارس ساخلو بودند خارج نموده و در عوض آنها چریک محلی جمع نموده است.

بندر عباس

اقتدار نظام به نایب الحکومگی منصوب گردیده است و در ۲۸ ماه ژویه [۶ مرداد؛ ۲۹ ج ۲] مشغول کار خود گردید.

محمره

سیف الدوله به حکومت عربستان [= خوزستان] معین گردیده است. اهالی هویزه اسباب زحمت شده اند. سردار ارفع خیال دارد که در پاییز آینده سرکوبی

کاملی از آنها بنماید.

مایین اهواز و رامهرمز کاروان کمپانی لنج [=لینچ] که اغلب اموال خوانین بختیاری بوده بسرقت برده شد.

نمره - ۲۵۰

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

تلگراف چهارم سپتامبر شما حاوی تعلیمات اینکه سفیر روس و من بلا تأخیر متفقاً به شاه پیشنهاد نموده از آن اعلیحضرت درخواست نمایم که پارلمان جدید را برای غره ماه (۱۴) نوامبر مفتوح نماید و به او اصرار نمایم که نظر به مصالح امنیت عمومی خوب است قصد افتتاح آنرا به اهالی تبریز اعلام نماید ، امروز صبح پنجم شهر جاری واصل گردید. چون این تلگراف روز شنبه رسید و در این روز مسیو دوهارت و یک همیشه مخصوصاً مشغول حرکت دادن قاصد هفتگی خود می باشد من به این قناعت کردم که آن روز بعد از ظهر او را از مضمون تعلیمات شما مستحضر داشته و فردا صبح آن روز او را ملاقات کرده طریق پیشنهاد کردن مقصود خود را با او مذاکره نمایم.

مسیو دوهارت و یک اظهار داشت تصور می کنم مقصود این باشد که این پیشنهاد را باید کتباً توسط وزیر امور خارجه نمود. من در جواب اظهار داشتم آن طوری که بر من مفهوم است این پیشنهاد باید مستقیماً به شاه بشود و تصور می کنم ما باید درخواست شرفیابی حضور اعلیحضرت را بنمایم. سفیر مزبور مرا متذکر نمود که چون شاه بعلت تب چند روزی است از اندرون بیرون نیامده اند خیلی احتمال می رود که آن اعلیحضرت نتواند ما را حضور دهد و شاید بهتر آن باشد که منشی های السنه شرقی سفارتین را به باغ شاه فرستاده مراسله ما را در این خصوص به او برسانند. من این را قبول کردم چرا که ظاهراً سهل بود که بعلت عدم صحت مزاج شاه شرفیابی ما به تأخیر انداخته شود. بنابراین اینطور قرار شد که مکتوب مزبور را به فارسی ترجمه نموده و سواد آنرا مسیو دوهارت و یک و من امضا کرده و توسط مسیو بارانوسکی و مستر چرچیل صبح روز هشتم شهر جاری به شاه تقدیم نمایم و در صورتیکه آن اعلیحضرت نتواند آنها را حضور دهد از علاءالسلطنه استدعا شود که آنجا حضور پیدا کرده نوشته مزبور را به او بپارند که به شاه رسانیده شود.

غروب هفتم شهر جاری یادداشتی از وزیر امور خارجه برای من رسید به این مضمون که بواسطه کسالت شاه نتوانسته است که از مترجمین مذکور پذیرایی نماید و مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی به ورود خود به باغ شاه یادداشت های متحدالمآل را به وزیر امور خارجه داده اند که به آن اعلیحضرت تقدیم نماید.

(اعضاء) چارلز مارلینگ

سواد مراسله مذکور در جوف است

ملفوف نمرة ۲۵۰

یادداشت متحدالمآل که توسط منشیهای السنه شرقی انگلیس و روس به شاه تقدیم شده در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۰۸ [۱۶ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۶]

چون اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده‌اند که به همین زودی قوانین جدید انتخابات را که به‌همین نزدیکی بعمل خواهد آمد انتشار دهند شارژدافر انگلیس بروفق تعلیمات دولت متبوعه خود و بدون اینکه بهیچوجه مایل به دخالت در امور داخله ایران باشیم افتخار دارد به اینکه خاطر نشان نماید که نظریه مصالح آرامی مملکت و تجارت و آسایش عمومی خیلی مطلوب و بموقع خواهد بود که اعلیحضرت شاه اعلان نمایند که تصمیم خود را جمع به استقرار مشروطیتی که به مملکت خود داده تغییر ناپذیر بوده و مجلسی که فعلاً در صدانتخاب اعضای آن هستند روز غره ماه نوامبر (۱۴) امسال انعقاد خواهد یافت (مطابق ۱۹ شوال)'.
شارژدافر اعلیحضرتی بعلاوه تعلیم دارد که جلب دقت جدی آن اعلیحضرت را به اهمیت موقع تبریز نموده و آن اعلیحضرت را متنبه سازد که مسؤلیت تأمین تبعه انگلیس مقیم آن شهر برعهده دولت ایران خواهد بود. نظر به این جهات او صلاح می‌داند که آن اعلیحضرت قصد خود را در شروع به انتخابات جدید و افتتاح پارلمان در غره ماه نوامبر (۱۴) به تبریز مخابره کرده عموم اهالی را از آن مستحضر دارد.

(امضاء) چارلز مارلینگ

نمره ۲۵۱

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مراسله ۱۳ ماه گذشته خود افتخاراً راپورت می‌دهیم که پس از جنگ سختی که در ۷ ماه اوت و دو روز متعاقب آن در تبریز بوقوع پیوست مخاصمات آشکارتا روز ششم شهر جاری از نو شروع نشد، اگر چه در مخالفت دسته ملیین برضد هیئت حکومت نقصانی روی نداده و مساعی تجار معتبر شهر و فرمانفرمای آذربایجان و اخیراً ویس قنسول اعلیحضرتی برای رفع اشکالات موقع بطور مسالمت بی‌ثمر و بی‌نتیجه ماند.

روز ۱۵ اوت هیئتی از طرف فرمانفرما به قصد رسیدگی به اوضاع امور و راپورت دادن آن به فرمانفرما به تبریز وارد گردیدند. خود فرمانفرما هم به اتفاق سپهسالار قشونی روز ۲۰ شهر ماضی به آنجا ورود نمودند.

در ۲۳ شهر گذشته انجمن محلی عریضه به آنجناب تقدیم نموده تقاضای خود را عرضه داشتند. مختصر تقاضاهای آنها از این قرار بود که تا زمانی که شاه مشروطیت را برقرار

دارد آنها خود را رعایای فرمانبردار شاه خواهند دانست ولی تا پارلمان مفتوح نگردیده و اعضای آنرا باز نخواهند، از خود خلع اسلحه نخواهند نمود. دیگر آنکه سرکردگان طرفدار شاه که در يك نقطه شهر مسکون می باشند دستگیر شده و پس از محاکمه مجازات شوند و امور ایالت آذربایجان در تحت نظارت محلی تبریز باشد تا آنکه مجلس افتتاح شود. آنجناب وعده فرمودند که این تقاضاها را به استحضار شاه برسانند.

در اواخر ماه چون از اولیاء امور طهران جوابی نرسید نقار بین طرفین بطور محسوس کسب شدت نموده و ملیین از استماع هرگونه شرایط صلح امتناع ورزیدند مگر آنکه مشروطیت ضمانت شده و امر به انتخابات داده شود و پارلمان منعقد گردد. عده قشون ملیین در این موقع به ده هزار نفر می رسید و مساعی به عمل می آمد که از رولوسیونرهای ارامنه هم جزو قشون بشوند. انجمن محلی کمیته ای تشکیل داد که از تمام مسیحیان برای مصارف مداومت دادن این زد و خورد وجوهات بطور مساعدت وصول نمایند و به ویس قنصل اعلیحضرتی اعلام شد که چون رولوسیونرها تصمیم نموده بودند بواسطه قتل يك نفر اجنبی یا یکی از مسیحیان دول خارجه را مجبور به مداخله نمایند از منازل خود تنها به خارج نروند. تعیین این مسئله که آیا درواقع آنها قصد انجام این تهدید را داشتند اشکال دارد ولی کمی می توان شك داشت از اینکه هیجان اهالی شهر در این موقع بسیار کسب شدت نموده و ممکن بود که جان اروپاییان و مسیحیان در هر دقیقه در معرض خطر باشد.

روز دوم شهر جاری ویس قنصل اعلیحضرتی بنا بر خواهش تجار معتبر اقلیت شهر تقاضاهای آنها را به فرمانفرما عرضه داشته و او اگر چه بسیار مشتاق اعاده نظم بود از قبول تقاضای آنها سر باز زد مگر آنکه وثیقه به او داده شود که اهالی اسلحه های خود را به زمین گذارده و اقلاً بعضی از شرایط او را قبول نمایند و اظهار میل نمود به اینکه رؤسای آنها را ملاقات نماید و شفاهاً امنیت جانی کلیه اشخاصی را که نزد او می رفتند در حضور مستر استونز [استونس] ضمانت نمود و بعلاوه مستر استونز را دعوت کرد که در صورتیکه بخواهند به همراهی آنها نزد او بیاید.

تجار از رفتن به ملاقات فرمانفرما بی میل بودند و از احساسات متغیرانه اهالی دریم، ولی راضی شدند که آن حضرت اشرف را در محل بیطرفی ملاقات نمایند.

مستر استونز به ترتیب چنین ملاقاتی به این شرایط موفق گردید و اینطور تصمیم شد که هیئتی از طرف اهالی برای مذاکرات به ملاقات فرمانفرما بروند. در عرض مدت این مذاکرات و قرار مدارها رولوسیونرها از هر قسم اعمال شورش کارانه احتراز نمودند ولی در عصر پنجم ماه بعضی از سواران دولتی داخل کاروانسرای بزرگی شده و دکانین تجاری که در محله ملیین سکونت داشتند غارت نمودند. این اقدام ز طرف قشون دولتی طبعاً در میان رولو سیونرها تهییج خشم بی اندازه نموده و دلیل عدم امکان اعتماد بر حسن نیت مأمورین محلی تصور گردید. علیهذا جنگ در هفتم ماه شروع شد.

(امضاء) چارلز مارلینگ

نمره - ۳۵۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً راپورت می‌دهم که از چندی به این طرف چندین نفر در قنصلخانه اعلیحضرتی در شیراز پناهنده شده‌اند. این اشخاص که اول آنها حسین پسر نایب‌الصدر برادرزاده حاجی علی آقا رئیس انجمن اسلامی شیراز باشد که در ۲۲ ژوئیت [۳۱ تیر؛ ۲۲ ج ۲] به قنصلخانه پناهنده شد. بواسطه اقدامی که سردار فیروز نایب‌الحکومه که تا ورود آصف‌الدوله فرمانفرما کفالت امور ایالت به عهده او مفوض است در مورد او نمود ناچار به بست اختیار نمودن شده‌اند. میرزا کاظم‌خان برادر معتمد دیوان مرحوم کمی پس از حسین وارد آنجا شد. این اشخاص اظهار داشتند که باوجود اعلان عفوعمومی که شاه در مورد تمام مجرمین پلتیکی صادر نموده می‌ترسیدند سردار فیروز اقدامی علیه آنها بنماید و کاظم‌خان، پس از آنکه نایب‌الحکومه به او وعده داد که در صورت تأدیة یکهزار و هفتصد تومان به رسم رشوه و چند اسب که قیمت آن معادل دوهزار تومان بشود، [۰۰۰] به دست سواران قوام سپرده شد که از شیراز تبعیدش نمایند و از دست سواران مذکور گریخته خود را به قنصلخانه انداخته است.

پناهندگان دیگر هم در عرض ماه آگست [اوت] ورود نمودند ولی بعضی از آنها که پسر نایب‌الصدر هم جزو آنها بود راغب به خروج شدند.

امر کاظم‌خان پیش از همه سخت بود برای آنکه در مدت توقف او در قنصلخانه برحسب امر نایب‌الحکومه خانه او را غارت نموده اموال او را چپاول نمودند.

نظر به وضع عدم امنیت فعلی تمام ایالت و عدم کلی اطمینان بر تضمینات نایب‌الحکومه، امکان ندارد طوری نمود که کاظم‌خان به مأمورین محلی اطمینان کند و حالامی‌خواهد از راه بوشهر از ایران خارج شود و از اینجا تا آن محل را بهمراهی مازور کاکس که به آنجا مراجعت خواهد کرد می‌رود.

واضح است که تا زمانی که نایب‌الحکومه که شخص وحشی بداخلاقی است در شیراز متوقف است هیچ موقعی را از دست نخواهد داد که بواسطه تهدید و غارت اشخاصی که از روی دلیل تصور می‌کنند عقاید پلتیکی آنها ممکن است ایشان را در خطر اندازد کیسه خود را پر نمایند.

من مکرراً دولت ایران را از وخامت تأثیرات حضور چنین مأمور غیر محتاط بی کفایت، مثل سردار فیروز، که این صفات مذمومه را در مدت کفالت امور این ایالت بثبوت رسانیده مستحضر داشته و بطور سخت اصرار نموده‌ام که او را معزول نموده و آصف‌الدوله حتی الامکان بلا تأخیر به مقر خود فرستاده شود. باوجود اطمینانات وزیر امور خارجه، آصف‌الدوله اگر چه برای شیراز حرکت کرده و در راه است هنوز به مقر خود ورود ننموده است.

(۱) از این عبارت کلمه «سپس» حذف شد. م.

نمره - ۲۵۳

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً وصول تلگراف پنجم شهر جاری شما را اطلاع می‌دهم که در آن شما لطفاً مرا اطلاع داده بودید که دولت اعلیحضرتی به چه ترتیب و در تحت چه نوع شرایط (چنانچه در سال ۱۹۰۶ در مدنظر گرفته بودند) مایل خواهند بود که با دولت روس متفقاً معادل چهارصد هزار لیرا [= لیره] بطور مساعد به دولت ایران بدهند. می‌ترسم خیلی کم احتمال برود که وضعیت مستشار مالیه اقتضا نماید که در همین نزدیکی چنین مساعدی را تصویب کند.

قریب دو ماه قبل، هنگامی که در باب امکان حصول مساعدی از دولت بریتانیای عظمی و روسیه مذاکره در میان بود ناصحین شاه که خیال بدست آوردن مبلغ معتدبانه [= معتنی به] در اذهانشان قوت گرفته بود حاضر بودند وعده دهند که هرگونه شرایطی که مقرر شود معمول دارند به این عقیده که هر وقت بخواهند می‌توانند آن شرایط را رد نمایند و حتی وانمود کردند که می‌خواهند اصلاحاتی را که مسیو بیزو پیشنهاد نموده بود به انجام رسانند و به این مقصود کمیته‌ای را که مایل بود برای نظارت وزارت مالیه ایجاد نماید تعیین نموده چندین جلسه هم برای مذاکرات نشسته و اوامر صادر شد - اگر چه اجرانگردید - که هر يك از ادارات بودجه مصارف سالیانه خود را تهیه نموده و عرضه دارد ولی بهیچوجه من الوجوه قصد این را نداشتند که دستشان از خزانه کوتاه شود و علیهذا به اقدام آخری برای تعیین خزانه‌داری که مستقیماً در تحت امر و کنترل وزیر مالیه باشد فعلیت داده نشد و برعکس ، خزانه‌دار جدیدی که ناصر السلطنه بداخلاق مشهور باشد تعیین گردید و از زمان تعیین او ائتلاف و دزدی و تقلب در وجوهات دولتی که به دست او می‌رسد با سهولت روزافزون در کار است. مسیو بیزو که در ابتدای امر ، اعمال ریاکارانه دولت او را تشویق به امید انجام رفورم نمود الحال بکلی از امیداینکه بتواند در تحت اوضاع موجوده کاری صورت بدهد مأیوس است. در غره شهر جاری به حضور شاه مشرف گردیده و مقصودش از این ملاقات این بود که به آن اعلیحضرت بنمایاند به چه نحو در عایدات مملکت تقاب و ائتلاف می‌شود ولی شاه بطور سرد او را پذیرایی نموده و در حق او اظهار ملاطفت ننموده و او هم انجام مقصود خود را بی‌فایده تصور نمود.

گمان می‌کنم مسیو بیزو اشکالی نخواهد داشت در اینکه صورت وجوهاتی را که لزوماً باید از خزانه دریافت شود ارائه نماید - از قبیل حقوق عقب‌افتاده نمایندگان دیپلوماسی و قنسولات ایران مقیم ممالک خارجه و مأمورین وزارت خارجه - ولی تصور می‌کنم تازمانی که هیئت حالیه در تحت امیر بهادر جنگ بر سر کار بوده دارای اقتدار می‌باشند خوب است ما حتی از این معاونت هم امتناع ورزیم چرا که در صورتی که از این راه

همراهی کنیم در وجوهات جزوی که امروزه برای مصارف لازمه دولتی کنار گذارده شده تقلب خواهد شد. در تحت این اوضاع گمان می‌کنم مقتضای منافع حقیقی ایران این خواهد بود که ما از هرگونه کمک مالی به آن دولت امتناع ورزیم. تا زمانی که احتمال جلب پول از داخله مملکت می‌رود غارتگران اطراف شاه با هرگونه رفورمی مقاومت خواهند نمود. حالا خواه آن رفورم یکی از شروط قرضه باشد یا آنکه توسط مجلس باشد و به نظر من هیچ راهی برای مایوس نمودن آنها تصور نمی‌شود مگر آنکه ابواب هرگونه منابع عایداتی که می‌توانند غارت نمایند بر روی آنها مسدود گردد. اما در باب دو شرایطی که در تلگراف خود شرح داده بودید از قراین چنان ظاهر می‌گردد که شاه قبل از آنکه مستشار مالیه بتواند توصیه اخذ مساعده نماید مجبور به افتتاح پارلمان خواهد گردید و تصور می‌کنم که هرگاه در موقع مذاکره دریافت این مساعده مجلس منعقد باشد دولت اعلیحضرتی انعقاد مجلس را ضمانت کافی نخواهد دید که وجوهات این قرضه برای قلع و قمع مشروطیت صرف نخواهد شد و همیشه امکان حدوث این مسئله را باید در مدنظر داشت که ممکن است مجلس جدید از طرف شاه چنان بدقت انتخاب گردیده یا آنکه مؤثراً تخویف شده باشد که حتی از حیات خود هم نتواند دفاع نماید. از شرط دیگر که وثیقه‌های بقاعده دیگر را برای کنترل مصرف پول مستلزم می‌داریم ممکن است برای توسعه اختیارات مستشار مالیه استفاده شود. سفارتین وسایل مؤثری برای فعلیت دادن به کنترولی که بنا بود در مورد مساعده ۱۹۰۶ بعمل آید در دست ندارند ولی هرگاه به آنها تعلیمات برسد که اصرار داشته بر اینکه نظارت لازمه به مسیو بیزو واگذار شود در موقع ایشان يك نوع نفوذ و اقتداری که فعلاً معدوم است ایجاد خواهد شد.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره ۲۵۴

مکتوب مستر مارلینگ به سردواری . (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

در اوضاع عمومی ایران چندان تغییر ظاهری در عرض ماه گذشته پیدا نشده که قابل ذکر باشد. گرفتاریهای تبریز هنوز دوام دارد و ظاهراً امید زیادی نمی‌رود که ورود عین الدوله فرمانفرمای جدید، به‌راهی قشون امدادی در تحت سپهدار حل آن را سهلتر نموده باشد و اگر چه در موقعی که مذاکرات صلح در میان بود بقرار يك ماه جنگ موقوف بود مجدداً در تاریخ ۶ شهر جاری بعلت يك اقدام بسیار بی‌موقع که توسط عساکر دولتی از روی عدم اعتماد بعمل آمد مخاصات شروع گردید. مرا عقیده براین است که اسکات

هیجان ملی تبریز به قوه قهریه از قوه شاه خارج است. اوضاع امور پایتخت کما فی السابق در نقاط مغشوش مملکت انعکاس یافته و طرق اطراف شیراز و مابین یزد و اصفهان را سارقین اشغال نموده‌اند و در کرمان یکی از یاغیان آن محل موسوم به رفعت نظام در فهرج که در یکطرف بیابان است علم طغیان برافراشته و با قدری اشکال منکوب گردید و همراهان طرفین نواحی اطراف را الی بم غارت نموده خسارات وارد آوردند؛ و میجر [ماژور] استوکس راپورت می‌دهد که یک دسته قوای سارقین ترکمن در جاجرم در شمال میاندشت که در عرض راه طهران الی مشهد واقع است بوده‌اند. از جهات دیگر اوضاع مملکت بطریق معمول است ولی غیر معلومی امورات درآینده باعث نقصان تجارت از راه بوشهر شده و بواسطه این نقصان در عایدات گمرکی هم تخفیفی حاصل شده است. بغیر از تبریز در هیچیک از ایالات و ولایات آنار هیجان در میان ملیین هویدا نیست و از قراری که ظاهر است مملکت رویهمرفته مهمومانه با این اوضاع امور ساخته است و استحضار عموم از ابراز نفرت رؤسای روحانی شیعه مقیم نجف علیه کودتای شاه تأثیرینی تاکنون ظاهر نساخته است.

در طهران سکون و آرامی تام حکمفرما بوده و تفتیش خانه‌ها و اذیت و آزار جزئی که به مردم می‌شد و اکنون قدری موقوف شده تا اندازه‌ای باعث اعاده اطمینان گردیده است. در بعضی جاها بعضی از سرکردگان بی‌ترس ملیین دوباره شروع به داشتن اجلاسات سری نموده و چند تن از سران احزابی که در طهران باقی مانده‌اند گاه گاهی در خانه صنیع‌الدوله اجتماع می‌نمایند ولی شك می‌رود از اینکه در ضمن مذاکرات [آنها] چندان به امور پلتیکی اهمیت داده شود چرا که شاه مخالف اجتماعات بوده و کارگزاران او وقوع آنرا بدقت مواظب می‌باشند. نظریات در خصوص تغییراتی که از قرار مذکور شاه می‌خواهد در قانون اساسی و قانون انتخابات بدهد بسیار است ولی بغیر از تشکیل یک شورای مملکتی که از اختیارات و کیفیات آن ظاهراً کسی هیچگونه اطلاع قطعی ندارد و چنانچه معلوم است آشکار گردیده، همه چیز دیگر در پرده خفا مستور است. مسیود و هارتویک اظهار می‌دارد که قرار است مجلس سنا که بر حسب قوانین اساسی [باید] تأسیس گردد مفتوح شود ولی علاءالسلطنه که سفیر روس تصور می‌کند او به ریاست آن انتخاب خواهد شد به من اظهار می‌دارد که در این باب اطلاعی نداشته و آگاه نیست که آیا در خصوص تغییر و تبدیل مواد قانون اساسی هم مذاکره جدی در میان باشد. شکی نیست نوت متحدالمالی که سفارتین انگلیس و روس در ۸ شهر جاری برای شاه فرستادند اثر خود را بخشیده و به همین زودبیهایک خبری در خصوص این مسئله خواهد رسید و هنوز زود است در باب اثری که مراسله مزبور در اهالی پایتخت نموده چیزی گفته شود ولی امید است که بدانواسطه در حالت روحیه ملیین بهبودی حاصل گردیده و در مسئله انتخابات اقدام خواهند کرد ولی هر گاه شاه از روی عقل عمل نموده و به نصایح دولتین در باب افتتاح پارلمان اعتنائی ننماید محتمل نیست که ملیین جرئت اقدامی دیگر مگر بستن بازارها به عنوان پروتست بنمایند فهمیدن اینکه آیا در باغ شاه در حقیقت چه می‌گذرد یا آنکه چه قسم اشخاص در هر دقیقه نزد شاه دارای نفوذ تام می‌باشند سهل نیست ولی به نظر یقین می‌آید که امیربهادر

جنگ ، سپهسالار اعظم و وزیر جنگ در معنی دیکتاتور ایران است و در مجلس وزراء که هرروزه در یکی از چادرهای باغ منعقد می شود رأی او در مذاکرات قطعی شناخته شده و او است که عقاید شخصی خود را به عرض شاه رسانیده و وانمود می کند که عقاید مذکور از همکاران اوست. علاءالسلطنه به من اظهار داشت که هر زمان بخواهد شاه را ملاقات نماید سپهسالار هم آنجا حضور خواهد داشت و در هر مسئله هر قدر هم از آن بی اطلاع باشد مذاکره نموده و رأی او برتری دارد. رقیب بسیار مقتدر امیر بهادر عین الدوله است و یحتمل بواسطه نفوذ او بود که عین الدوله برای مطیع ساختن رولوسیونرهای تبریز که ظاهراً کار یأس آمیزی بود تعیین گردید و عموم را عقیده بر این است که حتی حالا هم سعی می کند که فرمانفرما را بواسطه مخالفت با اقداماتی که او برای اصلاح می کند بی اعتبار سازد.

از قرار معلوم امیر بهادر دو مقصود در مد نظر دارد: اول آنکه شاه را به عدم افتتاح مجلس ترغیب نماید و ثانیاً اینکه خود را متمول سازد و برای تحصیل پول که اسماً برای اداره امور دولت بمصرف برسد به هر وسیله متمسک گشته اند ولی در واقع این پول برای پر کردن کیسه وزیر جنگ و رفقایش لازم است و برای انجام این مقصود شروع به هرگونه اجحافات و اعطای حکومتها و القاب و اعمال دسیسه های مختلف که در شرق معمول است کرده و گمان نمی کنم عراق باشد اگر بگویم که از ابتدای ماه ژوئیت يك میلیون و پانصد هزار تومان یا شاید زیاده تر به این طریق دریافت شده است . یحتمل زیادتر از يك ثلث این وجوهات به شاه و یا آنکه به مصرف آن چیزی که اسمش را مقاصد دولتی گذارده اند نمی رسد و بقیه در میان اجزاء خلوت تقسیم می شود و با اینحال به شاه می گویند که پول بدست نمی آید و به اسم او اقدامات جدید می کنند که از هر نقطه که پیدا شود پول بدست آورند. هر دو بانکها از پرداخت مساعده به دولت به هر بهانه ای که باشد امتناع می ورزیدند [می ورزند].

چارلز مارلینگ (امضا)

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر آرتر نیکسن به سرادوار دگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

سنت پترزبورگ ، ۲۸ سپتامبر ۱۹۰۸

[۵ مهر ۱۲۸۷؛ ۲ رمضان ۱۳۲۶]

مسیو چاریکف [=چریکف] به من اظهار می دارد که مواد نوشته حاوی اعلان رسمی شاه متضاد و مبهم با الفاظ و عبارت خوش ظاهر آراسته گردیده است. مثلاً دريك قسمتی از آن مذکور است که در ۱۴ نوامبر يك قانون انتخابات جدید منتشر می شود و در جای دیگر همان روز را برای افتتاح مجلس تعیین نموده اند.

مسیو چاریکوف اظهار داشت که کاملاً حاضر خواهد بود در هرگونه اقدامی که دولت اعلیحضرتی بخواهند برای توضیح مواد اعلان مذکور بنمایند همراهی نماید.

نمره - ۲۵۶

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۳۰ سپتامبر)

طهران ، ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۴ رمضان ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۸ شهر جاری که سرآرترنیکلسن مخابره نموده به عقیده من تعیین موقع افتتاح مجلس و تاریخ انتخابات واجب است. نظر به ورود سفیر اعلیحضرتی فردا من در ارائه طریق قطعی در خصوص قانون انتخابات که مسوده نمودن آن اشکال زیاد دارد تردید دارم..

نمره - ۲۵۷

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۲ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۲ آکتوبر ۱۹۰۸

[۹ مهر ۱۲۸۷؛ ۶ رمضان ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف ۳۰ شهر ماضی مستر مارلینگک، شاه دستخطی صادر نموده . مفهوم آن مبهم است ولی ظاهراً اشاره شده است به اینکه در مشروطیت سابق تغییرات داده خواهد شد. پارلمان روز ۱۴ نوامبر بایستی مفتوح گردد و قانون انتخابات باید روز ۲۷ شهر جاری برای اعلان حاضر باشد و نیز اشاره رفته است که مجلسین منعقد خواهند شد ولی تفصیل آن مذکور نگردیده است. تا زمانی که انتظامات تبریز اعاده نشود انتخابات در آنجا بعمل نخواهد آمد.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۹ آکتوبر [اکتبر])

طهران ، ۹ آکتوبر ۱۹۰۷

[۱۶ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۶]

دیروز کفیل جنرال قنصلگری تبریز راپورت داد که فرمانفرمای آذربایجان از ورود مایحتاج زندگانی به شهر جلوگیری نموده و ابواب دخول به شهر را تماماً مسدود کرده است.

نارضایتی عامه و مصیبت اهالی بسیار است . ملیین پول ندارند و ممکن است بلاواهمه اقدامات خطرناک بنمایند . مستر استوتز [استونس] می ترسد که ازدحام به قنصلخانه ها ریخته و مزاحم اجنبیان شوند و نتایج و خیمه داشته باشد. اوضاع به جای نازکی کشیده. مردم دستخط شاه را عموماً آلت سخریه می پندارند و تا آن اندازه که برمن معلوم

گردیده اقدام جدی برای ترتیب قانون انتخابات که در آن ذکر شده نشده است.
من مجدداً وزیر امور خارجه را درباب جان و مال تبعه انگلیس متعین تبریز متنبه
نمودم و امروز بعد از ظهر مسیو دوهارتویک را ملاقات خواهم نمود.

نمره - ۲۵۹

تلگراف سرادواری به سرلوتر

وزارت خارجه ، ۱۹ اکتوبر ۱۹۰۸

[۱۶ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۶]

اغتشاشات تبریز

اوضاع تبریز خیلی سخت است. آیا در مراجعت جنرال قنسول به آنجا اعتراضی دارید؟

نمره - ۲۶۰

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواری (واصله ۱۰ اکتوبر [اکتبر])

طهران ، ۱۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۱۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۶]

اوضاع تبریز

کذیل جنرال قنسولگری دیروز راپرت داد که در ساعت یک بعد از ظهر قشون ملی
در یکموقع براردوی فرمانفرما و سواره ماکوئی که پل آجی را در تصرف خود داشت
حمله نمودند و تا طلوع صبح شلیک توپ و تفنگ دوام داشت. در اردوی عینالدوله
بهم خوردگی زیاد واقع گردید و جنگ با سواره تا ظهر طول کشید. پس از آنکه سواره
بکلی منهزم گردیده و مقامات خود را از دست دادند عساکر ملی پل آجی را در ید تصرف
خود در آوردند. تلفات رویهم رفته به صدوپنجاه نفر می رسد.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سرلوتر به سرادواری (واصله ۱۰ اکتوبر [اکتبر])

اسلامبول ، ۱۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۱۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دیروز شما من تصور نمی کنم دلیلی بر عدم مراجعت مستر راتیسلا به

تبریز باشد.

(۱) ژنرال قنسول انگلیس در تبریز هم.

نمره - ۲۶۲

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادوار دگری (واصله ۱۱ اکتوبر [اکتبر])
 طهران ، ۱۱ اکتوبر ۱۹۰۸
 [۱۸ مهر ۱۲۸۷، ۱۵ رمضان ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت و اوضاع تبریز

مسیو دوهارت ویک و من دریاب اوضاع حالیه مذاکره نموده‌ایم و قرار داده‌ایم که مذاکره شفاهی متحدالمآلی در موقع ملاقات هفتگی روز چهارشنبه با وزیر امور خارجه بنماییم و از او استدعا کنیم که مطالب مارا به اعلیحضرت برساند. مطلب متحدالمآلی که می‌خواهیم به او عنوان نماییم ذیلا نگاشته می‌شود:

چون از دستخط اخیر تعبیرات اشتباهی شده خیلی مطلوب است که شاه نظر به منافع خویش اخطار دیگری طبع و منتشر نموده به عموم اهالی نشان دهد که بهیچوجه من‌الوجوه قصداً اینکه هیچیک از ایالات و ولایات را از حقوقی که به آنها اعطا نموده مستثنی دارد نداشته ولی امیدوار است که آنهایکه در تحت فرمان ستارخان به جنگ مشغولند برای تسهیل استقرار حکومت مشروطه اسلحه خود را زمین خواهند گذارد.

بعلاوه، نظر به نزدیک شدن ۲۷ اکتوبر [۴ آبان؛ ۲ شوال] مفید خواهد بود که قوانین انتخابات که در دستخط مذکور گردیده بزودی زود طبع و منتشر گردد محض آنکه انتخابات در تاریخی که تعیین شده بعمل آید (۱۴ نوامبر).

و از آنجائی که بسیاری از آنهایی که تحت‌السلح هستند از جان گذشته‌اند مطلوب خواهد بود که شاه قصد خود را اعلام نماید که آنهایی که حالا جنگ می‌کنند هرگاه تسلیم شوند معاف خواهند بود.

نمره - ۲۶۳

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادوار دگری (واصله ۱۲ اکتوبر [اکتبر])
 طهران ، ۱۲ اکتوبر ۱۹۰۸
 [۱۹ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۶ رمضان ۱۳۲۶]

تبریز

دسته چهارصد نفری قزاق از طهران بطرف تبریز حرکت کرده چهار عراده توپ هم با خود بردند. یکی یا بیشتر از صاحبمنصبان روسی هم همراه این استعداد خواهند رفت. مسیو دوهارت ویک مرا اطلاع می‌دهد که وظیفه صاحبمنصبان روس جلوگیری از غارت خواهد بود و تا آنکه مجادلات موقوف نشود به تبریز ورود نخواهند نمود.

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سرادوار دگری (واصله ۱۳ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۱۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۶]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز سرجارج [جرج] بارکلی مسیو چاریکوف [=چریکوف] مرا اطلاع می‌دهد که یک هفته قبل به سفیر طهران تعلیمات داده شده است که صاحب منصبان روس تا زمان استقرار صلح و آرامی در تبریز بایستی در طهران بمانند و هیچیک از آنها نباید همراه قزاقهایی که به آنجا فرستاده می‌شود بروند. صاحب منصبان روس یحتمل منتظر خواهند بود که هنگامی که سکون و آرامی در تبریز اعاده گردد قزاقان مراجعت نمایند.

مسیو چاریکوف بعلاوه اظهار داشت که امروز تلگرافی به مضمون فوق به سفیر کبیر روس مقیم لندن مخابره نموده است.

نمره - ۲۶۵

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادوار دگری (واصله ۱۶ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۱۶ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۳ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت و اوضاع تبریز

در ۱۴ شهر جاری کفیل جنرال قنسلگری اطلاع داد که مقامات عمده طرفداران شاه را حزب مخالف سوزانیده و غارت نمودند و بسیاری از دکاکین بازار را هم غارت کردند.

روز چهارشنبه من و مسیو دوهارت ویک بنابر قراری که داده بودیم مطالب متحدالمال خود را برای وزیر امور خارجه بیان نمودیم (رجوع به تلگراف ۱۱ شهر جاری من نماید) و حضرت اشرف وعده ابلاغ آن را به شاه دادند و نیز اظهار داشتند که قانون انتخابات حاضر است ولی از کیفیت آن قانون نتوانستم چیزی از او بدست بیاورم.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر ادوار دگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۶]

اوضاع تبریز

از قرار اطلاعی که به من رسیده دو دسته پیاده نظام روس و یکصد نفر قزاق از جلغا

حرکت کرده و بسمت تبریز می‌آیند. این خبر باعث تأثیر بدی در اینجا خواهد شد. آیا امکان ندارد دولت روس را راغب به عدم مداخله نمود؟

نمره - ۲۶۷

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سرادوارگری (واصله ۱۸ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۶]

امروز از مسیو چاریکوف [=چریکوف] دریافتیم که دیروز عصر در شورای کابینه تصمیم شده دو دسته پیاده نظام و هشتاد قزاق به مستحفظین قنصلخانه علاوه شود. علت این تصمیم آن است که یکی از منازل پستی روس را در عرض راه جلفا الی تبریز خراب نموده‌اند و مفتش روسی که در آنجا بوده برای حفظ جان خود باشکال زیاد فرار نموده و یکی از همراهان ستارخان او را نجات داده است. سبب دیگر این اقدام آن است که ستارخان امتناع می‌ورزد از اینکه زیاده‌براین ضمانت جان روسیان مقیم تبریز را بنماید. از قرار معلوم تخریب منزل پستی کار همراهان شاه و ملیین بوده است. از قراریکه مسیو چاریکوف [=چریکوف] نقل نموده عساکر دولتی بکلی شکست خورده‌اند.

نمره - ۲۶۸

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سرادوارگری (واصله ۱۸ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۱۸ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۵ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۶]

قزاق روسی برای تبریز

راجع به تلگراف ۱۷ شهر جاری شما امروز در ضمن مذاکرات مفصل با مسیو چاریکوف [=چریکوف] او چند فقره تلگرافاتی که مابین خود و مسیو دوهارت ویک رد و بدل شده بود قرائت نمود. از قراری که جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] توضیح نمود غارت و خرابی اموال روسی در منزل پستی کار مخالفین طرفداران سلطنت بوده و چنانچه دیروز من فهمیده بودم از طرف عساکر ملی و شاه بعمل نیامده است و او اظهاریقین نمود که جان اتباع خارجه مقیم تبریز و تأسیسات روسی آنجا از قبیل قنصلخانه و بانک و غیره در خطر بوده و فعلا امنیت صحیح در آنجا صورت وجود ندارد و بعلاوه مذکور داشت که این استعدادی که فرستاده شده کمترین عده بوده است که امکان داشته است فرستاده شود و همینکه عساکر مزبور از جلفا حرکت نمودند در هر نقطه اخطار خواهد شد که این استعدادی که به تبریز می‌رود به قصد آن است که در صورت لزوم از اتباع خارجه و تأسیسات آنها حفاظت نماید. مسیو چاریکوف اظهار داشت که او امر مؤکده صادر خواهد گردید برای آنکه این استعداد بهیچوجه نباید در امور داخلی ایران مداخله

نمره - ۲۶۹

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۱۹ اکتوبر) طهران ، ۱۹ اکتوبر ۱۹۰۸

[۲۶ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۶]

کفیل جنرال قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز راپورت می دهد که فعلا مشغول تنظیم پلیسها هستند و بازارها یحتمل تا آخر ماه مفتوح خواهد گردید. هم هم مشغول انبار کردن گندم برای موقع محاصره شهر می باشند و تهیات بسیار برای مقاومت قشون امدادی می بینند.

نمره - ۲۷۰

تلگراف سرآرتور نیکلسن به سرادواردگری (واصله ۲۰ اکتوبر [اکتبر])

سنت پترز بورغ، ۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۲۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۶]

تبریز
مسیو چاریکوف [چریکوف] را که امروز ملاقات کردم به من اظهار داشت که دسته ای که باید به مستحفظین قنصلخانه تبریز اضافه شوند ازجلفا حرکت نخواهند نمود چرا که اخباری که از آنجا واصل گردیده بهتر است واز قرار معلوم تا يك اندازه نظم در آنجا برقرار می شود. این مسئله تلگرافی به سفیر روس مقیم طهران مخابره شده و او نیز اطلاع یافته است که تا زمانی که جنرال قنصل روس مقیم تبریز آن قشون را نخواسته است باید در خاک روس بمانند. به جنرال قنصل تعلیم داده شده بود که تا زمانی که جان اتباع روس یا سایر اروپائیان را در معرض خطر نبیند آن دسته قشون را طلب ننماید.

نمره - ۲۷۱

تلگراف سرادواردگری به سرآرتور نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۲۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۶]

اغتشاشات اخیره تبریز
از کونت [کنت] بنکندرف شنیدم که به علت اظهار عقیده ای که من نمودم و به جهت اینکه فعلا تبریز آرام است و ستارخان اقدامات برای حفظ اهالی می نماید به قشون روس امر داده شده که در جلفا که در سرحد واقع است توقف نمایند و شما باید دولت روس را مسبوق نمایید که از اینکه آن دولت اظهارات مرا اصغاء نموده اند رضایت داشته و از فعلیت دادن به آن بسیار خوشوقت می باشم.

نمره - ۲۷۲

تلگراف سرادوار دگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۱ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۸ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دوم شهر جاری سر جارج [جرج] بار کلی، به نظر مطلوب می‌آید که شما با کفیل وزارت امور خارجه در باب این مسئله مشورت نمایید که آیا حالا موقع مناسبی است برای آنکه سفرای روس و انگلیس مقیم طهران به شاه پیشنهاد نمایند که تبریز را از این قید و دست و پا بستگی آزاد ساخته و از حکومت مشروطه محروم نسازند. ظاهراً این بهترین وسیله حصول و تأمین امنیت و آرامی تبریز است که در آنجا منافع تجارتي روس آنقدر دارای اهمیت است.

نمره - ۲۷۳

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترز بورغ، ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۳۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۶]

مشروطیت و انتخابات
راجع به تلگراف ۲۱ شهر جاری شما، مسیو چاریکف [چریکوف] با این پیشنهاد موافقت دارد که حالا در باب این مسئله و توسعه قانون تا تبریز به شاه پیشنهاد شود و چنانچه ارائه طریق می‌نماید شکل و طرز پیشنهادات بایستی به مشورت نمایندگان روس و انگلیس مرتب شود.

نمره - ۲۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج [جرج] بار کلی

وزارت خارجه، ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۳۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۶]

مشروطیت ایران

لطف نموده رجوع به تلگراف امروز سر آرتر نیکلسن بنمایید. من شما را مختار می‌کنم که چنانچه پیشنهاد نموده‌اید باتفاق مسیو دوهارت و یک عمل نمایید.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سرادواردگری به سرآرتور نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۳۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۶]

مشروطیت ایران

تلگراف امروز شما واصل گردید و برطبق آن به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیمات فرستادم. شما باید کفیل وزارت امور خارجه روس را از این مسئله مستحضر دارید.

نمره - ۲۷۶

تلگراف سر آرتور نیکلسن به سرادواردگری (واصله ۲۴ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۲۴ آکتوبر ۱۹۰۸

[یکم آبان ۱۲۸۷؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۶]

مسیو چاریکوف [=چریکوف] مرا اطلاع می دهد که به مسیو دوهارت ویک تعلیمات رسیده که نه او و نه قنصل روس مقیم تبریز نبایستی مستقیماً به قشون روس که ساخلوی جلفا هستند برای معاونت رجوع نمایند. ولی هرگاه جان اتباع روس در خطر باشد بایستی دولت روس را از آن مستحضر ساخته آن دولت اوامر لازمه ای را که مقتضی و مناسب دارد [داند] صادر خواهند نمود. به عقیده مسیو چاریکوف نظر به بهبودی اوضاع تبریز به نظر بهتر می آید که عنان کنترل حرکات قشون روس به دست خود آن دولت باشد. من اظهار داشتم با این عقیده که تصمیم اینکه در هر موردی آیا کمک لزوم دارد یا ندارد با دولت مرکزی باشد و نه با کارگزاران مقیم ایران، همراه هستم.

نمره - ۲۷۷

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۲۶ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۸

[۶ مهر ۱۲۸۷؛ ۳ رمضان ۱۳۲۶]

آقا

مسیوینزو در ۲۵ شهر جاری [۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۶] از من ملاقات نموده اظهار داشت که شاه همان روز صبح او را در اردوی خود احضار نموده واز او خواهش نموده است یک وسیله برای بدست آوردن مبلغ زیادی پول که برای پرداخت حقوق و تهیه آنوقه عساکر تبریز کمال لزوم را پیدا نموده بدست آورد. در ابتدای او اصرار شده است که مساعده چهارصد هزار لیرا [=لیره] را از انگلیس و روس تحصیل نمایند ولی

همینکه او اشعار نموده است که دولت ایران ابراز قصد انجام شرایطی را که دولتین در مقابل پرداخت این مساعده درخواست می‌نمایند ننموده و بنابراین او نمی‌تواند این پیشنهاد را به سفارتین بکند، صدراعظم پرسید آیا در صورتی که او (مشیرالسلطنه) جواهرات خود را رهن بگذارد مسیو بیزو نمی‌تواند دولت را بواسطه تحصیل پول کمک نماید؟ مسیو بیزو در جواب اظهار داشت که البته او نمی‌تواند وزراء را مانع شود از اینکه از راه معامله شخصی تحصیل پول نمایند ولی با هرگونه اقدام دولت در اینکه بدین وسایل بطور غیر مستقیم تحصیل پول نمایند مخالف خواهد بود.

من به مسیو بیزو عنوان نمودم که کاملاً موافقت دارم با عقیده اینکه در تحت اوضاع حالیه غیر ممکن است ایران را به امید اینکه از دولتین تحصیل معاونت مالی نماید تشویق نمود و محتمل نمی‌پندارم که بانک شاهنشاهی ایران یا بانک استقراضی در عوض رهن جواهرات مشیرالسلطنه پول قرض بدهند چرا که می‌دانند که آخر الامر این پول بموجب دستخطی از شاه به حساب دولت محسوب و منتقل خواهد گردید. من نیز با رأی او موافقت نمودم در اینکه فقط راهی برای آنکه به مساعی خانه خراب کن مجنونانه دولت در تحصیل پول خاتمه داده شود آن است که تحصیل آن برای آن دولت مشکل گردد و به آنها فهمانیده شود که فقط امید تحصیل معاونت مالی از دولتین یا از بانکها در این است که قبول اعمال بعضی اقدامات برای رفورم نمایند.

همان روز بعد از ظهر مسیو بیزو با سفیر روس و وکیل مالی روس مشورت نمود و چون عقاید هر دو آنها با عقیده خودش موافقت داشت، بشرط قبول آن از طرف من، قرار داده شد که مسیو بیزو و مسیو اوسترو گراتسکی روز بعد به دیدن صدراعظم رفته و به ایشان اظهار نمایند که تا زمانی که امورات مالی بطرز حالیه اداره می‌شود دولت نباید انتظار همراهی از سفارتین یا از بانکها داشته باشد.

این دوشخص روز بعد مطالب خود را به عرض شاه رسانیدند.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۷۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۲۶ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۳۰ [سپتامبر] ۱۹۰۸

[۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۴ رمضان ۱۳۲۶]

آقا

راجع به مکتوب ۱۰ سپتامبر خود افتخاراً سواد مکتوب ۱۸ شهر جاری وزیر امور خارجه را که حاوی دستخط شاه در جواب پیشنهادات متحدالمآل سفارتین انگلیس و روس است که اعلیحضرت را نصیحت نموده‌اند که مجلس را در ۱۴ نوامبر مفتوح داشته و اهالی تبریز را از قصد خود مستحضر دارد جوقاً ایفاد می‌دارم.

(۱) به همین گونه است در اصل از قرائن باید تاریخ تلگراف ۳۰ سپتامبر باشد. ر.ک. ش. ۲۸۱. م.

این جواب که آخر الامر فرستاده شده در حقیقت امتناع صاف و ساده‌ای است از اعتناء به نصایح دولتین و نمی‌توان چیز دیگری از آن بدست آورد. این جواب حقیقتاً آنقدر مخالف مأمول^۱ بود که سفیر روس خود را مجبور دانست پیغامی برای شاه فرستاده به آن اعلیحضرت اصرار نماید که برای اصلاح و رفع تأثیر بدی که در اذهان لندن و سنت پترزبورغ پدیدار خواهد گردید يك اقدام فوری بنمایند و نگذارند که سفارتین در این باب بیشتر دنبال کنند. در ۱۱ شهر جاری مسیو هارتویک به حصول نیم وعده از شاه درباب طبع و انتشار قانون جدید انتخابات در ۲۴ شهر جاری و افتتاح پارلمان در غره نوامبر (۱۴) یعنی در تاریخی که در مکتوب متحدالمال گردیده بود موفق گردید و روز ۲۲ شهر جاری وزیر امور خارجه از من ملاقات نموده و در ضمن به يك مراسله شخصی که من نوشته و حضرت اشرف ایشان را متنبه ساخته بودم که دولت اعلیحضرتی جواب شاه را قبول نخواهد نمود رجوع کرده و از من استفسار نمودند آیا اعلانی که شاه وعده داده است منتشر نماید به نظر شما چطور می‌آید؟ من به حضرت اشرف ایشان اظهار داشتم یقین دارم این اقدام از روی عقل است و چنانچه از مکتوب سفیر روس هم که برای من رسیده [دریافته می‌شود] عقیده ایشان هم همین است. سپس علاءالسلطنه از من پرسیدند که آیا می‌خواهم درباب اوضاع پلتیکی با شاه مذاکره نمایم؟ و شاه مایل است که وضعیت خود را برای من توضیح نماید؟ من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت دو ماه قبل خواهش عزل مرا نموده بود و اگر حالا بخواهد مرا بپذیرد این مسئله غریبی است ولی با این حال او امر آن اعلیحضرت را اطاعت می‌نمایم و بنابراین قرار شد که روز ۲۴ شهر جاری به حضور شاه شرفیاب شوم.

وقتی که حضور شاه رفتن آن اعلیحضرت در چادر دورویی که اطراف آن باز و سقف آن با مخمل زردوزی شده پوشیده بود جلوس فرموده پس از احوال‌پرسی آن اعلیحضرت اظهار تأسف نمود از اینکه چرا در این مدت متمادی مرا ندیده بودند! طولی نکشید که آن اعلیحضرت در باب مطالب پلتیکی شروع به صحبت نمود و همینکه من شروع به اصرار در این مسئله کردم که نظر به مصالح و منافع خودش برای او مناسب خواهد بود که نصایح دولتین انگلیس و روس را قبول نماید، آن اعلیحضرت مرا اطمینان داد که دستخط حاوی قانون انتخابات جدید و اعلان اجرای انتخابات به همین زودیها و انعقاد پارلمان را در همان روز طبع و منتشر خواهد نمود. من اظهار داشتم از استماع این تصمیم عاقلانه آن اعلیحضرت که البته اسباب رضایت دولت اعلیحضرتی خواهد بود مشعوف هستم. سپس شاه درباب مجلس سابق صحبت کرده و اظهار فرمودند مجلس سابق مرکب بود از اشخاص جاهل و نقشه آنها این بود که برای من اسباب زحمت فراهم آرند و انجمنهایی که همان اندازه شرارت کار و بانقشه آنها شریک بودند از ایشان تقویت می‌نمودند و در هر گونه مسائلی که بکلی خارج از لیاقت و کفایت آنها بود مداخله می‌نمودند و امیدوارم در تحت قانون جدید انتخابات يك مجلسی که در حقیقت مفید باشد افتتاح گردد. من اظهار داشتم عقیده من در يك مسئله با اعلیحضرت مخالفت دارد و آن این است که شاید اعضای مجلس

(۱) مأمول = آرزو - چشمداشت - انتظار. - م.

سابق جاهل بوده و در امورات خارج از وظیفه خود دخالت می نمودند، ولی یقین دارم که آنها در میل خود در بهبودی اوضاع مملکت صمیمیت داشتند و البته ترقی آن امکان داشت ولی امیدوارم که قانون انتخاباتی که در شرف طبع و نشر است این مسئله را به انجام رساند و در هر صورت بواسطه افتتاح پارلمان جدید آن اشخاصی که وانمود می کردند اعلیحضرت می خواهد مشروطیت را معدوم سازد دروغگو خواهند درآمد و همین اقدام به انقلابی که شیرازه مملکت را از هم گسیخته و دولت را فلج می نمود خاتمه خواهد داد. در ابتدا بواسطه میل مردم به داشتن حکومت خوبی بود که برای اعطای مشروطیت بنای داد و فریاد گذاردند و حالا برای شاه مقتضی است که عطف نظری به اصلاحات بنماید. شاه در جواب خود فوراً اظهار داشت من با نهایت ثبات مصمم هستم که هر يك از ادارات دولتی را اصلاح نمایم و ابتدا از وزارت مالیه شروع کرده و از خدمات مستشار مالیه که از قابلیت و صفات حمیده او یقین کامل دارم استفاده بسیار خواهد نمود. من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت نمی تواند مستشاری بهتر از مسیو بیزو پیدا نماید ولی از مخالفتی که تاکنون با او شده می توانیم بگوییم که حکومت حاضر ایران هم با او کمک و همراهی زیادی نخواهد نمود و نهایت درجه اهمیت را دارد که در اطراف شاه وزرانی باشند که مثل اعلیحضرت همینطور میل به اعمال و اجرای رفورم داشته باشند. در این مسئله هیچ گفتگویی نیست که ناصحین حالیه آن اعلیحضرت آن طوری که مطلوب است دست از نفع شخصی خود بر نمی دارند و امیدوارم اشخاص دیگر به جای آنها منصوب خواهند گردید. یکی از علل عدم پیشرفت و ترقی پارلمان سابق این بود که وزرای با کفایت با جزیره روی کار نبودند که وظایف حقیقی آنرا تشریح نموده و در اوایل افتتاح آنها را هادی باشند ولی بدبختانه حالا هم اثری از آنها هویدانیست و معلوم نیست که امورات از این حیث خیلی بهتر شده باشد. اصلاحات تماماً بسته به اقدامات خود اعلیحضرت است و امیدوارم که این موقع و فرصتی را که کمتر برای سلاطین سابق بدست آمده و هرگاه آنرا از دست بدهند شاید دیگر حصول آن میسر نگردد مقتنم شمرده. شاه در جواب اظهار فرمود که او مسئله لزوم همراهی صمیمانه وزراء را با خود بخوبی ملتفت است و مواظب خواهد بود که بر حسب میل او عمل شود و قانون جدید انتخابات انتخاب و کلای با فهم و معتدل را که در امورات رفورم مداخله نمایند تأمین می کند.

بعد در باب مطالب عمومی صحبت در میان بود و قریب يك ساعت و ربع من حضور شاه بودم.

هنگامی که به سفارت رسیدم راپورت داده شد که همان صبح دستخطی از طرف شاه در بازارها منتشر گردیده بود ولی پس از تحقیق عدم صحت آن خبر معلوم گردید. از قرار معلوم سواد يك قسم اعلانی نوشته شده و حتی برای طبع هم فرستاده شده بود ولی مواد آن آنقدر برخلاف دلخواه بوده است که به شاه نصیحت نموده اند آنرا اعلان ننمایند. از قرار مذکور در آن اعلان تاریخ شروع به انتخابات و افتتاح مجلس مذکور نگردیده و افتتاح مجلس سنا و مجلس عام اعلان شده ولی قانون انتخابات برای اعضای مجلس

عام را بطوری مرتب نموده بودند که منتخبین بهیچوجه صورت نمایندگی ملی نداشته و در حقیقت از طرفداران شاه انتخاب می‌شدند.

(امضاء) چارلز مارلینگ

ملفوف نمره ۲۷۸

ترجمه مکتوب علاءالسلطنه به مستر مارلینگ

۱۸ سپتامبر ۱۹۰۸

[۲۶ شهریور ۱۲۸۷؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

مکتوب ۸ شهر جاری شما را به شاه تقدیم نموده اکنون حسب الامر آن اعلیحضرت جوابی که فرموده‌اند به جناب شما ابلاغ می‌نمایم:

چنانچه اهالی مملکت و نمایندگان دولتین را به تأسیس مجلسی که مناسب مقتضیات مملکت و بروفق قوانین مذهبی و مقام مقدس شاه بود مجدداً باعث هرج و مرج و اغتشاش نباشد وعده داده‌ایم الحال در صدد تهیه ملزومات آن هستیم. اکنون که ایشان در این باب شرحی نوشته‌اند امید است که در تاریخی که تعیین نموده‌اند اعلانی برای افتتاح مجلس مبعوثان صادر شود ولی چنانچه نوشته می‌شود افتتاح این مجلس پس از اعاده نظم آنزبایجان خواهد بود و آنوقت اولیاء امور ایران فرصت خواهند داشت که ترتیبات تأسیس و اجتماع نمایندگان و افتتاح آن را فراهم آرند.

محض استحضار شما به مراتب فوق زحمت‌افزا شدم.

(امضا و مهر) محمدعلی علاءالسلطنه

نمره - ۲۷۹

مکتوب سر جارج [جرج] بارکلی به سرادوازدگری (واصله ۲۶ آکتوبر [اکتبر])

طهران ۲۰ آکتوبر ۱۹۰۸

[۹ مهر ۱۲۸۷؛ ۶ رمضان ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مکتوب ۱۰ شهر ماضی [۱۸ شهریور؛ ۱۳ شعبان] مستر مارلینگ افتخاراً عرض می‌نمایم که در عرض ماه گذشته چندان در مذاکرات که فیما بین نمایندگان ملت و فرمانفرما در تبریز شروع شده بود و در طی مراسلات فوق‌الذکر راپورت آن داده شده پیشرفتی حاصل نگردید. در موقعی که در ۱۱ ماه گذشته [۱۹ شهریور؛ ۱۴ شعبان] اجلاسی منعقد گردیده و فرمانفرما بطور وضوح اظهار عدم میل نمود براینکه نازمانی که شورشیان سر تسلیم پیش نیاوردند با خواهشات آنها موافقت نخواهد نمود یک دسته از اکراد ماکوئی با چند عراده توپ حمله شدیدی بطرف شمال غربی شهر نمودند. ملیین اکراد را عقب نشانده آنها اردوی خود را با یک عراده توپ و دوازده بار آذوقه و مهمات جنگی ترك نمودند. تلفات طرفین به دویست نفر تخمین شد.

در عرض هفته بعد طرفین اقدامی ننموده تا ۲۲ شهر گذشته فرمانفرما اولتیماتومی صادر نموده ملیین را ۳۸ ساعت مهلت داد که تسلیم شوند و در صورت عدم آن تهدید به بمباردمان شهر نمود. حضرت اشرف ایشان قصد خود را به قنصلخانهها اعلان نموده واز آنها درخواست نمود که چون نمیخواهد مسئولیت حفظ جان اتباع خارجه را که جزو شورشیان بوده اند به عهده گیرد آنها را از میان شورشیان خارج نمایند.

مستر استونز [استیونس] بر حسب تعلیمات مستر مارلینگک جواب داد که چون محله ای که مسیحیان در آن سکنی دارند به دست رولوسیونرها است و در جزو آن قسمتی است که تهدید به بمباردمان آن شده تبعه انگلیس اگر چه جزو جنگیان نبوده اند طوری شده که مجبور به بودن در میان شورشیان شده اند و او نمی تواند عدم مسئولیت دولت ایران را در باب امنیت جان و مال آنها قبول نماید.

مدت مهلت در طلوع صبح ۲۴ شهر ماضی [یکم مهر؛ ۲۷ شعبان] منقضی گردید، بدون آنکه از شورشیان آثار تسلیم ظاهر گردد، و بعد از ظهر همان روز به بمباردمان شروع شد. از طرف قشون شاه تا دو روز شلیک شد، اگر چه به عمارات شهر چندان صدمه نمی توانست وارد نماید و سواره ماکوئی هم در این حمله شرکت داشت. ملیین مقامات خود را حفظ نموده و اقدامی که برای سرکوبی آنها شده بود موفقیت حاصل ننمود. سپس مذاکرات دو مرتبه مابین طرفین جاری گردید و جنرال قنصل روس هم در این مذاکرات شرکت داشت ولی تا اندازه ای که بر من مفهوم گردیده نتیجه قطعی از آن بدست نیامده.

(امضا) جارج بارکلی

نمره - ۲۸۰

مراسله سر جارج [جرج] بارکلی به سرادوردگری مورخه ۱۷ اکتبر ۱۹۰۸
[۲۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۶]

از طهران

آقا

افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته اخیر در ایران را بطور معمول انفاذ دارم. جرج بارکلی

ملفوف در نمره ۲۸۰

مجمل حوادث ماهیانه ایران

طهران

سر جرج بارکلی در غره ماه اکتبر وارد طهران گردید و در ۳ ماه اکتبر [۱۰ مهر؛ ۷ رمضان] نامه خود را به شاه تقدیم نمود. مستر مارلینگک در ۶ ماه اکتبر [۱۳ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۶] از طهران حرکت نمود. در ۲۴ ماه سپتامبر [یکم مهر؛ ۲۷ شعبان] بنا بر خواهش شاه مستر مارلینگک خدمت

آن اعلیحضرت مشرف شده مسائل سیاسی جاریه مورد مذاکره قرار گردید [گرفت]. (اعضا) چرچیل، منشی السنه شرقی

رشت

هرج و مرج هنوز هم در تالش حکم فرما است. در این ایام نایب‌الحکومه تالش دولاب را با سی سوار به خفت از آنجا بیرون نمودند. حاکم گیلان در اواخر ماه سپتامبر با عده‌ای سرباز برای اعاده نظم بطرف تالش حرکت نمود ولی بواسطه باران شدید نتوانست که پیش برود. سربازان بواسطه نداشتن غذا و ملبوس دچار زحمات شده‌اند. هیچکس در گیلان جرئت ندارد که برای همراهی به مشروطیت اقدامات جدی نماید و جز اینکه اغتشاش در طهران روی بدهد ایالت گیلان خاموش خواهد ماند.

یزد

تمام راههای یزد به دست سارقین است و تجارت تقریباً از میان رفته است. تجار تلگرافی به شاه مخاברה نموده و استدعای کمک نموده‌اند ولی بدون هیچ نتیجه. هیچ نوع اقدامی برای استقرار نظم بعمل نمی‌آید و اگر شکایتی از سرقت به حاکم بشود جواب معمولی او این خواهد بود که نقطه‌ای که سرقت روی داده از قلمرومن خارج است. ترتیب پست بکلی بهم خورده است. در این اواخر پنج پست در یک نقطه برای مستحفظ معطل مانده بودند.

کرمان

ایالت به حال بی‌نظمی سابق عودت کرده رفت و آمد در راههای عمده بکلی موقوف و ترتیب پست هم وجود خارجی ندارد. فرمانفرمای جدید صاحب اختیار در اواخر ماه اوت به اردستان وارد گردید.

شیراز

بی‌نظمی در فارس در ماه اوت و سپتامبر روزافزون بود. پستها و عده زیادی از قوافل بسرقت برده شد. اوضاع کازرون به حال بی‌نظمی دائمی باقی است. ایل عرب، سیوند را تاخت‌وتاز نمودند. نایب‌الحکومه استعدادی برای سرکوبی حرکت داد ولی منتج نتیجه نگردید. فرمانفرمای جدید آصف‌الدوله در ۲۱ ماه سپتامبر [۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان] وارد شد. قبل از ورود او نایب‌الحکومه بطوری بی‌احترامانه با قنصل انگلیس رفتار نموده بود که اقدامات سخت لازم بود در طهران بعمل آید. پس از ورود فرمانفرما نایب‌الحکومه

(سردار فیروز) شخصاً به قنصلخانه آمده و کاملاً از رفتار خود معذرت خواست.
 (امضا) مازور استوکس اتاشه میلپتر به تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۰۸
 [۱۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۶]

نمره - ۲۸۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواری، ۸ اکتبر ۱۹۰۸
 [۱۵ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۲ رمضان ۱۳۲۶]

از طهران
 آقا

در تعقیب مراسله ۳۰ ماه گذشته مستر مارلینگ و تلگراف دوم این ماه خود افتخار دارم که ترجمه دستخط شاه را بطوری که منتشر گردیده انقاد دارم.
 من باید شما را متذکر سازم که اصل این دستخط بسیار مغلق [است] و مستر اسمارت برای ترجمه مجبور شده است که به حدسیات معنی بعضی عبارات آن را بفهمد.
 دستخط مذکور مجلس آتیه را توضیح می نماید که مجلس با شرایط معلوم و محدود خواهد بود و عقیده ایرانیهای مطلع بر این است که شاه بهیچوجه قصد ندارد که مجلس مستقلی انتخاب بشود. ولی دستخط وضوحاً قول می دهد که قانون انتخابات در غره ماه شوال (۲۷ اکتبر) [۴ آبان] برای اعلان حاضر خواهد شد و انتخابات مجلس در ۱۴ ماه نوامبر [۲۲ آبان؛ ۱۹ شوال] شروع خواهد شد. نظر به جهات فوق الذکر من پیشنهاد می نمایم که عجالاً اقدام دیگری از طرف سفارتین بعمل نیاید.
 (امضا) جرج بارکلی

ملفوف در نمره ۲۸۱

دستخط همایونی

جناب صدراعظم

پس از آنی که دولت محض استقرار نظم در مملکت و جلوگیری از مفسدین و انجمنها و اشخاص لامذهب که باعث اذیت مردم بودند مجلس را منحل نمود ما قول دادیم که پس از اعاده نظم و قلع و قمع رولوسیونرها و انجمنها و استقرار امنیت و خاموشی اهالی مجلسی منعقد نماییم که قوانین او موافق مقتضیات مملکتی و قوانین مقدس پیغمبری بوده حامی و مروج عدالت گردد تا اینکه ما بتوانیم تمام اهالی و تمام طبقات رعایای خود را که نگاهداری آنها از طرف خدای تعالی به ما واگذار شده در صلح و آسایش نگاه داشته و مفسدین را قلع و قمع نموده و آیین مقدس اسلام را که اولین وظیفه ما است حفظ و حراست نماییم. حتی به تمام نمایندگان دول متحابه هم اینطور ما اعلان نمودیم.
 اکنون که موقع انعقاد مجلس نزدیک شده ما به جناب شما اخطار می نماییم که مجلس با شروط معین و محدود موافق مقتضیات مملکتی که قوانین او بروفق شرع انور بوده

واز بروز اغتشاشات جلوگیری نماید در ۱۹ شهر شوال منعقد خواهیم نمود. لهذا به تمام اهالی مملکت و تمام طبقات رعایای ما اعلان نمایند که چون خدا شخص مقدس ما را حافظ مملکت و مردم و دارنده تاج و تخت و حامی مذهب مقدس فرموده و چون ما مقصودی جز صلح و آسایش مردم و اجرای قوانین عدالت نداریم و چون وظیفه ما این است که طریقه و عادات پیغمبر را سرمشق خود کنیم به این جهت ما به صدور این دستخط اهالی مملکت را مسرور و امیدوار می‌نماییم و ما نیز حکم می‌نماییم که مجلس مرکب از اشخاص متدین و عاقل به توفیق خدا و توجه امام دوازدهم در ۱۹ ماه شوال منعقد خواهیم نمود.

بوسیله این مجلس که موافق شرع و عدالت خواهد بود و مردم در آسایش خواهند بود و قوانین اسلام محفوظ و بموقع اجرا گذارده خواهد شد و تمام آثار اغتشاش، ناامنی و انجمنها محو خواهند شد.

نیت مقدس ما بموقع اجرا گذارده خواهد شد. راهها باز و مردم در ظل عنایت و مرحمت ما آسوده خواهند گردید. اقدامات برای آسایش آنها بعمل خواهد آمد و لوازم ترقی و ثروت مملکت زیاد خواهد گردید و به خواست خدای متعال ابواب سعادت برای مردم باز خواهد گردید.

والحال ما حکم می‌کنیم که شما قانون انتخابی و قانون مملکتی موافق شرع ترتیب داده برای غره ماه شوال حاضر نمایند تا اینکه هر دو مجلس منعقد گردد. تمام مردم تکلیف خود را شناخته از حدود خود تجاوز ننمایند تا اینکه تمام مردم براحته زندگی نمایند.

لیکن یاغیان تبریز طوری از افساد و خونریزی مقصردند که دولت نمی‌تواند از تقصیر آن ارادل بگذرد. به همه اعلان می‌شود که تا مدتی که نظم در تبریز برقرار نگردیده یاغیان قلع و قمع نشوند و اهالی بدبخت آن شهر از شر این اشخاص خلاص نگردند تبریز از حکم این دستخط خارج خواهد بود.

۲۷ شعبان ۱۳۲۶

[یکم مهر ۱۲۸۷؛ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۸]

محمد علی شاه قاجار

نمره - ۲۸۲

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری، مورخه ۲۰ اکتبر [۲۷ مهر؛ ۲۴ رمضان] از سن پترزبورغ.

مسیو چریکف امروز عصر به من اطلاع داد که خبر خوشی برای شما دارم. آن خبر مشعر بر این بود که راهپورتهای واصله از تبریز امیدبخش‌تر از سابق بوده و احتمال برده می‌شود که يك اندازه امنیت برقرار گردیده است. در این حال دولت روسیه مصمم شده است که دسته قشون روس بطرف تبریز حرکت نکرده و در جلفا توقف نماید.

این تصمیم دولت روسیه را به توسط تلگراف به اطلاع مسیو هارتویک رسانیده و به او گفته‌اند که دسته قشون مذکور در جلغا توقف خواهند نمود مگر اینکه از طرف ژنرال قنسول روس مقیم تبریز به آن سو احضار گردند.

بعلاوه دستورالعمل به ژنرال قنسول روس مقیم تبریز فرستاده شده است که دسته قشون را احضار نکند مگر اینکه بر او معلوم گردد که جان اتباع روسی یا اروپاییهای مقیم تبریز در معرض خطر فوری باشد و در صورتی که حضور دسته قشون لازم گردد او (ژنرال قنسول) باید اقدامات نموده و وظیفه قشون را فقط به حمایت اتباع روس و سایر اروپاییان مقیم تبریز محدود نماید و نباید که بهیچوجه به امورات داخلی یا نفاق بین مردم دخالت نمایند.

مسیو چریکوف مخصوصاً ذکری از اروپاییان مقیم تبریز برده به جهت اینکه از صحبت شما با کنت بنکندرف بر او چنین مفهوم گردیده بود که دولت اعلیحضرتی مایل است که در موقع لزوم حمایت از کلیه اروپاییان کرده شود.

من اظهار نمودم که یقیناً قنسول بدون اینکه سابقاً مراتب را به سن پترزبورغ رجوع نماید دسته قشون را احضار نخواهد نمود.

مسیو چریکف در جواب گفتند که این اقدام تقریباً غیر ممکن خواهد بود به جهت اینکه مسئولیت را باید برگردن آن شخصی گذاشت که در محل حاضر است و در صورتی که او قشون را احضار نماید ناچار اقدام فوری در پیش است و در آن صورت تعویق در کار بسیار خطرناک و موقع بسیار مهم خواهد بود. مسیو چریکف گفتند که ژنرال قنسول سی سال در ایران توقف نموده و اطمینان به او می شود کرد که قبل از هر اقدامی امورات را به آرامی و دقت لازمه مذاقه خواهد نمود.

من به مسیو چریکف گفتم که این خبری را که شما به من نقل نمودید بسیار اسباب راحت خیال من و یقیناً باعث امتنان دولت اعلیحضرتی خواهد گردید.

نمره - ۲۸۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادوارگری، مورخه ۲۶ اکتبر [۳ آبان؛ ۳۰ رمضان]

از طهران

شاه و مشروطیت

در پنجشنبه گذشته سفارتین اقدامات خود را در خصوص محروم نمودن [مردم تبریز؟]

از انتخابات بطوری که دستخط شاه مقرر می‌داشت تجدید نمودند.

الحال مسیو هارتویک و من پیشنهاد می‌نماییم که در صورت تصویب دولتین متبوعتین یادداشت متحدالمال ذیل را به توسط وزیر امور خارجه به شاه ارسال داریم. ما مخصوصاً این ترتیب را پیشنهاد می‌نماییم محض اینکه شیوع پیدا نکند که اقدامات ما همیشه مستقیماً با شخص شاه است.

«از اطلاعاتی که برای سفارت انگلیس و روس واصل گردیده همچو معلوم می‌گردد که

در این ایام اخیر نسبتاً آرامی در آذربایجان برقرار گردیده است.

«اهالی تبریز بواسطه تنگ آمدن از بی‌نظمی و آرزوی صمیمانه‌ای که آنها برای استفاده از مراحم ملوکانه شما دارند اخیراً به‌اعلیحضرت شما تلگرافی عرض نموده و استدعا نموده‌اند که به آنها هم مثل سایر نقاط ایران فیض از مشروطیت عطا گردد و اجازه به آنها داده شود که شرکت در انتخاباتی که برای ۲۷ ماه اکتبر معین گردیده بنمایند.

«سفیر اعلیحضرتی (روس) به اطاعت تعلیمات از دولت متبوعه خود افتخار دارد که جلب دقت نظر اعلیحضرت شما را به مطالب ذیل بنماید.

«نظر به اوضاع حاضره برای اینکه بالاخره این ایالت آرام گردد خیلی مقبول خواهد بود که آن ایالت را از انتخاباتی که در ۲۷ ماه اکتبر قول داده شده است خارج ننموده و این موقع را مغتنم شمرده بتمام اشخاصی که در این چند ماه اخیر در تحت سلاح رفته بودند عفو [اعطاء] نمایند.»

نمره - ۲۸۴

تلگراف سرادواردگری به سر جرج بارکلی، مورخه ۲۷ اکتبر [۴ آبان؛ یکم شوال] از وزارت خارجه، لندن.

راجع به تلگراف دیروز شما - مراسله متحدالمال بشاه - در صورت قبولی دولت روسیه من مضمون مراسله شما را تصویب می‌نمایم.

نمره - ۲۸۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری، مورخه ۲۹ اکتبر [۶ آبان؛ ۳ شوال] از طهران

اوضاع تبریز

راپورتی از کفیل ژنرال قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من واصل گردیده مشعر بر اینکه در ۲۷ این ماه بازارها باز شده و شهر هم کاملاً آرام است. بعلاوه، او راپورت می‌دهد که هرچند که شجاع‌نظام بواسطه بمبی که بتوسط پست برای او فرستاده شده بود مقتول گردیده است.

راه جلفا هنوز هم مسدود [است] و خسارت زیادی به تجارت وارد می‌آید.

نمره - ۲۸۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری، مورخه ۲۹ اکتبر [۶ آبان؛ ۳ شوال] از طهران

شاه هنوز قانون انتخاباتی که وعده داده بود در ۲۷ این ماه بطبع برساند بطبع نرسانیده است. همچو می‌فهماند که برای دولت ایران از ولایات تلگراف رسیده که آنها مایل نیستند که در انتخابات مجلس شرکت نمایند.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سرادواردگری به سرنیکلسن، مورخه ۳۰ ماه اکتبر [۷آبان؛ ۴شوال]
از وزارت خارجه، لندن
رجوع به تلگراف ۲۹ این ماه سربارکلی نمایید
مشروطیت ایران

شما خوب است که برای دقت نظر وزیر امور خارجه پیشنهاد نمایید که عبارت ذیل به
مراسله متحدالمالی که دولتین قصد ارسال به شاه دارند الحاق گردد.
«خیلی اسباب تعجب دولتین گردیده است که شاه به قول خود در خصوص انتشار
قانون انتخابات رفتار ننموده است. دولتین امیدوارند که بیش از این تعویق در این اقدام
حاصل نگردد.»

نمره - ۲۸۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری، مورخه ۳۱ اکتبر [۸آبان؛ ۵ شوال]
از سن پترزبورغ

اخبار واصله برای وزیر امور خارجه روس بهیچوجه بطور دلخواه نیست و شعر
بر آن است که خسارت مهمی به تجارت روس وارد آمده و مسیو ایزولسکی به من
دیروز چنان فهمانید هرچند که او بسیار مایل است که در امورات داخلی دخالتی
ننماید ولیکن خیلی مشکل است که [بتوان] اجازه داد اوضاع برای مدت غیر معینی به این
ترتیب باقی بماند.

من اطلاعی که سرجرج بارکلی در تلگراف ۲۹ این ماه خود داده بود به ایشان نقل
نموده و اظهار داشتم که بنابر تلگراف مذکور هرچند که راه جلفا خراب است ولی خود
تبریز بکلی خاموش است.

نمره - ۲۸۹

تلگراف سرادواردگری به سرنیکلسن، مورخه ۳۱ ماه اکتبر [۸ آبان؛ ۵ شوال]
از وزارت خارجه، لندن

راجع به تلگراف ۳۱ این ماه شما من امیدوارم که در عوض مداخله روس طریق دیگری
فکر بشود چون که این اقدام اثر بسیار بدی در این مملکت خواهد بخشید.
در صورتی که من کاملاً از اشکال اوضاع مستحضر هستم ولی به عقیده من استقرار نظم فقط
و داشتن شاه است که به قول خود رفتار نماید.

شما خوب است که به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید که من حاضرم دستورالعمل برای
مستر رتیسلو [راتیسلا] فرستاده که او نفوذ خود را برای استقرار نظم در تبریز بکار برده

و مردم را از بعضی اقدامات که مخالف به منافع تجارت روسیه است منع نماید. شما خوب است که همچنین از جناب ایشان تقاضا نمایید که مراسله متحدالمالی که سر جرج بارکلی تلگراف نموده بود به انضمام جمله‌ای را که من در تلگراف ۳۰ این ماه خود به آن ملحق نموده بودم تصویب نمایند.

نمره - ۲۹۰

تلگراف سر نیکلسن به سرادوردگری مورخه غره نوامبر ۱۹۰۸

[۹ آبان ۱۲۸۷؛ ۶ شوال ۱۳۲۶]

از پترزبورغ

راجع به تلگراف ۲۶ اکتبر از طهران

یادداشت متحدالمال

دولت روسیه پیشنهاد می‌نماید که پس از جمله «اجازه به آنها داده شود که شرکت در انتخابات» عبارت «که برای ۲۷ اکتبر معین گردیده» در مراسله متحدالمال نوشته شود.

بعلاوه دولت روسیه پیشنهاد می‌نماید که پس از جمله «برای اینکه بالاخره این ایالت آرام گردد» یادداشت به عبارت ذیل تمام شود «و اجازه اعطای عفوی را که اهالی آنجا استدعا می‌نمایند داده شود و در آنموقع به تمام رعایای آن اعلیحضرت که آلوده در اقدامات اخیر رولوسیونرها بودند عفو عمومی عطا گردد».

وزیر امور خارجه کاملاً با عبارتی که شما در تلگراف ۳۰ اکتبر خود به یادداشت اضافه نموده بودید موافقت دارند و پیشنهاد می‌نمایند که مفاد آن به این طریق انشاء گردد «و در همین موقع از طرف دولت روس (انگلیس) به سفیر خود اجازه داده شده است که اظهار تعجب از تعویقی که در انتشار قانون اساسی روی داده نموده و امیدوارند که اعلیحضرت شاه بدون فوت وقت به قولهای خود عمل خواهند نمود».

نمره - ۲۹۱

تلگراف سرادوردگری به سربارکلی مورخه غره نوامبر [۹ آبان؛ ۶ شوال]

از وزارت خارجه، لندن

خواهش می‌کنم که به تلگراف ۳۱ ماه گذشته من به سن پترزبورغ رجوع نموده و در هر موقعی که شما با ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز (مستر رتیسلو [راتیسلا]) در خصوص اقداماتی که به نظر شما می‌رسد مشورت نمودید مرا از آن مطلع سازید.

تلگراف سرادواری به سرادواری مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال] ۲۹۲ - نمره

از سن پترزبورگ به تلگراف ۳۱ ماه گذشته شما
 امشب ذکر می‌گردد از اوضاع تبریز با مسیو ایزولسکی نمودم.

جناب ایشان می‌گویند که قوه به تبریز نخواهد فرستاد مگر اینکه حکماً لازم گردد
 و قول به من دادند که اگر همچو موقعی روی دهد مرا پیش از اجرای آن اقدام مطلع
 خواهند ساخت.

جناب ایشان گفتند که نظر به خسارت مهمی که به تجارت روس وارد می‌آید فشار زیاد
 به ایشان آورده می‌شود که یک نوع اقدامی بنمایند ولی قصد ایشان این است که همچو
 کاری نکنند.

عقیده ایشان بر این است که واقعاً روسیه صبر و خودداری زیادی در این باب نموده
 است.

تلگراف سرادواری به سرادواری مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال] ۲۹۳ - نمره

از وزارت خارجه، لندن
 خواهش می‌کنم که به تلگراف ۲ این ماه خود رجوع نمایند.

دولت روسیه بسیار خودداری و صبر نموده دولت اعلیحضرتی رضایت تام از اعتدال
 آن دولت دارد.

دولت اعلیحضرتی با صمیمیت زیاد امیدوار است که دولت روسیه مجبور به اقدامات نگردد و با
 امتنان فوق‌العاده اطلاع حاصل نمودیم که وزیر امور خارجه روس قول داده است که اگر
 اقدامی حتماً لازم گردد شما را مطلع سازد.

تلگراف سرادواری به سرادواری مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال] ۲۹۴ - نمره

از وزارت خارجه، لندن
 در موقعی که برای همکار روس شما هم همینطور دستورالعمل رسید شما می‌توانید که
 یادداشت متحالمان بطوری که مضمون آن در تلگراف ۲۶ ماه گذشته شما مندرج بود بعلاوه
 تغییراتی که بموجب تلگراف غره این ماه از سن پترزبورگ به آن داده شده بود تقدیم
 شاه نمایید.

نمره - ۲۹۵

تلگراف سرادواردگری به سر جرج بارکلی مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال]
از وزارت خارجه، لندن
راجع به اوضاع تبریز
من به شما اجازه می‌دهم که به ژنرال قنصل انگلیس مقیم آن شهر بطوری که جمله آخر
تلگراف ۳۱ ماه گذشته من به سر نیکلسن می‌رساند دستور العمل بفرستید.

نمره - ۲۹۶

تلگراف سر نیکلسن به سرادواردگری، مورخه ۴ نوامبر [۱۲ آبان؛ ۹ شوال]
از سن پترزبورغ
راجع به یادداشت متحدالمآل

به همان ترتیبی که شما بموجب تلگراف ۲ ماه نوامبر برای سر بارکلی در خصوص
ارسال یادداشت متحدالمآل دستور العمل فرستاده‌اید دولت روسیه هم برای سفیر خود در
طهران تعلیمات فرستاده است.

نمره - ۲۹۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری، مورخه ۸ نوامبر [۱۶ آبان؛ ۱۳ شوال]
از طهران

نمایش علیه مشروطیت که اتباع شاه ترتیب آنرا داده بودند دیروز در باغشاه روی
داد. هیئتی مرکب از چند صد نفر اشخاص نماینده تمام طبقات اهالی به اردوی شاه
رفته صدراعظم و سایر وزرای دیگر از آنها پذیرایی نمودند.

پس از این که تلگرافاتی که از ولایات و یکی هم از تبریز راجع به عدم میل آنها به
مشروطیت و استدعای رد آن قرائت گردید درباریان عریضه‌ای در این خصوص به هیئت مذکور
برای امضا داده تمام حضار به انضمام وزراء عریضه مذکور را امضا نموده و به خدمت
شاه بردند.

اعلیحضرت شاه پس از قدری اعتراض و اظهاراتی که من می‌خواهم الحال قانون انتخابات
را بطبع برسانم قول دادند که به صدراعظم حکم خواهد نمود که بطور دلخواه امضا کنندگان
عریضه رفتار نماید.

احتمال کلی می‌رود که اغلب آن اشخاص از ترس عریضه را امضا نمودند همانطور که
یکی از وزراء بمن اظهار نمود که او هم از ترس امضا کرده است.

نمره - ۲۹۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری مورخه ۸ نوامبر [۱۶ آبان؛ ۱۳ شوال]
از طهران
راجع به تلگراف ۲ این ماه شما
شاه و مشروطیت
امروز عصر مسیو هارتویک و من یادداشتی که به عنوان شاه بود به وزیر امور
خارجه ارائه دادیم.

نمره - ۲۹۹

تلگراف سر نیکلسن به سرادواردگری مورخه ۹ نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال]
از سن پترزبورغ
امروز صبح مسیو ایزولسکی را ملاقات نموده و به من اطلاع دادند که هیچ خبری
راجع به حوادث اخیر در طهران برای ایشان ترسیده است ولی ایشان به سفیر روس مقیم
طهران تلگرافاً [تلگرافی] تقاضای فرستادن راپورت نموده‌اند.
چونکه سفارتین دیروز یادداشت متحدالمآل را فرستاده و از قرار معلوم هم شاه فی الواقع
مشروطیت را برهم نزده بلکه فقط به صدراعظم خود دستورالعمل داده است که برای رضایت
امضا کنندگان عریضه عجالاً اقدامی برای انتخابات بعمل آورده نشود لهذا ممکن است
امیدوار شد که باز هم شاه قطعاً اقدامی برای برهم زدن مشروطیت ننماید.
من به مسیو ایزولسکی اظهار نمودم که اگر واقعاً شاه برخلاف قول خود رفتار نماید
به نظر من دولتین باید اقدام مهمی برای جبران رفتار او بنمایند.
ایشان سؤال نمودند که به چه شکل ممکن است که این اقدام را نمود. من اظهارداشتم
که شاید ممکن بشود دولت روسیه صاحب منصبان خود را برای اندک زمانی از خدمت
شاه احضار نماید تا اینکه به این وسیله دولت روسیه به شاه حالی نماید که او نباید
منتظر کمک از روسیه باشد.
مسیو ایزولسکی خاطر نشان نمودند که به همچو اقدامی ایرادهای مهم می شود گرفت.
بربگاد قزاق بدون صاحب منصب اروپایی ابدأ نخواهد توانست امنیتی برقرار نماید و به جهت
اینکه باز هم امید است که شاه دقت نظری از قولی که به امضا کنندگان عریضه داده است
بنماید.
مسیو ایزولسکی با من کاملاً موافق بودند که این عریضه مصنوعی به حکم دربارها
نوشته و امضا گردیده است و این اشخاص ابدأ رأیی در اینخصوص نداشته‌اند.

نمره - ۳۰۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی، مورخه ۹ نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال]
از وزارت خارجه، لندن
راجع به تلگراف ۸ این ماه شما
مشروطیت ایران
تحصن بالا جماع وضوحاً برای مقاصد پلتیکی خواهد بود. باین جهت شما خوب است سعی
وافی نموده نگذارید که سفارت انگلیس برای محل تحصن استعمال گردد.

نمره - ۳۰۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری، مورخه ۱۰ نوامبر [۱۸ آبان؛ ۱۴ شوال]
از طهران
راجع به تلگراف دیروز شما
بست در سفارت اعلیحضرتی
آثاری مشاهده نمی شود که مردم قصد تحصن در سفارت را داشته باشند.

نمره - ۳۰۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری، مورخه ۲۰ نوامبر [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال]
از طهران
راجع به تلگراف ۸ این ماه من
شاه و مشروطیت
مسیو هارتویک و من از شاه تقاضای شرفیابی خصوصی نموده ایم برای اینکه توضیحاتی
در مراسله متحدالمآل ۸ این ماه خود داده و به آن اعلیحضرت نصیحت نماییم که به قولهای
خود رفتار نموده و قطع نظر از نمایش ۷ این ماه مشروطیت را برقرار نماید.
در ۱۲ این ماه جداگانه من و مسیو هارتویک خدمت شاه مشرف خواهیم شد.
(جرج بارکلی)

نمره - ۳۰۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی، مورخه ۱۱ نوامبر [۱۹ آبان؛ ۱۶ شوال]
از وزارت خارجه، لندن
راجع به تلگراف ۱۰ این ماه شما
شاه و مشروطیت
دولت اعلیحضرتی اقدام شما را تصویب می نماید.

نظر به منافع خود شاه و آرامی مملکت خودش صلاح این است که آن اعلیحضرت به قولهایی که به مردم ایران داده است عمل نماید. به این طریق امنیت و صلح در ایالت آذربایجان و تبریز برقرار خواهد گردید. شما خوب است که این نکات را به آن اعلیحضرت حالی نمایید.

نمره - ۳۰۴

تلگراف سرجرج بارکلی به سرادواردگری، مورخه ۱۳ نوامبر [۲۱ آبان؛ ۱۸ شوال] از طهران
شاه و مشروطیت

شاه دیروز مسیو هارت ویک و امروز من را بطور خصوصی به حضور خودشان پذیرفت. مفاد اظهارات ما موافق تلگراف ۱۱ این ماه شما به یک طریق بود. ما به شاه اصرار نمودیم که برای خاطر نمایی که در شنبه گذشته علیه مشروطیت ترتیب داده شده بود شاه نباید برخلاف ضمانتهایی که به مردم ایران و دولتین متحابین داده است رفتار نماید.

در جواب شاه گفتند که قسمت زیادی از مردم مشروطیت را برخلاف مذهب خود می پندارند و به این جهت با آن مخالف هستند. شاه مصنوعی بودن نمایش روز شنبه را تکذیب نموده ولی به من اطمینان دادند که در آن موقع رأی قطعی در هیچ اقدامی ندادند. آن اعلیحضرت اظهار نمودند که شخصاً من مایل به مجلس هستم ولی در صورتی که مثل مجلس سابق نباشد.

من خاطر نشان نمودم که عقیده عموم بر این است که اعلیحضرت شما خیال ندارید که به قولهایی که داده اید رفتار نمایید و در صورتی که واقعاً شما مایل به مشروطیت هستید عقیده مردم خیلی در خطا است.

در خصوص حسیات اغلب مردم من با اعلیحضرت هم عقیده نبوده و جداً تأکید نمودم که نظر به منافع خود آن اعلیحضرت و اعاده نظم در آذربایجان و رفع اشتباه اذهان مردم بهتر آن است که فوراً به قولهایی که داده اید رفتار نمایید.

نمره - ۳۰۵

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری، مورخه ۱۴ نوامبر [۲۲ آبان؛ ۱۹ شوال] از سن پترزبورگ

دیشب من با مسیو ایزوالسکی [=ایزولسکی] در خصوص اوضاع ایران صحبت داشتیم. جناب ایشان گفتند که در دو نکته ایشان مصمم شده اند و آن دو نکته این است که روسیه نه مداخله نماید و نه به شاه کمک کند.

اقداماتی که ترک آن را مصمم شده اند معلوم است ولی نگرانی ایشان از این است که چه

اقدامی برای علاج اوضاع کرده بشود تا اینکه اوضاع منجر به انارشی بشود که دخالت دولتین حتمی گردد. به نظر ایشان اینطور رسیده است که طرح اصلاحاتی با موافقت دولت اعلیحضرتی ترتیب داده شود [و] شاه را مجبور به اجرای آن نمایند.

جناب ایشان گفتند که در خصوص احضار صاحب‌منصبان قزاق روسی که من پیشنهاد کرده بودم غور نموده و به نظر ایشان این اقدام در این موقع خطرناک می‌آید.

مسیو هارت ویک از طهران حرکت نموده و خیال مسیو ایزوالسکی این است که یک کمیسیون اداری برای رسیدگی به اوضاع ایران و ترتیب بعضی پیشنهادات راجع به اصلاح امور این مملکت تشکیل دهد.

من به مسیو ایزوالسکی قول دادم که مجملی از مفاد صحبت خودمان را برای شما تلگراف نموده و گفتم که شما شاید بعد از تبادل افکار با اشخاصی که در ایران نیستند بتوانید بعضی پیشنهادات برای بهبودی اوضاع حالیه بنمایید.

نمره - ۳۰۶

تلگراف سر جارج [جرج] بار کلی به سرادوار دگری (واصله ۱۴ نوامبر)

طهران ، ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۲ آبان ۱۲۸۷ ؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۶]

مسیو دو هارت ویک به من اظهار داشت که فردا برای انجام امورات رسمی از طهران برای سنت پترزبورغ رهسپار خواهد شد.

مسیو سابلین منشی [دبیر] اول، روز پنجشنبه وارد شد و پس از حرکت مسیو دو هارت ویک مشاغل او را به عهده خواهد گرفت.

نمره - ۳۰۷

تلگراف سر جارج [جرج] بار کلی به سرادوار دگری (واصله ۱۵ نوامبر)

طهران ، ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آبان ۱۲۷۸ ؛ ۲۰ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

در موقع شرفیابی حضور شاه در روز پنجشنبه دقت نموده این مسئله را به آن اعلیحضرت توضیح نمودم که میل من این نیست تشکیل مجلسی بطرز مخصوص برای ایران تجویز نمایم.

شاه در صورتی که خیلی مشتاق باشد برای او سهل خواهد بود که در میان رعایای خود اشخاصی بدست آورد که لایق و کارآمد بوده و قانون انتخابات را تنظیم نمایند بطوری که مجلسی از نمایندگان معتدل تشکیل گردد. چنین مجلسی در صورتی که از زیاد رویهای مجلس سابق احتراز نماید در مقابل سوء اعمالهای [= سوء اعمال] حالیه موقع خوبی برای موفقیت داشته در جلو این هیئتی که حالا بر سر کار هستند سدی خواهد بود.

نمره - ۳۰۸

مکتوب قنصل استوتز [استیونس] به سرادواردگری (واصله ۱۶ نوامبر)

باطوم، ۶ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۴ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۱ شوال ۱۳۲۶]

آقا

چون اخیراً راپورت‌های مکرره در روزنامه‌جات مختلفه انگلیسی و سایر ممالک اروپا درباب اعزام قشون از طرف دولت روس به شمال ایران دیده‌ام من مخصوصاً زحمت کشیده تحقیق صحت‌این خبر را نموده‌ام و امروز برحسب اطلاع تلگرافی که از جلفای روس برای من رسیده می‌توانم به شما اطلاع دهم که برقرآقهایی که دائماً ساخلسوی آنجا هستند تازگی علاوه نشده و هیچ قشون روس از سرحد برای آذربایجان عبور ننموده و در راه هم نیستند که بطرف تبریز بیایند.

(امضا) استوتز

نمره - ۳۰۹

تلگراف سر جارج [جرج] بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۱۶ نوامبر)

طهران، ۱۶ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۴ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

از زمانی که در باغ‌شاه در روز ۷ شهر جاری بنای نمایشات علیه مشروطیت گذارده شد در میان مشروطیین تا اندازه‌ای جوش و خروشی پیدا شده و ملتیان چندین اجلاس داشته‌اند.

دیروز عریضه‌ای که رئیس سابق مجلس صنیع‌الدوله و سایر نمایندگان معتبر و بعضی از علما و تجار امضا نموده بودند به تمام سفارتخانه‌ها فرستاده شد. صاحبان امضای این نوشته عابه این نمایشات مصنوعی برضد مشروطیت در باغشاه پروتست نموده و بیان نموده‌اند که ملت منتظر معاونت سفارتخانه‌ها برای تحصیل مشروطیت بوده و با کمال اشتیاق انتظار آن را دارند.

نمره - ۳۱۰

تلگراف سر جارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۱۹ نوامبر)

طهران، ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۷ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

وزیر امور خارجه مرا اطلاع داده است که شاه در نظر دارد خود يك مجلس شورائی تأسیس نماید. من از این که شاه به این طریق درصدداست از مواعید خود دوری جوید اظهار یأس نموده و خاطر نشان نموده‌ام که انتخاب اعضاء و تشکیل مجلس توسط ملت یکی از خصوصیات هر نوع حکومت مشروطه است. دوسه نفر از وزرائی که بواسطه نفوذ و اقتدار می‌شوم خود باعث این اوضاع اندوهگین مملکت شده‌اند بر مجلسی که تشکیل آن پیشنهاد شده کنترل تام خواهند داشت.

گمان می‌کنم هر گاه در ظرف این دوسه‌روزه اعلان اقدام موافق دلخواه نشود سفارتین باید اقدامات دیگری در باغشاه بنمایند و عقیده من این است که سفارتین متفقاً عمل نمایند. ممکن است از شاه استدعا نمایم ترجمانهای ما را که با آنها بهتر بطور آزادانه و آشکارا صحبت می‌کند تا آنکه به نمایندگان، بپذیرد و مطالب را بطور صحبت صاف و ساده می‌توان به آن اعلیحضرت بیان نمود.

وظیفه ترجمانها این خواهد بود که کوشش نموده به آن اعلیحضرت بفهمانند که دولتین هر دو به يك اندازه مایل مشاهده اعاده نظم ایران و تأمین سعادت آن بوده اصرار آنها در تأسیس حکومت مشروطه بهترین همراهی و معاونت آن اعلیحضرت خواهد بود در نیل به این مقاصد و ترجمانهای مذکور در ضمن صحبت خود رشته مذاکرات سابقه با آن اعلیحضرت را تعقیب نموده و به آن اعلیحضرت اصرار خواهند نمود که با چند نفر مردمان کارآمدی که بتوانند نصایح حسنه بدهند در باب شکل و طرز مجلسی که با احتیاجات مملکتی مناسبت تام داشته باشد مشورت نماید.

مسیو سابلین هم که من او را از طریق صحبتی که پیشنهاد شده است مستحضر داشته‌ام بامن موافقت دارد و بر وفق آن به دولت متبوعه خود تلگراف می‌کند.

نمره - ۳۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ، ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۸ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

امیدوارم به نمایندنده دولت روس تعلیم داده شود که بر وفق مفاد ارائه طریق سر جارج [جرج] بارکلی که در تلگراف دیروز خود نموده بود و من کاملاً با آن موافقت دارم عمل نماید.

نمره - ۳۱۲

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸

[۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۰ شهر جاری، به نماینده دولت روس مقیم طهران تعلیمات داده شده بود که برطبق ارائه طریق سرجارج [جرج] بارکلی عمل نماید. [تلگراف سرجارج به تلگراف ۲۰ شهر جاری، به نماینده دولت روس مقیم طهران تعلیمات داده شده بود که برطبق ارائه طریق سرجارج [جرج] بارکلی عمل نماید.]

نمره - ۳۱۳

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۲۲ نوامبر)
 طهران، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸
 [۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

صدراعظم مرا دیروز اطلاع داد که شاه بنا بر نمایشی که روز پنجشنبه در باغشاه برضد مشروطیت داده شد دستخطی برای طبع فرستاده در آن مذکور است که مجلسی که مخالف اسلام است اعطا نخواهد نمود. اگر چه عبارت این نوشته بطور مبهم نوشته شده عموم اینطور می فهمند که مقصود آن اعلیحضرت این است که از اعطای هرگونه مجلس منتخبین امتناع می ورزد.

ظاهراً کمال لزوم را دارد که بایستی فوراً اظهارات متحدالمآل به شاه بشود و مسیو سابلین و من یادداشت متحدالمآلی امروز برای وزیر امور خارجه می فرستیم و در آن اظهار تعجب و افسوس می کنیم از اینکه آن اعلیحضرت مواعید خود را نقض نموده و چنین تصمیم تأسف- انگیزی نموده است که نصایح مشاورین بدکردار را تعقیب نموده و به عرایضی که نماینده احساسات حقه ملت نیست گوش می دهد و درحالی که اظهار یقین خواهیم نمود که فقط طریقی که برای آرام نمودن اهالی که در آذربایجان بنای شورش گذارده و در پایتخت و سایر ایالات و ولایات مملکت در حال غلیان و هیجان هستند متصور است استقرار مشروطیت می باشد. اظهار خواهیم داشت که از دولتین متبوعتین خود منتظر تعلیمات هستیم که مطالب دیگر اظهار نماییم.

نمره - ۳۱۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۲۲ نوامبر)
 طهران، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸
 [۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف امروز من بایستی راپورت دهم که دستخط شاه اکنون منتشر گردیده. مضمون این دستخط مصالحت آمیز نیست و در آن مذکور است که اعلیحضرت بکلی از خیال تأسیس پارلمان منصرف گردیده اند چرا که علما چنین مجلسی را مخالف اسلام می دانند.

نمره - ۳۱۵

مکتوب سر جارج [جرج] بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ، ۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۹ شوال ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً خلاصه راپورت ماهیانه وقایع چهار هفته گذشته ایران را بطریق معمول لفاً ایفاد می‌دارم.

ملفوف نمره - ۳۱۵

خلاصه ماهیانه وقایع ایران

طهران

شاه هنوز در اردوئی که در ۴ ژون [۱۴ خرداد؛ ۴ ج ۱] در باغشاه تشکیل داده سکونت دارد. امیر بهادر سپهسالار هنوز اول شخص مقتدر محبوب است و حکومت استبدادی جریان کامل دارد.

کلنل لیاخوف هنوز حاکم نظامی طهران و قوای پلیس در تحت امر اوست و حقوقشان را او مرتباً می‌رساند. شاهزاده مؤیدالدوله که نشان «کسی ام‌جی» را دارا و به حکومت طهران منصوب است اظهار نفرت علیه دخالت کلنل لیاخوف در اموراتی [اموری] که او از حدود رسمی آن صاحب‌منصب خارج می‌داند نموده است.

چنانچه در خلاصه وقایع آخری راپورت دادم عموم چنان حس نموده بودند که دستخط شاه که وعده انتشار قانون انتخابات را برای ۲۷ اکتبر و افتتاح مجلس ملی ثانوی را داده بود (در دستخط مجلسی نوشته شده) از روی صمیمیت نبوده همینکه موعد انتشار قانون انتخابات موعود نزدیک گردید در مقام تحقیقات برآمدیم ببینیم آیا برای تنظیم چنین نوشته‌اقداماتی بعمل آمده یا نه و اگر چه وزیر امور خارجه به سفیر اعلیحضرتی اظهار داشت که نوشته مزبور آماده شده بخوبی واضح بود که او شخصاً چنین نوشته را به چشم ندیده و فقط امر داشته است اینطور اظهار بنماید و نه او و نه کسی دیگر نمی‌توانست اطلاع صحیحی در این باب بدهد. در این اثنا همینکه وقت انجام وعده شاه نزدیک گردید راپورتهای مختلفه که معلوم بود منشأ آن دربار است شیوع یافت که از ایالات و ولایات تلگراف بر ضد تشکیل مجلس به مرکز مخابره شده. در ۲۸ اکتبر [۵ آبان؛ ۲ شوال] رئیس مطبعه شاه خبر داد که قانون انتخابات در تحت طبع [است] و روز دیگر منتشر خواهد شد ولی سپس شهرت داد که انتشار آن تا مدت غیر محدودی به عهده تعویق افتاده است. از وزیر امور خارجه در این باب استفسار شد جواب دادند که خود و همکارانشان تمام روز ۲۶ اکتبر [۳ آبان؛ ۳۰ رمضان] را صرف تنظیم قانون انتخابات نموده و آن را تمام کردند ولی دوباره بعضی تغییرات در آن می‌دهند.

علمای نجف تلگراف بسیار شدیدی به شاه مخابره نموده در آن مذکور است اعمال شاه

قلوب مؤمنین را مجروح و امام غائب را مکدر نموده است. برای تحصیل حکومت نمایندگی از هیچ نوع اقداماتی فروگذار نخواهیم نمود. در انتهای تلگراف مزبور این عبارت مذکور است: ظالمین ملعون خدا هستند حالا شما غلبه دارید ولی همیشه اینطور نخواهید ماند. ترجمه این تلگراف را نماینده اعلیحضرتی مقیم بغداد برای من فرستاده و از قرار معلوم در طهران آن را انتشار زیاد داده اند.

مسیوسابلین، مستشار جدید روس، باید در ظرف یک هفته به اینجا وارد شود.

(امضا) چرچیل، ۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۹ شوال ۱۳۲۶]

مشهد

اخیراً بسیاری از مشروطه خواهان از جنرال قنسول اعلیحضرتی استدعای رخصت پناه گرفتن در جنرال قنسولگری نموده اند ولی استدعای تمام آنها رد شده است.

اصفهان

تمام راههای از اصفهان به سایر نقاط باستانی راه طهران به دست راهزنان است و پسته و قوافل را غالباً می زنند.

یزد

از قرار راپورت کفیل ویس قنسول اعلیحضرتی ظاهراً در کلیه طرقی که به یزد می رود سرقت هر روزه واقع می شود. حکومت ابراز عدم توانایی به اصلاح موقع نموده تجارت به حالت سکون و پسته بکلی بی ترتیب شده و فقط پستهایی که اخیراً به یزد رسیده اند آنهایی بوده اند که خود را تا مدتی در دهی پنهان کرده و از عبور اتفاقی حاکم جدید کرمان استفاده نموده و همراه او تا یزد رفته اند.

کرمان

در اوایل سپتامبر ناظم التجار در قونسولگری انگلیس پناهنده گردید و پس از چند روزی خارج شد.

صاحب اختیار حاکم جدید در ۲۱ سپتامبر [۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان] وارد شد. معاضدالدوله را به سمت نیابت حکومت تعیین و سعدالسلطنه را وزیر خود نموده است. دستجات راهزنان فارس چندین ده را در ناحیه کرمان زده و بسیاری از طرق از طرف سارقین اشغال شده اند.

شیراز

آصفالدوله، فرمانفرمای جدید، در ۲۱ سپتامبر [۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان] وارد گردید.

قنصل مقيم اعليحضرتي باتفاق قنصل روز ۲۴ به دیدن او رفته با آنها بطور مودت سلوك نموده و بطور مدارا خود را حاضر برای مذاکره در امورات معوقه نشان داد.

روز ۱۳ اکتبر [۲۰ مهر؛ ۱۷ رمضان] او از قنصل مقيم و قنصل ملاقات نموده و با آنها بسیار دوستانه صحبت نموده ولی بعلت کسالت مزاج اغلب مشاغل را به عهده سردار فیروز و عطاءالدوله واگذار نموده است. از قرار راپورتهای اخیر معلوم می‌گردد که فرمانفرما بکلی از عهده اعاده انتظامات فارس برنیامده و عقیده قنصل اعليحضرتي براین است که فقط علاجی که به تصور می‌آید تعیین شخص مقتدرتری است. در ۱۲۶ اکتبر مسترییل تلگراف نمود که از قراری که بر او مفهوم شده نقشه برای اخراج فرمانفرما و تقاضای مشروطیت ریخته شده است. از قراری که راپورت داده شده عساکر از حرکت بطرف قبایل اعراب بعلت عدم خوراک و فشنگ امتناع ورزیده‌اند.

همینکه فرمانفرما اطمینان به معافیت پناهندگان داد بعضی از آنها از قنصلخانه خارج گردیدند ولی چهار نفر آنها تا ۷ اکتبر در آنجا توقف نمودند.

راپورت سرقتهای بسیار در راه بوشهر و اصفهان رسیده. مابین اصفهان و شیراز چندین مرتبه پست را زده‌اند.

در ۸ اکتبر، فوج چهار محل [چهار محال؟] مجتمعاً در اداره تلگرافخانه ایرانی پناهنده شده مطالبه حقوق عقب افتاده خود را نمودند. چون اوامر برای پرداخت کلیه حقوق عقب افتاده آنها از طهران رسید و يك قسمت کمی از آن پرداخته شد آنها روز ۱۰ خارج شدند.

(امضا) مازور استوکس آتاشه میلپتر

نمره - ۳۱۶

مکتوب سرجارج [جرج] یارکلی به سرادوردگری (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران، ۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مراسله ۲ شهر ماضی خود افتخاراً راپورت می‌دهم که در عرض هفته اول ماه اکتوبر در مناسبات مابین فرمانفرمای تبریز و ملتیان آثار و علائم بهبودی هویدا نگردید و اقدامات مختلفه که برای حل اشکالات موقع بعمل آمد بی ثمر بود و این مسئله واضح بود که عین‌الدوله آنقدرها قصد نداشت که بواسطه امتیازات بموقع با ملتیان از در اصلاح داخل شود و بعلاوه بواسطه مسدود نمودن ابواب دخول به شهر هم بر مصیبت اهالی شهر افزوده و هم تمام طبقات مردم را به خشم آورده است.

روزنهم ملتیان در يك موقع براردوی فرمانفرما و سواره ماکوئی که پل آجی را در نزدیکی یکی از دروازه‌های شهر در تصرف داشتند حمله بردند. نتیجه این جنگ که تا ده ساعت دوام داشت این شد که قشون ملی تماماً مظفر گردیده و سواره ماکوئی

منهزم و در اردوی دولتی اختلال زیاد روی داد. در این جنگ تلفونخانه روس در نزدیکی پل آجی قتلگاه بزرگی بود و قریب چهل نفر از سواران ماکوئی آنجا بقتل رسیدند.

روز ۱۲ [۱۹ مهر؛ ۱۶ رمضان] محله دواچی [دوه چی؟] شهر که تا آنوقت به دست دولتیان بود تسلیم شد و مجتهد بزرگ و شجاع نظام، سرکرده سواره مرندی، باتمام دولتیان روبه فرار گذاردند و خانه های آنها را با انجمن اسلامیة مشهور را که مقامات مهمه مستبدین بود غارت نموده آتش زدند. از این وقت شهر بدون گفتگو به دست ملتیان بود و عساکر دولتی در تحت امر عین الدوله تا پاترده میل از تبریز دور رفته و در آنجا توقف نمودند. سپس عین الدوله معزول و فرمانفرما تعیین شد [که] به جای او منصوب گردد و لسی چون او از قبول این عهده امتناع ورزید عین الدوله دوباره به عهده خود برقرار است.

در ۱۸ آکتوبر [۲۵ مهر؛ ۲۲ رمضان] دولت روس تصمیم نموده بود ۸۰ الی صد نفر قزاق ایرانی و دو دسته پیاده نظام بدانجا اعزام نماید ولی آخر الامر ترك عزیمت نمود. از زمان ظفریابی ملتیان اوضاع تبریز رویم رفته کسب بهبودی نموده و روز ۲۸ آکتوبر [۵ آبان؛ ۲ شوال] بازارها مفتوح گردید ولی بواسطه اقدامات شجاع نظام بر تجارت شهر خسارت زیاد وارد آمد و شجاع نظام پس از فراربه مرنند مراجعت نمود و راه جلفا را اشغال نمود تا روز ۲۸ نارنجکی توسط پسته برای او ارسال گردیده خود و یکی از پسرانش را مقتول نمود. از زمان قتل او، یکی از پسرانش که زنده مانده است و خود را حاکم مرنند می خواند راه تجارت را مسدود نموده و راه ارضروم^۱ هم بواسطه حضور دزدان ماکوئی خیلی ناامن بوده است.

این را باید مذکور دارم که از زمان آخرین شکست دولتیان، رؤسای ملتیان تلگرافات به شاه و وزیر امور خارجه مخابره نمودند و اظهار اطاعت و انقیاد به آن اعلیحضرت نموده و به وزیر امور خارجه اعلام کرده اند که با تمام قوا منافع اتباع خارجه را که در شهر سکونت دارند حفظ خواهند نمود و سواد این تلگرافات را برای اکثر نمایندگان خارجی طهران فرستادند.

(امضا) جارج بارکلی

نمره - ۳۱۷

مکتوب سر آرتر نیکلسن به سرادوارگری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۹ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۷ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۴ شوال ۱۳۲۶]

آقا

امروز صبح از مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] ملاقات نموده از او در باب اخبار طهران در خصوص قصد شاه به نسخ مشروطیت استفسار نمودم چون از قرار تلگراف ۸ نوامبر سر

جارج [جرج] بارکلی انجام چنین اقدامی قریب الوقوع بنظر می آمد. بر من اینطور معلوم گردید که به مسیو ایسولسکی در این باب از طرف مسیو دوهارت ویک خبری نرسیده بود و بنابراین من مضمون تلگراف فوق الذکر سر جارج بارکلی را برای او قرائت نموده و به جناب معظم الیه [معظم له] اظهار داشتم که متعاقب وصول آن تلگراف، تلگراف دیگری از طهران برای من رسیده مشعر بر اینکه یادداشت متحصلا مال دیروز به وزیر امور خارجه داده شد و چون شاه ظاهراً فقط وعده داده بود که به صدر اعظم امر دهد که بر وفق عریضجاتی که اظهارات بر ضد مشروطیت نموده بودند عمل نماید حالا امکان داشت که شاه مجدداً ملاحظه وضعیت خود را بنماید و هرگاه در نسخ مشروطیت اصرار شود نتایج و عواقب آن احتمال کامل می رود بسیار وخیم باشد و در هر صورت نظر به نصایحی که دولتین روس و انگلیس مکرراً به شاه داده اند دولتین باید چنین اقدامی را از طرف او به نظر بسیار جدی و سخت بنگرند. به نظر من چنین می آید بایستی به یک نحوی به شاه فهمانید که به این طور سهل و ساده نمی تواند به نصایحی که به او شده بی اعتنائی نماید.

مسیو ایسولسکی اهمیت موقع را بخوبی شناخته است ولی اظهار داشت تا زمانی که از مسیو دوهارت ویک راپورتی نرسد نمی تواند عقیده قطعی خود را اظهار نماید و برای کسب راپورتی از او در خصوص حقیقت ماوقع تلگراف کرده است. او به من گفت می خواهم بدانم شما چه اقدامی را می توانید ارائه نمایید که عدم قبول دولتین را به شاه بنمایاند. من به ایشان اظهار داشتم مشکل است اقداماتی را که بسیار بجا و مناسب باشد معین نمود؛ البته پروتست فقط چندان اثری نخواهد داشت ولی شاید اگر دولت روس صاحب منصبان خود را تا مدت محدودی باز خواسته نگذارند نزد او باشند شاه ممکن است بفهمد که از دولت روس نمی تواند انتظار همراهی و کمکی داشته باشد.

مسیو ایسولسکی این ارائه طریق را مطلقاً رد نمود ولی اظهار داشت که چنین اقدامی مورد اعتراضات بزرگ می باشد، بهتر این است صبر شود تا اطلاعات کاملتری در خصوص آنچه حقیقتاً واقع شده بدست آید و از تلگرافات عمومی اینطور مفهوم می گردید که عریضه هایی که به شاه تقدیم شده بود فقط مقدمه اقدامی از طرف آن اعلیحضرت بود و ذکر نشده بود که شاه به نسخ مشروطیت رضا داده باشد.

نمره - ۳۱۸

مکتوب سر آرتر نیکلسن به سرادوردگری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۱ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۸ شوال ۱۳۲۶]

آقا

مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] امروز چند قسمت از تلگرافات مفصلی را که از طهران رسیده بود برای من قرائت نمود و اظهار داشت این تلگرافات را سفارت فرستاده و اوضاع

پایتخت ایران را بسیار تیره و تار شرح داده‌اند.

من به ایشان اظهار داشتیم محض تسکین اهالی لازم است مجلس تشکیل گردد و شاید آنوقت بشود به يك وسیله در اوضاع بهبودی داده شود. مسئله عمده آن است که شروع به انتخابات شده و مجلس منعقد گردد. اطمینان دارم در این ملاقاتی که امروز سفرای انگلیس و روس از شاه می‌کنند ما طوری بکنیم که از مساعی و اقدامات مستبدین نتیجه‌ای حاصل نشود. (امضا) آرتر نیکلسن

نمره - ۳۱۹

مکتوب سر آرتر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورگ، ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۶]

آقا

دیشب مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] شرحی در خصوص اوضاع ایران که هنوز خیالات او را مضطرب می‌دارد بیان نموده گفت من در دومی مسئله تصمیم رأی نموده‌ام: یکی عدم مداخله و دیگری عدم تقویت شاه. این را ممکن است جنبه منفی پلتیک بدانیم ولی از حیث جنبه مثبت آن در اضطراریم باین معنی که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بطور واضح از آنچه نباید بکند مستحضر است ولی درست نمی‌داند چه بایستی بکند. احتمال اینکه مملکت دو مرتبه دچار هرج و مرج شود و باعث حدوث اتفاقاتی گردد که دولتین را مجبور به مداخله نماید او را همواره مکدر داشت و برای يك نقشه رفورمی که پس از مشورت با دولت اعلی‌حضرتی به شاه بقبولانند فکر کرده بود و به نظر او چندان فایده نداشت يك نقشه ریخته شود در صورتیکه کسی یا هیئتی که لایق اجرای آن باشد در ایران پیدا نمی‌شود. مسیو دوهارت ویک [که] در شرف حرکت و عازم سنت پترزبورگ بود در نظر داشت که به ورود آنجا يك کمیته اداره کوچکی تأسیس نماید که بتوانند يك نقشه‌ای که سبب علاج موقع باشد طرح‌ریزی نمایند.

او مسرور بود از اینکه فرمانفرمای قفقازیه در مسئله اینکه تا آخرین دقیقه از هرگونه مداخله دوری جویند با او موافق بوده در واقع این مسئله صبر و تحمل دولت روسیه را در مورد امتحان گذارده است. او نیز در باب ارائه طریقی که من نمودم بر اینکه صاحب‌منصبان روسی را باز بخواهند تا آنکه علامت نارضایتی دولت روس باشد مشغول فکر بوده ولی می‌ترسیده است با این اوضاع چنین اقدامی بسیار خطرناک باشد چرا که در غیاب آنها هیچ نمی‌توان اعتماد نمود بر اینکه بریگاد قزاق اصلاً از روی نظم و ترتیب حرکت کنند و برای تسکین اوضاع حالیه اقدامی بایستی بعمل آید. از قرار معلوم شاه از انتشار قانون انتخابات و انعقاد مجلس سرپیچی می‌نمود.

امروز بعد از ظهر مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] مجدداً در باب وضع امور ایران و مخصوصاً احوال آذربایجان بیاناتی نموده اظهار داشت که ستارخان در جلفای ایران

حاکمی تعیین نموده و او بیرق قرمزی برافراشته و فوراً یکصد و پنجاه نفر از رولوسیونرهای خاک روسیه به وی ملحق گردیده‌اند. راست است که طرق تجارتي حاليه مفتوح می‌باشند ولی اتباع روس مقیم تبریز اتصالاً مورد تهدیدات واقع شده اسباب رنجش آنها فراهم می‌آید و از اینکه او دست روی دست گذاشته و هیچ اقدامی ننموده است او را ملامت و سرزنش می‌کنند. مسیو دوهارت ویک راپورت داده بود که نصایح او و سر جارج [جرج] بارکلی در شاه تأثیری پیدا نموده ولی هنوز آن اعلیحضرت اقدامات قطعی برای قبول مستدعیات ما بعمل نیاورده است بعلاوه هرگاه مجلس منعقد گردد بجز تهیه احساسات عامه کار دیگری نخواهد کرد و به نظر وی مجلس قادر نخواهد بود که امورات را به حالت معمولی و عادی اعاده دهد.

من به مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] اظهار داشتم که ما صبر و تحمل زیادی [را] که دولت روس بخرج می‌دهد و در مواقع بسیار سخت و مشکل بخرج داده‌است کاملاً در نظر داریم و ایشان بلاشک فهمیده‌اند که صدراعظم از صبری که روسیه بخرج داده و ایفای به عهد خود در مراعات معاهده شهادت کامل داده‌اند. فکر من این بود که ما بایستی اصرار به اعلان قانون انتخابات و تشکیل مجلس بنماییم و هرگاه این اقدامات به انجام برسد ممکن است در موقع تسکین حاصل گردد. من به ایشان اظهار داشتم که خلاصه نظریات او را که دیشب برای من اظهار داشت به شما تلگراف نموده‌ام و همینکه جواب از طرف شما رسید فوراً او را مستحضر خواهم داشت.

اوضاع آذربایجان بلاشک اسباب تشویش دولت روس گردیده مخصوصاً بواسطه آنکه ستارخان مستقلاً و به اراده شخصی عمل می‌نماید و رولوسیونرهای قفقازیه هم نسبت به او و آنچه او در پی حصول آن است همدردی و اقدامات می‌نمایند.

(امضا) سرآرترنیکلسن

نمره - ۳۲۰

مکتوب سرآرترنیکلسن به سرادوار دگری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۶ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۳ شوال ۱۳۲۶]

آقا

بایستی راپورت دهم که مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] امروز چنانچه تقریباً در هر موقعی که با ایشان ملاقات می‌کنم مجدداً از اشکالاتی که در مسئله خواهشات عامه بر حفظ منافع روس در آذربایجان دچار گردیده است شرحی اظهار داشت و به من گفت که به تجارت روس بطور سخت تضییق شده و به اتباع روس تهدیدات و مزاحمت می‌شود و او نمی‌داند دیگر بتواند بیش از این از اقدامات خودداری نماید. مطبوعات روسیه در این باب مقالات نوشته و از دولت درخواست می‌نمایند اقدامی بنمایند. ستارخان در معنی فعال مایشاء است ولی در واقع به حرف رولوسیونرهای قفقازی که برای هرگونه شرارت کاری حاضر بودند

گوش می‌داد.

امروز صبح هم روزنامه «نویه‌ورمیا» و هم «بورس گازت» درباب اوضاع و احوال امور آذربایجان مقالاتی چند درج و منتشر نموده‌اند. روزنامه اولی چنین می‌نویسد: به‌علت عدم مداخله روس در آذربایجان و بی‌قدرتی شاه، موقع ستارخان در تبریز محکم‌تر می‌شود و هرج و مرج بیشتر می‌گردد. هرگاه این وقایع سابقاً روی می‌داد دولت روس یقیناً طور دیگری عمل می‌نمود. خپوه و خجند و ترکمانیه برای آنکه بر قوافل روس حمله نموده بودند آزادی خود را از دست دادند ولی حالا دوره تغییر کرده تجارت روس اتصالاً خسارت کشیده و آیا این وضع تاکی طول خواهد کشید. هرگاه انگلستان به جای روس بود البته اینطور صبر و تحمل بخرج نمی‌داد. به علاوه خسارات مالی که دولت روس ناچار تحمل نموده خسارت نفوذی هم متحمل شده است. هرگاه ستارخان به عوض آنکه يك مسلك ثابت خصومت کارانه نسبت به روس اتخاذ کند فقط مشغول منازعه با شاه بود هیچکس شکایتی نداشت. به‌علاوه، خطری که برای روس متصور است از بابت قبایل تاتا ماوراء قفقاز می‌باشد که با دقت تمام حوادث تبریز را مراقب بوده و ستارخان را یکی از قهرمانان می‌پندارند.

«بورس گازت» می‌نویسد چه مسیو دوهارت ویک به طهران بیاید یا نیاید شکی نیست که از منافع و اهمیت مقام روس بطور کفایت دفاع بعمل نیامده و نویسنده از درک اینکه چرا دولت روس مثل يك تماشاچی بر حوادث ایران نگریسته و اقدامی نمی‌کند قاصر است و می‌گوید امروز یا فردا آذربایجان اعلان استقلال خود را داده و آن وقت روس يك همسایه بی‌نظم تازه خواهد داشت. «بورس گازت» این‌طور صلاح می‌داند که دیپلوماسی روس بایستی صریحاً انعقاد مجلس را تقاضا نموده و باتفاق دولت انگلستان آرام نمودن ایران را به عهده گیرند و هرگاه دولت روس نمی‌خواهد که دولت عثمانی از این موقع استفاده نماید بایستی پلتیک مجدانه‌ای در ایران اتخاذ نماید.

(امضاء) سرآرتور نیکلسن

نمره ۵ - ۳۴۱

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواری (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف دیروز من، بامسیو سابلین آخر الامر درباب اوضاع مذاکره نمودم و تصور می‌کنم خوب است نمایندگان دولتین استدعا نمایند شاه هر دو آنها را به حضور خود پذیرفته آنوقت تقاضاهای ذیل را بنماییم: اول آنکه صدراعظم و امیر بهادر جنگ را که پلتیک مستبدانه آن اعلیحضرت را بیشتر بایستی به آنها نسبت داد از کار خارج نماید و ثانی آنکه اعلانی راجع به استقرار مشروطیت صادر و منتشر نماید.

نمره - ۳۲۲

تلگراف سر ادواردگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

اقدامی که برحسب راپورت مندرجه تلگراف دیروز خود درباب دستخطی که شاه اخیراً صادر نموده کرده‌اید صحیح است.

نمره - ۳۲۳

تلگراف سر ادواردگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

از آنجایی که شاه برحسب دستخط آخری خود مشروطیت ایران را معدوم نموده است دولتین روس و انگلیس بایستی موقعی را که بواسطه این اقدام حادث گردیده با کمال دقت مراقب باشند.

من اهمیت اعتراضات علیه بازخواستن صاحب منصبان روسی را از طهران خوب درک می‌کنم. رویهمرفته به نظرم چنین می‌آید که بهترین کاری که کرده شود این است که ملتیان ایران را بگذاریم خود برشاه فشار آورند. هرگاه نمایندگان دولتین به شاه اناهار متحدالمالی نمایند به این مضمون که حالا که ناتوانی شاه در حکمفرمایی بر تبریز به ثبوت رسیده و بواسطه عدم ایفاء به عهد خود در باب مشروطیت دیگر هیچ احتمال اینکه بتواند خود آن صفحه را در تحت انتظام آورد نمی‌رود و بعلاوه هرگاه بخواید دو مرتبه وضعیت خود را در آن نقطه محکم نموده و اغتشاشاتی بواسطه این اقدام به ظهور رسد در صورتی که مشروطیت که فقط وسیله علاج هرج و مرج ایالات و ولایات شمرده می‌شود وجود ندارد، ما او را بکلی مسؤل خواهیم دانست. ما ممکن است به این مقصود نائل گردیم.

بهترین طریق که به نظر من می‌رسد این است که از هرگونه مداخله در امور داخلی ایران احتراز نموده بگذاریم اهالی خود به حل مسئله بپردازند ولی هرگاه هیئتی که امروزه در آذربایجان بیشتر قدرت دارند بطور غیردوستانه با دولت روس سلوک نمایند آن وقت می‌دانم که پای‌بندی به پلتیک عدم مداخله بسی دشوار خواهد بود.

شما باید این نظریات را به استحضار مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] رسانیده از او خواهش کنید که هرگاه تصویب می‌نماید به نماینده دولت روس مقیم طهران بروفق آن تعلیم دهد.

نمره - ۳۳۴

تلگراف سر جرج بار کلی به سرادوار دگری (واصله ۲۴ نوامبر)

طهران، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

به علت اظهارات ۲۲ نوامبر ما شاه امر به توقیف دستخط خود داده است. علی ای حال ما فعلاً در صدد استدعای حضور یافتن دو ترجمانها هستیم و آنها مطالبی را که بموجب تلگراف ۲۰ نوامبر به سنت پترزبورغ مخابره نموده و تصویب کرده‌اید به شاه اظهار خواهند نمود.

نمره - ۳۳۵

تلگراف سر جارج [جرج] بار کلی به سرادوار دگری (واصله ۲۵ نوامبر)

طهران، ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۶]

امروز وزیر امور خارجه به امر شاه از من ملاقات نموده اظهار داشت که اظهارات متحدالمال روز یکشنبه گذشته ما مخصوصاً عبارت راجع به نصایح سیئه اطرافیان او بسیار اسباب رنجش خاطر شاه گردیده است.

علاءالسلطنه سپس شروع بتوضیح دستخط اخیر شاه نموده اظهار داشت این دستخط فقط جوابی است به عریضه علماء [و] نوشته رسمی نمی‌باشد و تا اندازه‌ای که بر حضرت ایشان معلوم گردیده طبع آن به امر شاه بعمل نیامده است و بعلاوه در آن دستخط مسئله تشکیل مجلسی مثل مجلس سابق رد شده و آن اعلیحضرت هنوز مصمم می‌باشند که مجلسی که مناسب مملکت و موافق با قوانین اسلام باشد اعطا نمایند چنانچه در دستخط دوم آکتوبر وعده به آن داده‌اند.

علاءالسلطنه سعی داشت مرا ترغیب نماید در عوض آنکه ترجمانها حضور اعلیحضرت بروند من خود خواهش شرفیابی بطور غیر رسمی نمایم ولی من به ایشان اشعار نمودم که دفعه آخری که خود بطور غیر رسمی حضور شاه رفتم از ملاقات ماتتیجه‌ای به ظهور نرسید و به ایشان فهمانیدم که دفعه دیگری که شرفیاب می‌شوم باتفاق همکار روسی خود و در تحت تعلیمات دولت متبوعه خود به حضور خواهیم رفت و محض آنکه کاری بکنیم که دیگر این ملاقات رسمی لازم نباشد می‌خواهم ترجمانها حضور شاه مشرف شده و بی‌پرده با او صحبت نمایند. حضرت اشرف ایشان راضی شدند که بر حسب میل و اراده آن اعلیحضرت عمل نمایند. علاءالسلطنه مجدداً در باب شورای مملکتی که به همین نزدیکی تأسیس خواهد شد صحبت نمود.

نمره - ۳۲۶

تلگراف سرآرترنیکلسن به سرادواری (واصله ۲۷ نوامبر)

سنت پترز بورغ، ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸

[۵ آذر ۱۲۸۷؛ ۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

اوضاع آذربایجان

راجع به تلگراف ۲۳ شهر جاری شما، مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] دیشب در باب اوضاع امور این ایالت با من صحبت داشت و گفت از ماه فوریه تاکنون در راه جلفا الی تهریز که مخارج ساختن آن ده ملیون منات شده باج گرفته نشده و اتباع روسی معادل صدو پنجاه هزار لیرا [لیره] خسارت ادعا نموده‌اند. این اوضاع خیلی وزیر مالیه را پریشان نموده و اصرار دارد براینکه منافع روسیه بایستی به يك قسمی محافظت شود. هرج و مرج این ایالت عوض آنکه روبه تقلیل گذارد روزافزون است. اما در باب مطالبی که در تلگراف فوق‌الذکر خود ارائه طریق فرموده‌اید به شاه عنوان شود مسیو ایسولسکی چنین اظهار عقیده نمود که نظر به اینکه شاه دستخط خود را نسخ نموده چنین عنوانی دیگر لزومی ندارد.

نمره - ۳۲۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواری (واصله ۲۸ نوامبر)

طهران ، ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸

[۶ آذر ۱۲۸۷؛ ۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

گمان می‌کنم خوب است قبل از آنکه مجدداً عنوانات رسمی متحدالمال دیگر به شاه بنماییم بگذاریم يك مدت کمی بگذرد محض آنکه اثرات اقدامات سخت متفقۀ ۲۲ شهر جاری ما و نتیجۀ ملاقات دو ترجمانهای ما که امروز به وقوع پیوست کاملاً مشهود گردد. نتیجۀ ملاقات ترجمانها چندان غیر مطلوب نبود. اعلیحضرت شاه در جواب اظهارات آنها تکرار نموده‌اند که من بموجب دستخطی که اخیراً بطبع رسیده قصد عدم افتتاح يك قسم مجلسی را در نظر نداشته‌ام و فعلاً او در خیال است ببیند چه بایستی کرد و در تفکرات خود عجله نخواهد نمود. وزیر امور خارجه سفارتین را از نتیجۀ این تفکرات مستحضر خواهد داشت ولی همینقدر می‌تواند بگوید که شورائی تشکیل گردیده و فردا منعقد خواهد شد. ترجمانها اشعار نمودند که چیزی که خیلی لازم است تشکیل يك هیئت منتخبین است و اصرار نمودند که طرح‌ریزی برای يك هیئت نمایندگی باید به عهدۀ شورا محول باشد.

شکی نیست که برای راغب نمودن شاه بطوری که راضی شده این کار را به عهدۀ شورا محول نماید فشار لازم است ولی به نظر من اگر از این شورای مملکتی استفاده نموده و آنرا اول قدم برای حصول به مجلس شورای ملی بدانیم اسهل طرق خواهد بود اگر چه البته پیشرفت این اقدام بیشتر بسته به انتخاب اعضای این شورا است.

فهرستها *

www.adabestanekave.com

در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

بیا آوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده میشود که بنظر می‌رسد باید مربوط به یک شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در یک ردیف فهرست بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانه آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به یک نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین رو آنها را به همان گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به‌راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

اتابك اعظم ۴۱-۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۴
 احتشام السلطنه ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴، ۱۶۵
 ۱۶۹، ۱۷۶ - ۱۷۸، ۲۶۴
 احمد میرزا (سلطان) ۲۰
 ادیب التجار ۳۵
 ارباب فریدون ۱۷۸
 استد ۱۸۸
 استروگراتسکی ۳۰۰
 استوارت (استووارت) ۷۰
 استوکس (ماژور) ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰
 ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵
 ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹
 ۳۰۶، ۳۲۳
 استهون (استونز، استونس) ۵۳، ۱۱۰
 ۲۳۵، ۲۷۴، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۳۵
 ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸
 اسکلی (دکتر) ۱۴۱
 اسمارت ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲
 اصغر خان ۲۴۹

آصف‌الدوله ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶
 ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶
 ۳۰۵، ۳۲۲
 آقا سید جمال‌الدین واعظ ۴۰، ۴۱، ۲۱۶
 آقا سید عبداللهمجتهد ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸
 ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵
 ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۸
 آقا سید محمد (طبا طبائی) ۲۷، ۱۵۴
 آقا سید محمد مجتهد ۱۱، ۲۴، ۲۷، ۴۰
 ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶
 آقا شیخ نورالله ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۳
 آقا محمد مهدی ۴۶
 آقا نجفی ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۴، ۷۳
 ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۶۷
 آقا نورالله ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷
 اتابك ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۷۶-
 ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰
 ۱۴۱

- افتخار التجار ۱۴۰
اقبال الدوله ۲۶۷، ۲۴۹
اقبال السلطنه ۱۱۰، ۹۴
اقتدار نظام ۲۸۲
اکبر میرزا ۲۴۹
اکرم السلطان ۵۲
اکتور (دکتر) ۲۸۲
امام جمعہ خوی ۹۹
امامقلی میرزا ۲۳، ۲۲
امیر اعظم ۱۲۶، ۹۲، ۹۰
امیر بہادر جنک ۶، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵
۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰
۱۷۱، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶
۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰
۳۲۱، ۳۲۸
امین السلطان ۳۲، ۳۶
انتظام الملک ۱۸۷، ۲۶۷
ایزوولسکی (ایزوولسکی، ایسوولسکی) ۱۴
۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰
۱۹۱-۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰، ۳۱۲
۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷
۳۳۱، ۳۳۹
بارکر ۱۴۲
بارناوسکی (بارانوسکی، بارن اوسکی)
۲۳۸، ۲۴۱، ۲۸۳
بانوی عظمیٰ ۲۳۷
برنہم (بارنہم) ۲۴، ۳۵، ۶۹، ۷۰
برون ۷۰
بلارانوف ۶۴
بلک (لفتنت) ۱۲۷
بلک من ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱
بنکندورف ۲۹۷، ۳۰۸
بومن ۸۲
بہاءالواعظین ۲۶۲
بہرام میرزا ۱۴۴، ۲۱۸
بیزو (بیزوت) ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱-
۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹-۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۸-
۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰
۳۰۲
بیل ۳۲۳
بیوکخان (پسر رحیمخان) ۵۱، ۵۳
پاری ۲۸
پرویز (نک: شاہجہان)
پریم ۲۵، ۴۲
تقی زادہ ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۴
۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۵
۲۶۲، ۲۶۳
تیمورخان ۱۵۷
جلال الدولہ ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
جہانگیر خان (صور اسرافیل) ۲۴۶، ۲۳۹
چریکوف (چاریکوف) ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۶-
۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴ - ۲۹۹، ۳۰۷
۳۰۸
حاجی آقا محسن (اراکی) ۵۵
حاجی شیخ محمد واعظ ۱۱، ۹
حاجی علی آقا ۲۸۶
حاجی میرزا آقاسی ۹
حاجی محمد حسین کازرونی ۳۵
حاجی نایب ۱۳۸، ۱۵۸
حسین (پسر نایب الصدر) ۲۸۶
حسینقلی خان نواب ۹۲، ۲۴۶
حشمت الملک ۳۵
حمیدی ۱۶۷

- سردار اسعد ۲
 سردار سعید خان (کچی) ۱۵۹
 سردار فیروز ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳
 سردار معتضد (بهجت‌الملک) ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰
 سردار منصور ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
 سردار همایون ۱۷۴
 سعدالدوله ۱۶، ۲۵، ۸۱، ۷۸، ۸۶ - ۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
 سعدالسلطنه ۳۲۲
 سعیدالسلطنه ۹۵
 سلیمان میرزا ۲۱۷
 سید احمد (دستکی) ۱۷۵
 سیداکبر ۱۷۴
 سید جمال‌الدین (واعظ؟) ۴۱، ۲۱۶
 سید حسن ۲۶۲
 سید شهاب ۱۳۸
 سید عبدالله (نک: آقا سید عبدالله مجتهد)
 سید عبدالحسین لاری ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۷۵
 سید علی یزدی ۱۴۵
 سید محمد ۲۰۰، ۲۸۳
 شاپشال ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
 شاه‌جهان (شاه جهانیان) ، پرویز ۲۷ ، ۳۵، ۱۶۲
 شجاع‌الملک ۱۲۳، ۱۲۴
 شجاع نظام ۳۰۹، ۳۲۴
 شعاع‌السلطنه ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶
 شوکت الدوله ۱۲۴
 شیخ‌الرئیس ۹، ۳۳، ۱۹۵، ۲۳۸
 شیخ‌فضل‌الله ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱۴۵
 شیخ محمود ۲۹
 خبیرالدوله ۱۲۷، ۱۳۹
 خسروخان ۸۳
 داپی چا (پرنس) ۹۳
 دریاییگی ۹۵، ۱۱۲
 دوکارت (ماژور) ۱۳۸
 دوگلاس (کننل) ۱۰، ۶۲، ۶۴
 ذکاء‌الملک ۱۷۸
 رایینو ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳
 راتیسلا (راتیسلو، رتیس‌لو) ۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲، ۳۱۰، ۳۱۱
 رجب افندی ۵۲
 رحیم‌خان ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱، ۲۷۲
 رشید‌الملک ۱۷۸
 رفعت نظام ۲۸۹
 رکن الدوله ۱۲۴
 رنکینگ (لیوتنان) ۱۳۹
 زیگلر ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲
 سابلین (سبلین) ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸
 ساعدالدوله ۴۳
 ساکس ۱۲۸
 سالارالدوله ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶، ۱۷۵
 سالارالسلطان ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶
 سالار مکرم ۱۲۴
 سایکس (ماژور) ۳۴
 سیه‌دار ۲۴، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸
 سپهسالار ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۴
 ستارخان ۲۹۵ - ۲۹۷، ۳۲۶ - ۳۲۸
 سردار ارفع ۲۸۲

- صاحب اختیار ۱۳۹، ۱۶۹-۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۲۲، ۳۰۵
 صدیق الحرم ۲۶۲
 مصمص السلطنه ۵۴، ۸۱
 صنیع الدوله ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸-۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸
- ظفر السلطنه ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱
 ظل السلطان ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳-۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲
- ظهیر الدوله ۴۸، ۶۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۳۹
- عباس آقا (قاتل اتابک) ۹۴
 عباس خان افشار ۱۵۸
 عباسقلی خان ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲
 عباسقلی خان نواب ۲۴۶
 عدیل الملک ۱۷۴
- عضد الملک ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲-۲۱۵
 عطاء الدوله ۳۲۳
 علاء الدوله ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱-۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۸
- علاء السلطنه (محمدعلی) ۳۲، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱-۳۰۳، ۳۳۰
- علاء الملک ۸۱، ۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷
 علیجان (چلیانلو) ۲۲، ۲۸
 عین الدوله ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴
 غریب خان ۸۱
- فاتح السلطنه ۱۷۵
 فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) ۳۵
 فرمانفرما ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴
 فریدون (زرتشتی کشته شده) ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
 فکس (ماژور) ۸۳
- قائم مقام ۱۳۶، ۱۶۹
 قوام ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸۶
 قوام الدوله ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰
 قوام الملک ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸
- کاره ۱۵
 کاکس (ماژور) ۲۸۶
 کامران میرزا ۱۴۰
 کرنٹ دوف (گرنٹ دوف) ۹، ۱۱
 کسو با ایف (کاپیتان) ۶۴
- گای (ارنست) ۲۱۹، ۲۵۲
 گراهام (گراهام، گریهم) ۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷

مشير السلطنه ٨١ ، ٢٢٠ ، ٢٤٠ ، ٢٦٨ ، ٣٠٠	لشكر نويس باشى ١٢٤
مشير الملك ٣١	لوتر (سر) ٢٩٢
مشير الممالك ٣٥	لوريم (كاپيتان) ٧٩
مظفر نظام ١٢٣ ، ١٢٤	لياخوف (كنل) ٦٣ ، ٦٤ ، ١١٦ ، ١٢٥ ،
معاضد السلطنه ٢٦٢ ، ٣٢٢	١٤٠ ، ٢٠٠ ، ٢٠٣ ، ٢١٠ ، ٢١٤ ،
معاون الدوله ٣٢	٢٣٧ ، ٢٤٠ ، ٢٤٢ ، ٢٤٣ ، ٣٢١
معمد ديوان ١١١ ، ١٢٢ ، ١٣٣ ، ١٧٥ ،	ليس آوسكى ٨٢
٢٨٦ ، ٢٤٩ ، ٢٥٠	لى گس ١٢٨
معين الدوله ١٤٠	لينج (لنج) ٨١ ، ٨٢ ، ٢٨٣
معين الوزاره ٢٣٩	ليندلى (دكتر) ١٦٨
مفتاح السلطنه ٢٢٧ ، ٢٤٦ ، ٢٦٢ ، ٢٦٣	مؤتمن الملك ٣١ ، ١١٠ ، ١٧٣ ، ٢٢٠
مقتدر نظام ١٥٤	مؤيد الدوله ٣٥ ، ٢٢٣ ، ٢٤٠ ، ٢٤٥ ، ٣٢١
ملا مهدي ٤٦ ، ٤٧	مؤيد السلطنه ١٧٣
ملك المتكلمين ١٤٠ ، ٢١٦ ، ٢٣٩ ، ٢٤٦	مجد الملك ٨١
مليكان (دكتر) ٢٣٨	مجلل السلطان ١٥٤
ممتاز الدوله ١٧٨ ، ٢١٢ ، ٢٤٦	محتشم السلطنه ١٣ ، ١٣٢ ، ١٩٠ ، ٢٢٠
منصور الملك ١٧٥	محتشم الملك ١٧٤
مهدي خان ٩٦	محمد آقا ١٥٧
مهندس الممالك ٣٢ ، ٨١	محمد خان ١٤٣
ميرزا حسن خان (اصفهانى) ٢	محمد رضا خان ٣٥
ميرزا سيد ابوالقاسم خان ٢	محمد على ميرزا (محمد على شاه) ٣ ، ٢٠ ، ١٠٣ ،
ميرزا على اكبر خان ٢٦٢	٢٤٣ ، ٣٠٧
ميرزا كاريز خان ٢٦٨	مخبر السلطنه ٣٢ ، ٨١ ، ٨٦ ، ١١٠ ، ١٣٦ ،
ميرزا كاظم خان ٢٨٦	١٧٣ ، ١٧٨ ، ٢٣٦
ميرزا محمود خان ٢	مرتضى قلى خان ٢٤٦
ناصر الدين شاه ٦٥ ، ٨٩	مرنارد ٣٠ ، ٥٩ ، ٦١ ، ١٦٠ ، ١٦١
ناصر السلطنه ٢٨٧	مساوات ٢٣٩ ، ٢٤٥
ناصر الملك ٢٥ ، ٣٢ ، ٨١ ، ٨٤ ، ٨٦ ، ١٠٩ ،	مستشار الدوله ١٥٤ ، ٢١٦ ، ٢١٩ ، ٢٣٨
١١٧ - ١١٩ ، ١٢٢ ، ١٣٣ ، ١٣٦ ، ١٣٩ -	مستوفى الممالك ٨١ ، ١١٠ ، ١٨٦ ، ٢٢٠
١٤٣ ، ١٨١ ، ١٨٦ ، ٢١٤	مشير الدوله ١٣ ، ٢٥ ، ٣٠ ، ٣١ ، ٧٩ ، ٨١ ،
ناظم ١٣٨ ، ١٥٨	٨٦ ، ٨٩ ، ٩٣ ، ١١٠ ، ١١٤ ، ١٣٠ ،
ناظم التجار ١١٢ ، ٣٢٢	١٣٦ ، ١٤٦ ، ١٥٢ ، ١٦٠ - ١٦٤ ، ١٧٠ ،
نايب الصدر ٢٨٦	١٧٢ ، ١٨٢ ، ١٨٥ ، ١٨٩ ، ٢١٢ ، ٢١٣ ،
نايب حسين ١٦٦	٢٢٠ ، ٢٦٥

وزیر همایون ۳۲، ۸۱	نصرالدوله ۱۷۵
ویلسن (لیوتنان) ۱۳۹	نظام السلطنه ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲،
هارتویگ (هارتویک) ۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸،	۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲ - ۱۵۴، ۱۶۱،
۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱ -	۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶،
۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲ -	۱۸۸، ۱۹۰
۲۱۴ - ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷ - ۲۳۹،	نظام الملك ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱
۲۶۰، ۲۷۵ - ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹،	نعمت الله (قاتل قوام الملك) ۱۷۵
۲۹۲ - ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱،	نقیب السادات ۵۱
۳۰۸، ۳۱۴ - ۳۱۷، ۳۲۵ - ۳۲۸	نوز ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۱۸۳
هاکینتر ۲۵۲	نیرالدوله ۵۴، ۱۳۲
هاورس (هاورت؛ کاپیتان) ۴۷، ۴۸، ۹۷،	نیلکان (دکتر) ۱۴۱
۱۲۸، ۱۹۰	وزیر افخم (سلطانعلی خان) ۱۹، ۳۲، ۲۵۴
های نیک (کاپیتان) ۱۲۷، ۱۲۸	وزیر اکرم ۲۴، ۴۴، ۱۱۰
هرمز میرزا ۲۱۴	وزیر مخصوص ۸۱

نام جایها

،۹۴ ،۱۰۸ ،۱۱۳ ،۱۲۶ ،۱۲۷ ،۱۳۲ ،
،۱۳۸ ،۱۴۴ ،۱۵۷ ،۱۵۸ ،۱۶۶ ،۱۶۷ ،
،۱۷۰ ،۱۷۳ ،۱۷۴ ،۱۷۷-۱۸۰ ،۱۹۰ ،
، ۲۰۰ ، ۲۱۸ ، ۲۲۰ ، ۲۲۷ ، ۲۳۰ ،
،۲۴۹ ،۲۶۶ ،۲۶۸ ،۲۷۴ ،۲۸۱ ،۲۸۹ ،
۳۲۳ ، ۳۲۲

افغان ۷۵

انار ۱۸۷

اترلی ۳۷ ، ۴۴ ، ۵۲ ، ۵۴ ، ۷۰ ، ۷۲ ، ۲۶۳ ،
انگلستان (انگلیس) ۴۴ ، ۴۵ ، ۱۱۲ ، ۱۴۱ ،
، ۱۸۸ ، ۱۹۶ ، ۲۸۹ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸ ،
، ۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۱۱ ، ۳۲۲ ،
۳۲۵ ، ۳۲۶ ، ۳۲۸

اورمیه (نک: ارومیه)

اهواز ۹۶ ، ۱۱۳ ، ۱۳۹ ، ۲۸۳

آذربایجان ۴۱ ، ۴۳ ، ۴۹ ، ۵۳ ، ۶۶ ، ۷۲ ،
، ۸۱ ، ۹۴ ، ۱۴۸ ، ۲۶۲ ، ۲۶۶ ، ۲۶۹ ،
، ۲۷۳ ، ۲۸۱ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۹۱ ،
۳۰۳ ، ۳۰۹ ، ۳۱۵ ، ۳۱۸ ، ۳۲۰ ، ۳۲۶ ،
— ۳۲۹ ، ۳۳۱

آستارا ۵۴ ، ۱۳۷ ، ۲۶۹

اترك ۱۲۶

اردبیل ۶۶ ، ۷۲ ، ۱۷۸

اردستان ۳۰۵

ارزروم (ارضروم) ۳۲۴

ارومیه (اورمیه) ۱۳۲ ، ۱۳۷ ، ۲۶۶

استراباد ۱۰۸ ، ۱۱۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۶ ، ۱۳۲ ،
، ۱۶۵ ، ۱۷۴ ، ۱۷۹

اصفهان ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۸ ، ۵۴ ، ۶۶ ، ۶۹ ،
، ۷۰ ، ۷۲-۷۵ ، ۷۹ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۹۳

- ۱۹۲-۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۷-۲۷۹، ۲۷۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷-۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۴-۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱
- بارفروش ۲۴۸
بارنگ ۱۶۷
باطوم ۳۱۸
بافت (بفت) ۱۶۷
باغشاه ۳۱۸ - ۳۲۱
باغو ۱۸۰
باکو ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱
باند ۲۳، ۲۸
بجنورد ۱۲۳
بحر خزر ۵۴
بختیاری ۵۴، ۲۸۳
برازجان ۱۳۹، ۱۵۸
بردسیر ۱۶۷
برلن ۲۰۶
بطوند (بتوند) ۱۱۳، ۱۳۹
بغداد ۱۵۸، ۳۲۲
بلوچستان ۲۶۹
بم ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹
بندر جز (بندرگر) ۱۲۳
بندر دیلم ۳۸
بندر ریگ ۳۸
بندرعباس ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۲۸۲
بسوهر ۳۸، ۴۵، ۷۳، ۸۳، ۸۴، ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲
۲۸۶، ۲۸۹، ۳۲۳
بیت المقدس ۳۸
بیرجند ۷۵، ۱۷۰
پرتغال ۱۶۵
پروسک ۱۷۷
پترزبورغ (سنت پترزبورغ) ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۸۳
تالش (تالش دولاب) ۵۴، ۳۰۵، ۳۶۶
تبریز ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۱-۵۴، ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۰۸-۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸ - ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷-۳۲۹، ۳۳۱
- تربت حیدری ۱۲۴، ۱۵۷، ۱۸۷، ۲۶۶
تغلیس ۶۳
تنگستان ۲۵۵
جاجرم ۲۸۹
جلفا ۸۳، ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۷-۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱
جوین ۱۲۳، ۱۲۶
جیرفت ۱۶۷، ۲۸۲
چاد بهار ۱۵۹
چاپیانلو ۲۲
چهار محال ۱۸۸، ۲۶۸، ۳۲۳
حضرت عبدالعظیم - شاهزاده عبدالعظیم ۲۷
خان کرکن ۱۵۸
خجند ۳۲۸
خراسان ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۷
خرم آباد ۱۷۰، ۱۷۵

فهرست نام جایها

یازده

ساوه ۶۳	خزر ، دریا (نك: بحر خزر)
سبزوار ۱۳۷، ۱۲۴، ۱۲۳	خطیب ۲۹۲
سلطان آباد ۳۹، ۵۵، ۸۲، ۱۷۹، ۲۱۸	خلج ۲۴۴
۲۶۷	خلیج فارس ۹۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۵۰
سلاماس ۱۲۵	۲۸۲
سمنان ۱۶۵	خوی ۱۱۰، ۱۲۵
سوء ۷۴	خیوه ۳۲۸
سیدان ۲۴۹	
سیستان ۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷، ۲۶۹	دالکی ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۶۸
سیوند ۱۸۸، ۳۰۵	دخمه کیخسرو ۱۵۹
	درجز ۱۲۳
شادنو ۱۶۶	درخلیل ۲۶۳
شفیع آباد ۱۲۳	دوج ۱۶۶
شمس ۱۶۷	دوشان تپه ۱۶۸
شیراز ۳۶، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۶۷، ۸۲	دولت آباد ۱۶۷
۸۳، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵	دوه چی ۳۲۴
۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۷ - ۱۲۹، ۱۳۲	دهبید ۱۵۸، ۱۸۸
۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۲	
۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵	رام هرمز ۲۸۳
۱۸۰ - ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰	رشت ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۵۳، ۶۶، ۷۳، ۱۱۰
۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۲	۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۹
۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲	۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۱۸، ۲۴۸
	۲۴۹، ۳۰۵
طبس ۱۵۷، ۱۸۷	رفسنجان ۱۶۷، ۱۷۴
طرابوزان ۱۱۰، ۱۲۵	رودبار (رودبار) ۲۸۲
طرق ۸۱	روسیه ۳۰۹ - ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۳۱
	رینان ۲۲۰
عباس آباد ۱۲۳	ریوال ۱۹۱
غازیک ۷۵	زرکان (زرقان) ۱۸۰
	زرگنده ۲۳۷، ۲۴۶
فارس ۳۵، ۴۴، ۶۷، ۹۵، ۹۶، ۱۱۱، ۱۱۲	زرنند ۲۴۴
۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹	زنجان ۶۶
۱۷۳، ۱۷۵ - ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸	
۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲	ساوجبلاغ ۳۳، ۱۲۵

گواتر ۱۵۹	فرامین ۱۲۳
گوران ۱۷۵	فرانسه ۴۴، ۱۸۸
گیلان (گیلانات) ۳۷، ۴۳، ۱۱۰، ۱۵۷	فومن ۱۶۶
۳۰۵	فهرج ۲۸۹
لار ۱۶۷	قرجه‌داغ (قراجه‌داغ) ۲۲۷، ۱۲۵، ۵۲، ۵۱
لرستان ۱۷۵	۲۳۵
لنگه ۱۱۲، ۱۶۷	قزوین ۱۴۴، ۲۱۸
مازندران ۱۲۳	قصرشیرین ۷۵
ماشک ۱۶۷	قفقاز (قفقازیه) ۴۱، ۳۲۶، ۳۲۸
ماکو ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۰۳، ۳۲۳	قلعه افلاک ۱۷۰
۳۲۴	قم ۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶
مالامین (مال‌امین) ۲۹	قوچان ۱۲۹، ۱۳۷
مالوم ۱۷۴	کازرون ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵
ماماتن ۱۳۹	کاشان ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۷
محمیره ۱۶۹، ۲۸۲	۱۶۶، ۱۷۰
مرند ۳۲۴	کاما ۱۲۶
مزینان ۱۲۳	کاوان ۲۹
مشهد ۳۳، ۳۴، ۶۶، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۳	کبوترخان ۱۷۴
۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۴	کربلا ۴۰-۴۲، ۵۸، ۱۷۵، ۲۶۷، ۲۸۲
۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۴۸، ۲۶۶	کردستان ۱۳۳
۲۸۹، ۳۲۲	کرمان ۴۴، ۶۷، ۷۵، ۸۳، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲
موصل ۸۰	۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۸
میامی ۱۲۳	۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۷
میان دشت ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۸۹	۱۹۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۸۲، ۲۸۱، ۳۰۵
میذهیدان ۱۲۳	۳۲۲
نائین ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۶۷	کرمانشاه ۳۶، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۷۳
ناردین ۱۲۳	۷۹، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۲۵
نجف ۱۸۸، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱	۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۱۸، ۲۲۱
نصرت آباد ۱۶۷، ۱۷۰	۲۶۹
نظام آباد ۷۴، ۸۱	کسما ۱۶۵
نوگنبد ۱۶۶	کمارج ۲۶۸، ۲۸۲
نیاوران ۲۵۳	کنار تخته ۱۶۷، ۲۸۲

سيزده

فهرست نام جاها

يزد ٣٥ ، ٦٦ ، ٧٥ ، ٨٢ ، ٨٣ ، ٩٥ ، ١٢٧ ،
١٢٩ ، ١٣٢ ، ١٣٣ ، ١٣٨ ، ١٤٤ ، ١٥٥ ،
١٥٧ ، ١٥٨ ، ١٦٣ ، ١٦٦ ، ١٦٧ ،
١٧٠ ، ١٧٤ ، ١٨٧ ، ١٩٠ ، ٢١٨ ، ٢٢٠ ،
٢٢١ ، ٢٤٩ ، ٢٦٧ ، ٢٨١ ، ٢٨٢ ، ٢٨٩ ،
٣٠٥ ، ٣٢٢
يموت ١٢٦

ورامين ١٤٢ ، ١٤٣ ، ١٦٩
وينه ١٤١

هلند ١٤٥ ، ١٤٦ ، ١٦٥
همدان ٤٨ ، ٦٧ ، ١٥٨ ، ٢٤٩
هند (هندوستان) ٢٧
هويزه ٢٨٢

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نامهای گوناگون پراکنده

- | | |
|----------------------------------|--|
| تخت طاووس ۲۰ | آلمان (ملت) ۱۱۲ |
| ترکمانیه (ملت) ۳۲۸ | ارامنه (ملت) ۴۲ |
| تمدن (روزنامه) ۹۳ | انجمن عباسی ۱۲۶ |
| | انجمن ظهیر الدوله ۲۳۹ |
| جبل‌المتین (روزنامه) ۲۹، ۹۳ | انگلیس (ملت) ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵ |
| دیکسن (کمپانی) ۱۲۶ | ۳۲۶ |
| | بورس‌گازت (مجله) ۳۲۸ |
| روس (ملت) ۲۸۹، ۲۹۳ - ۳۰۱، ۳۰۴ | بهار (طایفه) ۱۳۹ |
| ۳۰۷، ۳۰۸ - ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸ | بهارلو (طایفه) ۱۳۳ |
| ۳۱۹، ۳۲۲ - ۳۲۹ | |
| زردشتی - زردشتیان (ملت) ۱۶۳، ۱۶۲ | پارسیان پارسی‌ها (ملت) ۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۶۲ |
| زیگار (زیقار، کمپانی) ۱۲۶، ۲۱۸ | پرسی‌یوس (کشتی) ۱۵۹ |
| سیلاخور - سیلاخوری ۲۳۷، ۲۳۸ | تاتار (ملت) ۳۲۸ |
| صوراسرافیل (روزنامه) ۲۴۵ | |

**فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که
در ضمن اسناد از آنها یاد شده است**

- | | |
|--|---|
| تیرگی روابط مردم با محمدعلی شاه ۲۱ | مرگ مظفرالدین‌شاه ۴ |
| آشکار شدن احساسات ضد اروپائی در مردم ایران ۲۲ | طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷ |
| پناهندگی مردم اورمیه به کنسول‌خانه و تلگرافخانه انگلیس ۲۲-۲۸ | زمزمه مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز به خارجی‌ها ۱۷ |
| مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت راهسازی روسی ۲۳ | ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله در امور ایران ۱۸ |
| فدائیان رشت از قفقاز دستور می‌گرفتند ۲۳ | پادشاهی محمدعلی شاه - بار یافتن سفراء خارجی بنزد شاه ۱۹ |
| مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی محمد علی شاه خودداری کردند ۲۴ | احترام مردم به جنازه مظفرالدین‌شاه و جلوگیری آنها از برده شدن جنازه به کربلا ۱۹ |
| طرح مسئله نوز بلژیکی در مجلس ایران - مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵ | تاج‌گذاری محمدعلی شاه - ولیعهدی احمدشاه ۲۰ |
| تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲۶ | نخستین سلام رسمی که در حضور محمد علی‌شاه برگزار شد ۲۱ |
| قتل پرویز شاه جهانیان در یزد - نگرانی زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۲۷ | |

- تحصن و عاظ و مردم عادی در شاه عبدالعظیم
۲۷
- مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای
بیگانه ۳۰
- عزل مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱
- آدم‌کشی و آدم‌سوزی در سبزوار ۳۳
- مردم برای اجراء قول شاه ایران از دولت
های خارجی تضمین می‌خواستند! ۳۳
- نامه سرزنش بارزنان تبریز به مردان شیراز ۳۸
- اغتشاش در کرمانشاه - تحصن همگانی
مردم - برپا کردن چادر بر بام‌خانه‌ها
۳۹
- آدم‌کشان مزدور شاه در اندیشه شکار
آزادیخواهان ۵۱
- بازداشت رحیم‌خان قراجه داغی ضد مشروطه
معروف ۵۱-۵۳
- تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری
از چراغانی برای تاج‌گذاری شاه ۵۱
- جلوگیری مردم بندر اتلی از خارج شدن نوز
بلژیکی ۵۲
- قتل رجب افندی در تهران ۵۲
- توطئه اکرم السلطان برای کشتن اعضای
انجمن ایالتی تبریز ۵۲
- کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
- کشته شدن یک محترک در تبریز ۵۳
- وضع بدمالی ایران و فرستادن هیأت‌های
تبلیغاتی به خارج ۵۹
- بریکاد قزاق زنجیری برای بردگی ایران ۶۳
- گاردشاهی با فرمانده روسی ۶۴
- شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
- شرایط برده وار و استعماری روس و انگلیس
برای دریافت اقساط قرضه خود از
ایران ۶۸
- کشته شدن اتابک اعظم ۶۸
- کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
- اظهار نظر شگفتی انگیز سفیر انگلیس درباره
شاه ایران ۷۱
- دولت ایران فقط می‌تواند از روس و انگلیس
وام بگیرد! ۷۶
- احساسات میهن پرستانه ایرانیان از نظر سفیر
انگلیس ۷۹
- رئیس دزدها محافظ راه کاروانی مشهد
شد ۸۳
- طرح قرار داد ۱۹۰۷ در مجلس ایران ۸۹
- مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
- اخطار درباریان به محمدعلی شاه و منزوی
گردانیدن او ۹۰
- مقالات روزنامه حبل‌المتین درباره قرار -
داد ۱۹۰۷ ۹۳
- قانون اساسی ایران ۹۹
- فروش دختران و زنان ایرانی بوسیله
صنیع‌الدوله ۱۱۰
- زندانی شدن علاءالدوله - تبعید و زندانی شدن
ناصرالملک و وزیران دولت او ۱۱۷
- چاقو کشان مزدور محمدعلی شاه و پذیرائی
شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
- سوءاستفاده آصف‌الدوله و مظفر نظام از انبار
مهمات خراسان ۱۲۴
- تبعید علاءالدوله - زندانی شدن ناصرالملک
۱۴۰
- اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان ۱۴۴
- شاه ایران از سفراء انگلیس و روس دستور
کار می‌گرفت! ۱۴۶
- از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو
نسل دیگر هم شایسته حکومت مشروطه
نیست ۱۴۹
- زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان خودشان
از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند
۱۶۲
- سوء قصد بیجان محمدعلی شاه ۱۶۸

- تدارك محمدعلی شاه برای سرکوبی مردم
۱۶۹
- گزارش سفیر انگلیس درباره سوءقصد به
محمدعلی شاه ۱۷۰
- غارت مردم بوسیله گارد امیر بهادر ۱۷۱
- تحصن امیر بهادر در سفارت روس ۱۸۴
- فرار نظام السلطنه به قم ۱۸۶
- روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در
ایران ۱۹۱
- تحصن تقی‌زاده و روزنامه نگاران در سفارت
انگلیس ۱۹۶
- دستگیری روزنامه‌نویسان و آزادیخواهان
دیگر بدستور محمدعلی شاه ۱۹۶
- پناهندگی رئیس مجلس به سفارت فرانسه ۲۰۰
- پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به سفارت
ایتالیا ۲۰۰
- شورش در تبریز ۲۰۰
- انحلال مجلس بدستور محمدعلی شاه ۲۰۰
- حمایت سفارت انگلیس از ظل‌السلطان ۲۰۲
- تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
- جواب‌دادن پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵
- پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
- کودتا در تهران و غارت‌خانه‌های مردم بدست
قوای دولتی ۲۳۶
- دستگیری ملك المتكلمين و جهانگیرخان
صوراسرافیل ۲۳۹
- حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
- ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به
پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
- فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به
شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
- قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت
روسیه ۲۹۵
- روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
- دستخط محمدعلی‌شاه درباره انتخابات مجلس
۳۰۶
- انتخابات مجلس و بدقولی‌های محمدعلی
شاه ۳۰۹
- تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروطه ۳۱۳
- تلگراف شدیدالحن علماء نجف به محمد
علی شاه ۳۲۱